



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ - ۲۴ صفر ۱۴۴۷
سال بیست و هفتم - شماره ۷۲۸۰ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرمقاله

لطفاً آقای روحانی را دریابید!



عبدالله کجی
کارشناس سیاسی

آقای روحانی حقیقتاً از چهره‌های درس‌آموز جمهوری اسلامی است که باید از او درست گرفت. البته نگارنده در هشت سال دولت او به عنوان مدیر رسانه، چنان جانب انصاف را رعایت کردم که مورد تقدیر امشال علی ربیعی، عراقچی و معزی قرار گرفتم. اما روحانی مجموعه‌ای از افرات و تفریط در موضع است و شاید برای پنهان کردن همین دو خصلت، «اعتدال» را دال مرکزی انتخابات خود قرار داد. به این مثال توجه نمایم: ایشان در مجلس اول خواستار اعدام ارتشیان است که همه دیدهایم و شهید چمران مخالفت می‌کند. با زبان خود می‌گوید با زنان بی‌حجاب در ارتش چه برخوردی کرده و از ورود به کارشان جلوگیری کرده است. حال همین فرد بعد از ۲۰ سال حضور در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ در همدان می‌گوید: «شصتا ۲۸ سال است می‌کشید و زندانی می‌کنید». گویی اعدام امری سلیقه‌ای است و رقیب او (رئیس) اینکاره بوده و حالا باید به عنوان تبلیغات از آن بهره برد!

چند بار گفته است: «عراقچی اسفند ۱۳۹۹ گفت توافق آماده است، اما نگذاشتند و گفتند این دولت نباید موفق شود، بگذارید برای دولت بعد». دوباره می‌گوید: «عراقچی در فروردین ۱۴۰۰ گفت توافق تمام است و باز گفتند برای دولت بعد». خجالت هم نمی‌کشد که دولت بعد سه ساله بوده و تمام شده و توافقی هم صورت نگرفته است و مهم‌تر از آن، نمی‌گوید چه کسی گفت بگذارید برای دولت بعد؟ آن مرجع چه قدرتی دارد که دستور آن اینقدر نافذ و برنده است؟ نام نمی‌برد و با ابهام عبور می‌کند. اخیراً او بعد از جنگ ۱۲ روزه ضمن اینکه تحلیل خوبی از جنگ ارائه داده، نیروهای مسلح، سیستم امنیتی و شورای نگهبان را نواخت، گویی ایشان نقطه مقابل وفای مد نظر پزشکشان است. روحانی می‌گوید: «نیروهای مسلح را باید بهریم در وظایف ذاتی خودشان، اقتصاد، کار نیروهای مسلح نیست و...»

روحانی به عنوان یک حقوقدان نمی‌داند که ورود نیروهای مسلح به سازندگی کشور طبق اصل ۱۴۷ قانون اساسی است و با تدبیر مرحوم هاشمی این امر اتفاق افتاده است؟ چرا می‌داند، اما اصرار دارد «سازندگی» را «اقتصادی» معرفی کند، یعنی ساخت پل، جاده، راه‌آهن و سد کار اقتصادی است؟ کار اقتصادی یعنی با پول کار کنی، نه اینکه پیمانکار دولت باشی. مسئله روحانی سیاه است، ولاغیر. همین وزارت دفاع که هشت سال زیر نظر ایشان کار کرده است، کار اقتصادی می‌کند. کارخانه ماکارانی، رب گوجه، دستمال کاغذی، مواد شوینده و تن ماهی را چرا روحانی تعطیل نکرد و اعتراضی ندارد؟ (البته لازم است)

گیریم ایشان آسیب‌های دفاعی روشن شده در جنگ ۱۲ روزه را دیده است. فرض کنید مشکلات تکنولوژی بداند را دیده است. آیا کاستی‌های تکنولوژیک با فقدان هوایی ارتش یا انحلال قرارگاه سازندگی سیاه مر تف می‌شود؟ منطق علی - معلولی را چطور برقرار می‌کند؟ قرارگاه خاتم‌الانبیا آذرماه ۱۳۶۸ و در دولت هاشمی تشکیل شد. چرا روحانی تا سال ۱۳۹۶ و در طول ۲۸ سال اعتراضی به موضوع ندارد؟ چرا در دبیرخانه شورای امنیت ملی طرحی را آماده نمی‌کند و به تصویب نمی‌رساند که نیروهای مسلح صرفاً وظیفه ذاتی را دنبال کنند؟ قرارگاه سازندگی چرا برای رؤسای جمهور مافرق می‌کند؟ پزشکشان همان ماه اول به قرارگاه خاتم رفت تا ببیند ظرفیت‌های آن چیست، اما روحانی بعضاً پروژه ساخته‌شده توسط همین قرارگاه را افتتاح می‌کرد و فردایش در تریبون علیه سیاه سخن می‌گفت.

سؤال اساسی این است که دولت - از جمله دولت روحانی - می‌تواند و می‌توانست پروژه‌های سازندگی را به قرارگاه خاتم واگذار کند؟ اگر نمی‌کرد چه می‌شد؟ وقتی روحانی واگذاری را محدود کرد، سیاه چه کرد؟ هیچ!

سند جالب در این باره از معاون اول وی است. جناب زیباکلام با همین ذهنیتی که امروز روحانی دارد، از جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس جمهور می‌پرسد: اقتصاد چقدر دست دولت است؟ دولت می‌تواند به سیاه پروژه ندهد؟ جهانگیری می‌گوید: «همون سیاه را چه کسی بهش کار می‌دهد؟ مگر سیاه می‌تواند و می‌تواند این‌ها را برادر بگوید من می‌خواهم بسازم؟ دولت به او می‌دهد، بله، دولت می‌تواند به سیاه پروژه ندهد، بارها بهش نداده‌ام. خیلی جاها پروژه دست سیاه بوده و از آن پس گرفته‌ام. خیلی جاها پروژه‌ها را بهتر از دیگران اجرا کرده است.»

آیا جهانگیری دروغ می‌گوید یا نیت روحانی اوده است؟ نگارنده نیت را اَلوده می‌داند. برای فهم این مهم دستگیری یکی از اقوام نسبی ایشان با ۲۱ میلیارد رشوه - که خود روش آن را شنود می‌دانست - و دستگیری جیسون رضایان بی‌تأثیر نبود. برای اثبات یا رد ادعاهای بنده این کار را می‌توان انجام داد: محتوای سخنان شهید سلیمانی یا روحانی در جلسه دوم مرداد ۱۳۹۶ که شش فرمانده سیاه‌شاهان بودند، بخش شود تا مردم بدانند چه خبر بوده و انتقادات شهید از وی برای چه بوده است؟

روحانی در مسیر انقلاب زحمت زیادی کشید، باید نگران بود مانند صحابه پیامبر در زمان امیرالمؤمنین نشود. پادمان باشد در سال ۲۷ هجری از آن همه صحابه پیامبر و شاگردان صف اول او که مدال‌های افتخار هم از پیامبر داشتند، جز عمار کسی گرد امیرالمؤمنین نبود. تاریخ معلم انسان هاست.

نایب‌قهرمانی با یاد

۹ همکلاسی شهید

حمله امریکا و رژیم صهیونی

۹ دانش‌آموز شهید از اعضای تیم ریاتیک ایران بودند که به دست رژیم کودک‌کش صهیونی در جنگ ۱۲ روزه شهید شدند

● مهسا فریادی | خبرنگار گروه اجتماعی

در روزهایی که جهان چشم به نوآوری و خلاقیت نسل جوان دوخته، دانش‌آموزان ایرانی با دستنالی کوچک اما قلب‌هایی بزرگ، افتخارآفرینی کردند. تیم دانش‌آموزی ریاتیک ایران در مسابقات جهانی پکن، نه تنها درخشید بلکه با ادای احترام به همکلاسی‌های شهید خود، معنای تازه‌ای به واژه قهرمان بخشید. در رقابتی نفسگیر میان برترین‌های جهان، تیم ایران برای نخستین‌بار موفق شد در لیگ «Prototype Challenge» به مقام دوم تیمی دست یابد. چین در جایگاه نخست ایستاد و لهستان مقام سوم را از آن خود کرد. اما آنچه این موفقیت را متمایز کرد، نه فقط مدال نقره، بلکه اقدام غرورآمیز دانش‌آموزانی بود که با عکس همکلاسی‌های شهیدشان روی سکو رفتند و ارزش‌هایی فراتر از رقابت را یادآوری کردند. همچنین در لیگ

سومو سبک‌وزن و رده سنی ۱۲ تا ۱۷ سال، گروهی از دانش‌آموزان ایرانی در رقابتی بسیار نزدیک، به مقام چهارم جهانی رسیدند. علاوه بر آن، در لیگ «Rugby»، تیم ایران توانست در آخرین روز رقابت‌ها به جمع هشت تیم برتر راه یابد؛ گامی بلند در مسیر تثبیت جایگاه جهانی. در لیگ «Free-style» نیز، یک گروه سمنفره از دانش‌آموزان زیر ۱۲ سال کشورمان، پس از تایلدن و چین، مقام سوم جهان را کسب کردند. گفتنی است، تیم دانش‌آموزی زیر ۱۷ سال از روز ۲۴ مرداد به مدت سه

روز در لیگ‌های امداد گر، مسیریاب، خلاقیت، راگبی، طراحی مهندسی کاربردی و گزارش فنی با نمایندگان ۳۱ کشور جهان به رقابت پرداخت. در این دوره از مسابقات، دانش‌آموزان ایرانی برای رفتن بر سسکوی قهرمانی رقابت سختی با نمایندگان چین، رومانی، کره جنوبی، مالتی، مصر و سوئیس داشتند. این تیم سال گذشته نیز در همین مسابقات به مقام نایب‌قهرمانی جهان رسید. گفتنی است، دانش‌آموزان شهید، سرورین احمدیان، علیرضا نیازمند، فاطمه نیازمند، فاطمه ذاکریان،



هانیه بهمن‌آبادی، فاطمه سادات ارمنکی، سهیل کطلوی، مهرداد خیری و علیسان جباری از اعضای تیم ریاتیک کشوری بودند که قرار بود تعدادی از آنها در مسابقات جهانی نیز شرکت کنند اما در جنایت اخیر رژیم کودک‌کش صهیونیستی به شهادت رسیدند. به گزارش «جوان»، این قهرمانان نخبه، بامداد سه‌شنبه با دستنالی پر از افتخار و دل‌هایی سرشار از امید، به آغوش وطن بازمی‌گردند؛ بازگشتی که نه فقط پایان یک رقابت، بلکه آغاز راهی تازه برای علم، انسانیت و افتخار است.



نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، هفته قبل با وعده آب، ایرانی‌ها را به اعتراض به خیابان فراخواند ولی حالا خود در خیابان‌ها و بزرگراه‌های تل‌آویو و بیت‌المقدس با صحنه گسترده‌ترین اعتراضات و اعتصاب‌ها علیه سیاست‌های جنگی کابینه‌اش روبه‌روست. معترضان که با شعار «روز پایان (جنگ)» به خیابان آمده و خواستار پایان جنگ و آزادی اسیرانی هستند که ۶۸۲ روز است اسیر توه‌مات نتانیاهو برای نابودی حماس هستند

۲ نتانیاهو هرگاه مشکلی داخلی گریبان او را می‌گیرد، که در این سال‌ها و از آغاز تولد این رژیم منحوس فراوان بوده است، برای دیگران رجز می‌خواند | صفحه ۱۵

موتورسواران ۱۷ تا ۲۵ ساله با حداقل تجربه و حداکثر هیجان به استقبال مرگ می‌روند!

● حسن قمیچی | دبیر گروه حوادث

سهرنگ رابعه جوانبخت، رئیس اداره تصادفات پلیسخت در گفت‌وگو با «جوان»: در سه‌ماهه اسفال ۱۰۱ موتورسوار و ۸۱ رهگذر در جریان سوانح‌راندگی فوت شدند که ۴۷ درصد موتورسوار و ۳۷ درصد رهگذر بودند. از ۱۰۱ موتورسوار، ۱۶ نفر تر کشش و ۸۵ نفر را کب بودند. عمده رهگذران در مناطق بزرگراهی از جمله بزرگراه آزادگان و مناطقی مثل منطقه ۱۲ که تمرکز بیشتری را جمعیت را شامل می‌شود، فوت می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ۵۶ درصد تصادف‌های فوتی شهر در ساعت‌های تاریک اتفاق می‌افتد که اهمیت روشنایی را نشان می‌دهد و تبه‌اول را جمعیت جوان ۲۰ تا ۳۰ سال شامل می‌شود. بخش زیادی از این موضوع به فرهنگ راندگی بازمی‌گردد که احتیاط‌های لازم در این باره صورت نمی‌گیرد و کاربران راه را مسیرهای امن عبور نمی‌کنند | صفحه ۹

آموزش برای همه

یا فقط برای پولدارها؟!

● مهسا فریادی | خبرنگار گروه اجتماعی

مدارس دولتی که بیش از نیمی از دانش‌آموزان کشور در آنها تحصیل می‌کنند، با مشکلاتی مواجهند که نمی‌توان از کیفیت بالای آموزش در آنها مطمئن بود: کلاس‌های شلوغ، کمبود امکانات. در سوی دیگر اما مدارس غیردولتی با شهریه‌های نجومی، وعده‌هایی جلوه‌گیری می‌کنند. امسال رشد قیمت این واکنس قابل تأمل بوده و به مرز یک میلیون تومان رسیده است. سهم تولید داخل هم از بازار را واکنس ناچیز و فقط ۲۰۰ هزار دوز واکنس است | صفحه ۳

پادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصاد

دولت گندم‌کاران را به وارداتی‌ها فروخت!

تولید گندم به دلیل ضعف مدیریت دولت و سیاست‌های غلط، با چالشی جدی و نگران‌کننده روبه‌رو است. سال گذشته، با تولید ۱۶ میلیون تن گندم و خرید تضمینی ۱۲ میلیون تن از سوی دولت، کشورمان بازم توانست به طور کامل از واردات گندم بی‌نیاز شود؛ موفقیتی که حاصل تلاش کشاورزان، حمایت‌های دولتی و بهبود زیرساخت‌های کشاورزی بود، اما امسال شرایط به طور چشمگیری تغییر کرده است؛ تولید گندم به ۱۱ میلیون تن سقوط کرده و خرید تضمینی دولت نیز به ۷/۶ میلیون تن کاهش یافته است | صفحه ۴



پیشگیری از آنفلوآنزا

با واکسن یک میلیون تومانی!

● زهرا جینوری | خبرنگار گروه اجتماعی

از اواخر شهریور تا اوایل آبان یعنی در روز فصل شیوع آنفلوآنزا توصیه می‌شود افراد در معرض خطر مانند کودکان، سالمندان، زنان باردار و افراد مبتلا به بیماری‌های خاص واکسن آنفلوآنزا بزنند؛ واکسنی که هر چند ایمنی کامل ایجاد نمی‌کند اما می‌تواند تا حدودی از ابتلا به این بیماری جلوگیری کند. امسال رشد قیمت این واکنس قابل تأمل بوده و به مرز یک میلیون تومان رسیده است. سهم تولید داخل هم از بازار را واکنس ناچیز و فقط ۲۰۰ هزار دوز واکنس است | صفحه ۳

دوشنبه

از حاشیه ماتمن

تقی دژاکام

از حسن نیت و مذاکره تا تحقیر و کودتا

تاریخ درس‌های بزرگی در دل دارد و کسانی که از این درس‌ها عبرت نگیرند، جز احق اسمی براننده آنها نیست. ۷۲ سال پیش، در زمانی که ایران نه حکومت جمهوری اسلامی داشت و نه اسلام در ساختار حکومتی آن نقش آفرین بود و حتی چهار سال قبل از آن محمدرضا شاه، رژیم اسرائیل را به رسمیت هم نداشت، امریکا یکی از بزرگ‌ترین ناروهای تاریخ تا آن زمان را به ایران زد، آن هم در شرایطی که نخست‌وزیر وقت طی پیامی رسمی به ایزنهاور خواستار کمک مالی آن کشور به ایران برای پرداخت غرامت‌های ناشی از ملی شدن نفت شد | صفحه ۲

عاشقانه قدم به حجله شهادت گذاشت

● علیرضا محمدی | دبیر گروه ایثار و مقاومت

شهید سعید قره‌داغی هنگام شهادت تنها شش ماه از عقدش می‌گشت. قرار بود بعد از محرم و صفر از دواج کند که روز دوم تیرماه در بمباران سازمان بسیج به شهادت رسید. در مراسم تشییع و تدفین پیکر او، مادر شهید سخنرانی غرای کرد که مورد توجه رسانه‌ها و مردم قرار گرفت. این مادر داغ‌دیده گفته بود: «ای داماد شش ماهه‌ام که عروست منتظرت بود. کجایی عزیزترینم. بشکند، بشکند دستانی که تو و همکاران و برادران تو را اینچنین برپر کرد...» در گفت‌وگویی که با حامد قره‌داغی برادر شهید داشیم، خاطرات این شهید ۲۶ ساله تجاوز رژیم صهیونیستی و امریکا را مرور کردیم | صفحه ۷

برنز آسیا براننده بسکتبال ایران

● شیوا نوروزی | دبیر نگار گروه ورزشی

بسکتبالیست‌های ایران با شایستگی مدال برنز کاپ آسیا ۲۰۲۵ را به گردن آویختند. براننده سی‌ویکمین دوره رقابت‌های بسکتبال کاپ آسیا در جده بسته شد و تیم ملی کشورمان با ارائه یک بازی برتر مقابل نیوزیلند و کسب پیروزی ۷۹ بر ۷۳ روی سکوی سوم قاره کهن ایستاد | صفحه ۱۳

آگهی مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای جهت خرید آنتی ویروس و ارائه خدمات نگهداری و پشتیبانی (نوبت اول)

شماره آگهی: ۱۹۸۴۲۰۹
تاریخ: ۱۴۴۲ ه. ش
رجوع به صفحه ۳

فرصت دفاع مقتدرانه برای اقتصاد ایران



کارشناس سیلی

اقتصاد ایران در دوره معاصر همواره از ناحیه ضعف قدرت دفاعی، گرفتار تضییقاتی تحمیلی بوده‌است. در این زمینه، در نزدیک‌ترین تاریخ به برهه کنونی، قرار داد تر کمنجای(۱۸۲۸ میلادی) که پس از شکست در جنگ دوم روس‌ها بر ایران تحمیل شد، یک نقطه عطف جدی است که اقتصاد ایران را در یک موقعیت تحمیلی در اقتصاد بین‌الملل قرار داد. درواقع، با تر کمنجای و ضمیمه تجاری آن، ایران به صورت تحمیلی در حاشیه یا پیرامون نظام تقسیم کار جهانی قرار گرفت. به‌دلیل همین نقیصه، مداخلات و فشارهای خارجی همواره از به بار نشستن تلاش‌های دولتمردان و اصلاح‌گران ایرانی برای پیشبرد اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جلوگیری می‌کرد. پیامدهای این موضوع هنوز دامن گیر اقتصاد ایران است. مردم به صورت ملموس در زندگی خود آنها را لمس می‌کنند مانند ضعف تولید، کسری تراز تجاری، تورم و در مجموع، اثر پذیری بالای اقتصاد ایران از فشارهای خارجی.

نکته مهم در این زمینه آن است که اکنون نیز که تقسیم کار دوم جهانی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفته و در حال بروز و ظهور جدی‌تر است، بازیگران نظام بین‌الملل، باز با حمله نظامی و در صورت امکان، شکست و تسلط بر ایران، می‌خواهند ایران را در یک موقعیت تحمیلی قرار دهند، بدین ترتیب که در این نظم نوین، باز ترتیباتی را در اثر جنگ به ایران تحمیل کنند که امکان پویایی و توسعه اقتصادی را برای دهه‌های آینده از ایران سلب کنند، اما برخلاف گذشته ایران اکنون از آستانه ضعف و وابستگی دفاعی عبور کرده و با اتکا به قدرت خود در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، با دفاع مقتدرانه، مانع این تحمیل شد.

بنابراین، پیروزی در جنگ اخیر علاوه بر اهمیت نظامی و سیاسی، ضامنی برای بالندگی اقتصاد ایران در نظم نوین بین‌المللی خواهد بود. ایران با پیروزی در جنگ اخیر ضمن ممانعت از تحمیل ترتیبات ساختاری بر اقتصاد خود همانند دو قرن اخیر، فرصت‌های نوینی را برای همکاری و افق‌گشایی در اقتصاد خود به دست آورده است، بدین ترتیب که در شرایط چرخش محور قدرت در نظام بین‌الملل از غرب به شرق نه تنها قدرت‌های بزرگ همانند دوره قاجار و پهلوی دیگر نمی‌توانند ایران را وجه‌المصلاحه خود قرار دهند، بلکه با قدرت واقتصاد درون‌زایی که ایران از آن بر خوردار است، به عنوان یک قدرت مستقل، قادر به برقراری تعاملات اقتصادی سازنده مبتنی بر مقتضیات، الزامات و نیازهای خود خواهد بود و در این میان، از تهدید هیچ قدرتی هم هراس ندارد. برآیند این وضعیت می‌تواند منجر به جایایی مناسب ایران در نظم نوین بین‌المللی و تقسیم کار نوینی باشد که در ورای این نظم و به عنوان زیربنای آن، در حال تثبیت روزافزون است.

به تعبیر دقیق تر، با قدرت دفاعی درون‌زا و دفاع مقتدرانه‌ای که ایران در جنگ اخیر از خود نشان داد، برخلاف تحولات حدود دو قرن اخیر(قبل از پیروزی انقلاب اسلامی)، دیگر ابزار نظامی به‌عنوان یک شمشیر دامو کلس قادر به تنظیم کنش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست و اقتصاد در ایران نیست، یعنی با تهدید نظامی یا استفاده از ابزار نظامی هیچ قدرتی نمی‌تواند تحولات ایران را در مسیر موردنظر خود کانالیزه کند. ایران امروز به عنوان قدرتی که در دفاع و حفظ موجودیتش وابسته به هیچ قدرتی نیست، فرصت مناسبی برای جلوگیری از تحمیل خسارت و از سویی، شکوفایی اقتصادی در دوره قاجار و فرصت‌هایی که در دوره قاجار و پهلوی، به‌دلیل متدهد و به‌ویژه به‌دلیل ضعف دفاعی، به‌راحتی از ایران سلب می‌شد می‌باشد. باواسطه ضعف دفاعی، خسارت‌هایی ناخواسته بر ایران تحمیل می‌شد مانند کشته‌شدن دانشمندان جنگ اول و دوم جهانی به ایران در شرایطی که دولت‌های وقت ایران در هر دو جنگ اعلام بی‌طرفی کردند، اما در هر دو جنگ، ایران به اشغال متفقین درآمد و علاوه بر قحطی، ناامنی، کاهش سرمایه‌گذاری اقتصادی، کاهش شدید تولید، ضعف و نابودی دولت‌ها در هر دو برهه، بخش اعظم جمعیت کشور در جریان جنگ اول جهانی و متفقین در ایران، از بین رفت. با توجه به آنچه گفته شد، توانایی در دفاع مقتدرانه و مستقل اکنون به عنوان سدی که مانع از مداخله و تسلط بیگانگان بر اقتصاد ایران شده است، فرصت بزرگی را برای ایران فراهم کرده تا با رفع برخی از مهمترین تضییقات گذشته، پنجره‌های نوینی از فرصت‌ها را به روی اقتصاد خود گشاید. بنابرین، ضمن ارج نهادن به این توان و نیروی‌هایی که این قدرت را برای کشور فراهم کردند، در مدیریت اقتصاد کشور، فرصت‌هایی که از این ناحیه خلق شده است، به‌طور ویژه ترغیسته شده و از آنها بهره‌برداری شود. در این زمینه، به‌ویژه باید با خودداری از دوگانه‌سازی میان توانایی‌های دفاعی یا توسعه اقتصادی و حل مشکلات کشور، توجه داشت که اتفاقا هر گونه نادیده‌بردن برای حل مشکلات کشور، لاجرم باید منتهی به توانایی‌های دفاعی باشد.

خبر آخر

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه خبر داد

هلاکت ۶ تروریست در سیستان و بلوچستان

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه جنوب شرق در اطلاعیه‌ای اعلام کرد شش تروریست در درگیری با نیروهای امنیتی در شمال سیستان و بلوچستان به هلاکت رسیدندودو نفر نیز دستگیر شدند.

به گزارش ایرنا، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه جنوب شرق روز گذشته با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد در ادامه اجرای آزمایشی مقتدرانه سپاه در جنوب شرق، خانه‌های امن تروریست‌ها در شمال و جنوب سیستان و بلوچستان متلاشی شدو شش تروریست به هلاکت رسیدند.

در این اطلاعیه آمده است: رزمندگان قرارگاه قدس با مشارکت سایر دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی (سربازان گمنام امام زمان عجل الله) موفق به شناسایی و متلاشی کردن دو خانه امن تروریست‌ها در شمال و جنوب استان شدند. در این سلسله عملیات‌های جداگانه در استان شش تروریست آموزش دیده که قصد انجام عملیات‌های خرابکارانه و تروریستی را داشتند به هلاکت رسیده و تعدادی از آنها نیز دستگیر شدند. این اطلاعیه می‌افزاید: در این عملیات‌ها و در پاکسازی خانه امن تروریست‌ها در چابهار، ۲۵ کیلوگرم مواد منفجره، بمب‌های آماده انفجار، ریموت، قهقهه انفجاری، بی‌سیم، و دیگر تجهیزات نظامی و عملیاتی نیز کشف و ضبط شده است. در این اطلاعیه آمده است: همچنین در عملیات دیگری در شمال سیستان و بلوچستان، یک خانه امن تروریست‌ها شناسایی شد و مورد ضربه قرار گرفت که در این عملیات نیز شش تروریست آموزش دیده مسلح به هلاکت رسیده و تعدادی تروریست دستگیر شدند.

در بخش پایانی این اطلاعیه ضمن تشکر از مردم فهیم و بصیر سیستان و بلوچستان ذکر شده‌است: تقاضا می‌شود شهروندان هر گونه اخبار و موارد مشکوک را از طریق سامانه‌های تلفنی ۱۰۴، ۱۰۱۲، ۱۱۰ و بازوهای فعال شده ستاد خبری سازمان اطلاعات سپاه در پیام رسان‌های ایرانی اطلاع رسانی کنند.

جوان دولت

جلسه هماهنگی و بررسی ایجاد مختلف و تبیین دستور کار سفر رسمی رئیس جمهوری اسلامی ایران به دو کشور ارمنستان و بلاروس، روز گذشته با حضور مسعود یزشکیان و وزرا و مدیران عالی رتبه دستگاه‌های اجرایی زیربسط بر گزار شد. در این جلسه، ابعاد مختلف و سطوح گوناگون روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های ارمنستان و بلاروس مورد بحث و بررسی همه‌جانبه قرار گرفت. ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل در حوزه‌های کلیدی از جمله انرژی، حمل و نقل، تجارت، سرمایه‌گذاری، بهداشت و درمان، محیط زیست، علوم، فرهنگ و

گزارش

هم‌صدایی دولت و مجلس در حمایت از نیروهای مسلح پس از نبرد ۱۲ روزه

رای به امنیت پایدار با تقویت بنیه دفاعی



طرح دوفوریتی مجلس شورای اسلامی برای تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح ۲۵ خرداد و تنها دو روز پس از چنانیکارانه رژیم صهیونیستی با حمایت امریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران رقم خورد و در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به تصویب رسید، طی روزهای آینده برای تصویب نهایی به صحن علنی مجلس خواهد آمد.

پس از حمله بامداد ۲۳ خرداد رژیم صهیونیستی که به شهادت جمعی از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، دانشمندان هسته‌ای و مردم بی‌گناه کشور انجامید و شرارت‌های پس از آن که با پاسخ کوبنده نیروهای مسلح ادامه داشت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت تا در راستای حمایت از حافظان کبان کشور، پشتیبانی از نیروهای مسلح را تقویت کنند.طرحی که بر اساس اعلام نمایندگان مجلس، در همسویی و همراهی کامل دولت با مجلس همراه بود. پیشتر و در آبان ۱۴۰۲، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در نشست خبری با خبرنگاران، در پاسخ به سؤالی در خصوص برنامه دولت برای تقویت بنیه دفاعی کشور گفته بود «در ظرف بودجه باید به موضوعات متعدد و مختلفی پرداخته شود و مورد توجه قرار بگیرد. بخش‌های مختلف در بودجه سال ۱۴۰۴ دیده شده و مادر بودجه سال آینده (۱۴۰۴) افزایش ۲۰۰ درصدی بنیه دفاعی را در نظر گرفتیم».

پشتیبانی همه جانبه دولت و مجلس از نیروهای مسلح
ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، اما ۲۵ خرداد در توضیح نشست کمیسیون به خبرنگاران گفت: «بررسی حوادث اخیر و جنایات صهیونیست‌ها و پاسخ جمهوری اسلامی ایران در نشست مورد بحث و بررسی قرار گرفت و فاطمه اعضای کمیسیون از پاسخ قاطعانه و محکم نیروهای مسلح ارتش و سپاه به رژیم صهیونیستی قدرانی و تشکر کردند. در جلسه جزئیات مباحثات و بخشی از پیروزی‌های ارزشمند و قاطع نیروهای

خبر

اسرائیلی‌ها بیشترین امکان پدافندی را داشتند، اما باران موشک‌های ایران در نیمه جنگ، کاملاً آنها را مستأصل کرد
به‌دود.

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در گفت‌وگویی با بیان این مطلب گفت: در مسائل امنیت‌ملی دو خط دیدگاه مهم دنبال می‌شود؛ یک نظر به این است که تروریست‌ها امروز با صراحت می‌گویند که ما صلح را از راه قدرت می‌خواهیم. این یعنی یا باید تسلیم شویم یا باید بجنگیم و نتیجه این فکر به هم ریختن منطقه است. نمونه عملی آن را هم در سوریه می‌بینیم. نظر به مردم این است که می‌خواهیم به امنیت پایدار با مشارکت کشورها برسیم که در آن کشورها هم قدرتمند باشند و این

تسریع اجرای توافقات، محور سفر به ارمنستان و بلاروس

گردشگری به تفصیل تشریح شد و ضمن شناسایی فرصت‌ها، چالش‌ها و موانع پیش روی توسعه همکاری‌های فی‌مابین، راهکارهای مناسب برای رفع آنها نیز با دقت و توجهی ویژه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. یکی از موضوعات مهم و حساس مطرح شده در این نشست، توافق اخیر میان جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان درباره ایجاد راه‌گذر مواصلاتی بود که به دقت مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، ابعاد واقعی این توافق که برخلاف برخی انعکاس‌های رسانه‌ای است، تشریح و تبیین شد. همچنین تعاملات مقامات ارمنستان با مسئولان

عالي رتبه جمهوری اسلامی ایران در راستای تضمین رعایت ملاحظات و منافع ملی کشورمان در این زمینه، به عنوان نمونه‌ای از دیپلماسی فعال و سازنده کشورمان مورد اشاره قرار گرفت. علاوه بر این، اسناد همکاری و تفاهم‌نامه‌های مشترک در حوزه‌های مختلف میان ایران با ارمنستان و بلاروس که در آستانه امضا قرار دارند، به دقت مورد واکاوی قرار گرفت تا زمینه عملیاتی شدن سریع‌تر آنها فراهم‌آید.

رئیس جمهور در این جلسه، با دقت نظر و توجه ویژه به مسائل مطروحه، خصوصاً در حوزه تعاملات تجاری و اقتصادی، بر اهتمام وارده جدی جمهوری

شورای اسلامی نیز طرحی با عنوان «تقویت بنیه نیروهای مسلح» تدوین کرده‌است. «عزیزی ادامه داد: «این طرح اخیر در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با حضور مسئولانی از ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و همچنین دستگاه‌های ذی‌ربط بررسی و تصویب شده و به زودی به هیئت رئیسه مجلس ارجاع می‌شود تا مراحل بررسی و تصویب آن در صحن علنی طی شود.»

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: «نمایندگان مجلس شورای اسلامی همواره حامی و پشتیبان نیروهای مسلح بوده‌اند و در این مرحله نیز حمایت کامل از نیازهای دفاعی کشور به عنوان یک ضرورت ملی در دستور کار قرار دارد.» نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی گفت: «تأکید مجلس و دولت آن است که از تمام ظرفیت‌های موجود برای کمک، پشتیبانی، حمایت و تقویت بنیه دفاعی و نیروهای مسلح کشور بهره‌برداری شود، چراکه امنیت و اقتدار ملی وابسته به توان دفاعی پایدار است.»

نبرد ۱۲ روزه

تنها بخشی از توان نظامی ایران بود

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس همچنین طی سخنانی در جمع کارکنان وزارت دفاع در شیراز گفت: «رژیم صهیونیستی بلندت‌نبرد ۱۲ روزه تنها بخشی از توان نظامی ایران بود و روزهای سختی در انتظارش است.» عزیزی اشاره به ابعاد نبرد ۱۲ روزه با رژیم صهیونی گفت: «تورودانشمندان هسته‌ای نشانه بی‌ابرویی و بی‌شرافی رژیم صهیونیستی است؛ این رژیم بداند روزهای سختی در انتظارش است و نبرد ۱۲ روزه تنها بخشی از توان نظامی ایران بود. نشانه بی‌ابرویی و بی‌شرافی این رژیم همین بس که برنامه بوده‌جه و وزارت نفت مکلف می‌شوند که ۱۰۰ درصد بودجه دفاعی سال ۱۴۰۴ مربوط به تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح و همچنین یاقیامنده بودجه تأمین نشده سال ۱۴۰۳ مربوط به طرح‌های ویژه دفاعی را پرداخت کنند.» وی اضافه کرد: «همچنین سازمان برنامه و بودجه مکلف به پرداخت ۱۰۰ درصد سهم سالانه مصوبات شورای عالی امنیت ملی مربوط به تقویت بنیه دفاعی می‌شود. بانک مرکزی نیز مکلف می‌شود از محل آزادسازی منابع مسدود شده و منابع تسهیلاتی را جهت اعطای طرح‌های اضطراری دفاعی در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح قرار دهد.»

«تقویت بنیه دفاعی» بزودی در صحن مجلس
روز گذشته امارئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس بار دیگر تأکید کرد: «مجلس و دولت با جدیت در مسیر پشتیبانی همه‌جانبه از نیروهای مسلح گام برمی‌دارند و طرح تقویت بنیه نیروهای مسلح بزودی در صحن مجلس بررسی خواهد شد.» ابراهیم عزیزی در گفت‌وگو با مهر، با تأکید بر اهمیت تقویت بنیه دفاعی کشور، اظهار کرد: «تقویت توان دفاعی نیروهای مسلح یکی از موضوعات بسیار حیاتی و راهبردی در شرایط کنونی است و بدون تردید، دولت و مجلس باید با اقدامات قوی جهت تحقق این هدف در حال حرکت هستند.»
وی با اشاره به اقدامات انجام شده از نسوی دولت در این حوزه، افزود: «دولت یکسری اقدامات را برای ارتقای توان و تضمین کننده امنیت پایدار برای ملت ایران است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی:

موشک‌های ایران اسر ائیل را مستأصل کرد

نحوه مقابله نیروهای مسلح ایران با دشمن که تصور می‌کردند آنها بیشترین امکان پدافندی را داشتند، جای به هم ریختن منطقه دنبال یات هشتم، مثال این نظریه هم توفیق امنیتی است که در سفر با عراق امضا کردیم. در این توافق سعی داریم با هم فضای ثبات امنیتی را ایجاد کنیم. دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: از اتفاقات حوادث اخیر این بود که دشمن تصور می‌کرد کشورهای اسلامی به خاطر برخی اختلافات یا محافله کاری که دارند به سمت ایران نمی‌روند و ایران منزوی می‌شود، اما کشورهای اسلامی هم دولت‌ها و هم ملت‌هایشان پشت ایران آمدند، البته اروپایی‌ها سمت امریکا و اسرائیل رفتند. یا درباره



از حسن نیت و مذاکره تا تحقیر و کودتا

تاریخ درس‌های بزرگی در دل دارد و کسانی که از این درس‌ها عبرت

نگیرند، جز احقق اسمی برارنده آنها نیست. ۷۲ سال پیش، در زمانی که ایران نه حکومت جمهوری اسلامی داشت و نه اسلام در ساختار حکومتی آن نقش آفرین بود و حتی چهار سال قبل از آن محمدرضا شاه، رژیم اسرائیل را به رسمیت هم شناخته بود، امریکا یکی از بزرگ‌ترین ناروهای تاریخ تا آن زمان را به ایران زد، آن هم در شرایطی که نخست‌وزیر وقت دکتر محمد مصدق طی پیامی رسمی به این‌ناپوار رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در ۷ خرداد ۱۳۳۲، خواستار کمک مالی آن کشور به ایران برای پرداخت غرامت‌های ناشی از ملی‌شدن نفت شد. مصدق حتی به نوعی به این‌ناپوار فهماند که اگر من سقوط کنم، کشور به دامن کمونیست‌ها خواهد افتاد. این‌ناپوار هم در جواب تلویحاً نوشت که بروید با انگلستان بر سر نفت توافق و او را شریک کنید و مشکلات اقتصادی خود را به همین ترتیب حل کنید!

نتیجه چه شد؟ کار به همین جا ختم شد؟ خیر! رئیس‌جمهور امریکا به‌جای اینکه از خطر کمونیسم و افتادن کشور به دست حزب توده بترسد، تصمیم گرفت با انگلیس بسازد و بنیاد دولت ملی مصدق را براندازد.

البته این اولین نامه مصدق به رئیس‌جمهور امریکا نبود، او بارها چنین نامه‌هایی به سران امریکا نوشته بود؛ نامه‌هایی که روزنامه‌های آن زمان آن را حقارت‌بار توصیف کرده بودند. دو سال قبل هنگامی که آقای نخست‌وزیر برای پاسخگویی به شکایت انگلیس به شورای امنیت سازمان ملل متحد به نیویورک سفر کرد، در سیاق‌ت نامار رئیس‌جمهور امریکا اظهار داشت: «ما سیصد، چهارصد میلیون تومان کسر بودجه داریم؛ شما چگونه انتظار دارید ملتی با این کسر بودجه بتواند امنیت و نظامات را در کشور خود حفظ کند؟» ترومن به درخواست مصدق بی‌اعتنایی کرد. مصدق در طول مدت اقامت در امریکا، چندین بار دیگر درخواست کمک خود را مطرح کرد و هر بار با بی‌توجهی کامل مقامات امریکا مواجه شد.

مصدق از این همه تحقیر به خود نیامد و در اقدامی خفت‌بار پیش از ترک امریکا در نامه‌ای به ترومن، در خواست وام را تکرار کرد و نوشت: «مقصود گرفتن هدیه و کمک بلاعوض نیست و هر کار گشایی‌ای که بفرمایید، از اولین برداشت عایدات نفت ما استرداد خواهد شد.»

مصدق هنگام تسلیم این نامه به هندرسون، سفير ایالات متحده گفته بود: «اگر امریکا مایل باشد، ایران آماده و علاقه‌مند است در ازای کمک امریکا، تمام نفتی را که در حال حاضر موجود دارد، ۵۰ درصد تخفیف به امریکا بفروشد.» اما امریکایی‌ها در پاسخ به درخواست مصدق، آنجا هم او را به غارت منابع کشورمان توسط انگلیس ارجاع دادند!

مصدق نه حزب‌اللهی بود نه انقلابی، نه وابسته به حزب توده و بلوک شرق و شوروی، نه طرفدار حکومت اسلامی. از همه این نامه‌ها و درخواست‌های بعضاً ذلیلانه هم به دست می‌آید که او نه تنها ضدمریکایی نبوده بلکه امریکا را در چهره یک منجی ایران، بخصوص در آن شرایط سیاسی اقتصادی سخت می‌دیده است. اما امریکا با او و با درخواست‌های او چه کرد؟

این اتفاق یک بار دیگر در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی هم افتاد با نتایج به‌مراتب تحقیر آمیزتر. آن‌زمان نیز کشور با کسر بودجه و تورم بی‌سابقه و بدهی‌های خارجی فراوان مواجه بود. هاشمی برای طرح‌های توسعه‌ای خود به ۱۲۹ میلیارد دلار نیاز داشت که فقط ۵ میلیارد دلار آن در خزانه کشور موجود بود. اما او با یک پیشنهاد وسوسه‌کننده از نسوی امریکا مواجه شد: آزادی پول‌های بلوکه‌شده در امریکا و آزادی گروگان‌های ایرانی در اسرائیل در قبال تلاش واسطه‌گری ایران برای آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان. هاشمی این پیشنهاد را بی‌اندنامی پذیرفت و پس از آزادی اولین گروگان منتظر عمل به وعده امریکا ماند، اما امریکا اعلام کرد: عمل به وعده پس از آزادی هر هفت گروگان امریکایی‌ها هاشمی باز هم پذیرفت و با تلاش‌های او هر هفت گروگان امریکایی آزاد شدند اما امریکا که درخواست جدید و اعلام‌نشده روی میز گذاشت: انتقال جسد یک سرباز امریکایی از لبنان به امریکا. هاشمی این خواسته را هم پذیرفت و با تلاش‌های او جسد این سرباز به امریکا منتقل شد. حالا دیگر ایران به همه تعهدات نوشته و نا نوشته خود عمل کرده و زمان عمل به وعده امریکا بود. نماینده سازمان ملل که واسطه امریکا و ایران بود به ایران آمد و یک‌راست به ریاست جمهوری رفت. هاشمی با اشتیاق وارد اتاق ملاقات شد اما جانی تاپیکو به ر رئیس‌جمهور ایران گفت: «کاخ سفید می‌گوید نمی‌تواند هیچ کاری برای ایران انجام دهد!»

حالا در این معامله امریکا به همه اهداف خود رسیده و هیچ کاری نکرده و ایران به همه تعهداتش عمل کرده و هیچ چیز گیش نیامده است. این در حالی است که سخنگوی کاخ سفید در آغاز این معامله شیرین خطاب به ایران گفته بود: «حسن نیت، حسن نیت می‌آورده!» واقعتاً این بود که ایران حسن نیتی ندید و بار دیگر بدشت از سوی امریکا تحقیر شد. در طول حسن روحانی هم او که صریحاً اعلام کرده بود امریکا «کدخدای جهان است و اگر با او ببندیم، همه را با خود همراه کرده‌ایم، در ماجرای برجام بار دیگر کشورمان از این سوراخ گزیده شد، آن هم در حالی که روحانی به تمام تعهدات اعلامی طرف ایرانی عمل کرد و حتی دولت او برای خود شیرینی تعهدات بیشتری را هم دلبالطانه انجام داد، اما او به اعتراف صریح رئیس در مرکز در آن دوره، دست‌انورد در جام برای کشورمان «تقریباً هیچ» بود و دولت امریکا یک پایاسی هم کف دست رئیس‌جمهور ایران نگذاشت و پس از آنکه به همه اهداف خود رسید، در برجام خراج شد.

تاریخ امریکا و حداقل این هفت دهه اخیر روابط ایران و امریکا پر است از این درخواست‌ها، وعده‌ها، مذاکرات، تحقیرها و حتی شدت‌ترین حمله‌ها با بمب‌افکن‌های امثال بی‌۲ درست در وسط مذاکرات و دیپلماسی و گفت‌وگوهای مثلا مسالمت‌آمیز.

برگردیم به همان حرف اول: تاریخ درس‌های بزرگی در دل دارد و کسانی که از این درس‌ها عبرت نگیرند، جز احقق اسمی برارنده آنها نیست.

خبر کوتاه

■ **نستیم:** محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی به رئیس مجلس ملی جمهوری اسلامی پاکستان نسبت به جان باختن و آسیب دیدن شماری از مردم این کشور در پی وقوع سیل ویرانگر اظهار همدردی کرد.

■ **ایران:** آرا شور در بیان نماینده ارمنه تهران و شمال ایران در مجلس شورای اسلامی و رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و ارمنستان با بیان اینکه مرز ارمنستان برای ما تاریخی و مهم است و این ارتباط با ارمنستان هیچ گاه نباید قطع شود، اظهار داشت: با هر گونه تغییرات ژئوپولیتیکی و مرزها در منطقه مخالفیم.

■ **فارس:** بیانیه اخیر چهبره اصلاحات هم راستا با اهداف اسرائیل و امریکا است. بازگشت به مردم هم از نظر آنان، یعنی بازگشت افرادی که به دلیل عبور از نظام دینی، جای در ساختار قدرت برایشان متصور نیست. در طول حدود ۲۷ سالی این گفت‌ند که ایران اصلاحات در عرصه سیاسی کشور حضور دارد، مشخصه اصلی این جریان، مخالفت با سیاست‌های کلی نظام بوده است.

وقتی پای انتخاب مدرسه در میان باشد، این فقط یک انتخاب معمولی نیست؛ این انتخاب مثل انتخاب سرنوشت یک زندگی است. چشمان کودک پیر از انتظار و کنجکاوی است، هر پدر و مادری دلش می‌خواهد بهترین مسیر را برای او بسازد؛ مسیری که نه فقط به دانش بلکه به انسانی شدن، مسئولیت پذیری و احساس تعلق به جامعه ختم شود، اما حقیقت تلخ این است که این حق ساده و بدیهی، گاهی به میدانی نا عادلانه تبدیل می‌شود؛ جنگی میان امکانات و محدودیت و میان تبعیض و عدالت! ■ ■ ■

موضوع کیفیت آموزش را نمی‌توان فقط با اعداد و نمره‌ها سنجید، چراکه این مسئله مهم یعنی اینکه دانش آموز به جای فقط حفظ کردن مطالب و موفقیت در آزمون‌های متعدد، یاد بگیرد چگونه فکر کند، چگونه زندگی بهتری داشته باشد و چگونه در جامعه‌ای که پر از چالش‌های سخت است، حل مسئله کند.

در این میان اما مدارس دولتی که بیش از نیمی از دانش‌آموزان کشور در آنها تحصیل می‌کنند، با مشکلاتی مواجهند که نمی‌توان از کیفیت بالای آموزش در آنها مطمئن بوده‌کلاس‌های شلوغ، کمبود امکانات، معلمانی که با همه عشق و علاقه‌ای که به کارشان دارند، گاه کم می‌آورند و از کم و کاستی‌های موجود رنج می‌کشند.

در سوی دیگر اما مدارس غیردولتی یا شهریه‌های نجومی، وعده‌هایی می‌دهند که گویی کیفیت را فقط می‌توان با پول خرید، اما گاهی همین مدارس پولی هم از کیفیت بالای آموزش برخوردار نیستند!

دغدغه تابستانه والدین

هر تابستان (و حتی قبل‌تر از آن، یعنی فصل بهار)، خانواده‌های زیادی در تب و تاب انتخاب مدرسه‌ای مناسب برای فرزندشان می‌افتند. برخی دنبال مدارس دولتی مناسب می‌گردند و برخی قید مدارس دولتی را می‌زنند و درباره مدارس غیردولتی تحقیق می‌کنند. آنها در این مسیر با شهریه‌های گران‌قیمت و سرسام‌آور نیز مواجه می‌شوند و بارها و بارها خود می‌پرسند آیا این شهریه‌های سنگین واقعا به معنی کیفیت بالای آموزشی است؟ آیا هزینه‌های چنددهه‌موسمی، ارزش افزوده‌ای در مسیر رشد فرزندشان دارد؟

در این میان، خانواده‌هایی که توان مالی بالایی ندارند و چاره‌ای جز فرستادن فرزند خود به مدرسه دولتی نمی‌بینند، دل‌نگان‌تر از همه می‌شوند. آنها مدام با

گزارش ۲ زهراچندری

چیزی حدود یک‌میلیون تومان مبلغی است که امسال برای تزریق واکسن آنفلوآنزا باید هزینه کنید. شاید همه ما در طول عمرمان ابتلا به بیماری آنفلوآنزا را تجربه کرده باشیم؛ بیماری‌ای شبیه سرماخوردگی اما با عوارضی اغلب شدیدتر که می‌تواند برای برخی گروه‌های حساس عوارض شدیدی را موجب شود و حتی آنها را به کام مرگ بکشد، به همین خاطر هم از اواخر شهر یور ماه تا اوایل آبان ماه یعنی در اوج فصل شیوع آنفلوآنزا توصیه می‌شود افراد در معرض خطر مانند کودکان، سالمندان، زنان باردار و افراد مبتلا به بیماری‌های خاص واکسن آنفلوآنزا بزنند؛ واکسنی که هر چند اینصه کاملاً ایجاد نمی‌کند اما می‌تواند تا حدودی از ابتلا به این بیماری جلوگیری کند، البته اثرگذاری این واکسن هم با شرط و شروطی همراه است. امسال رشد قیمت این واکسن قابل تأمل بوده و به مرز یک‌میلیون تومان رسیده است. سهم تولید داخل هم از بازار این واکسن ناچیز و فقط ۲۰۰هزار دوز واکسن است. با وجود این طبق اعلام سازمان غذا و دارو امسال ۳میلیون و ۵۰۰هزار دوز واکسن چهار ظرفیتی آنفلوآنزا وارد کشور شده که حدود یک‌میلیون دوز به بخش بهداشت و گروه‌های هدف رایگان اختصاص یافته است و باقی‌بسیاری از داروهای دیگر مشمول رشد قیمت قابل توجه ۲/۵برابر شده است!

آنفلوآنزای فصلی بیماری ویروسی و بسیار مسری است که هر ساله در فصل پاییز یا اوایل زمستان افراد را مبتلا می‌کند و به بروز علائمی مثل تب، سرفه، درد عضلات، سردرد، احساس ضعف و خستگی منجر می‌شود. این ویروس از طریق هوا منتشر می‌شود و از راه تنفسی و سطوح آلوده و ویروس خیلی زود اطرافیان را درگیر می‌کند و در افرادی که سیستم ایمنی ضعیفی دارند مانند کودکان و افراد مسن و مبتلایان به بیماری‌های مزمن می‌تواند به عوارض شدید منجر شود و حتی تهدیدی برای زندگی فرد باشد. واکسن آنفلوآنزای فصلی واکسنی است که برای محافظت در برابر این بیماری طراحی شده است و اثرات محافظتی آن از دو هفته بعد از زمان تزریق شروع می‌شود. تزریق این دارو هر ساله در پاییز یا اوایل زمستان به افرادی که در معرض خطر ابتلا به بیماری جدی ناشی از آنفلوآنزا هستند توصیه می‌شود اما نه برای همه افراد.

جامعه

سرویس اجتماعی ۸۵۲۳۰۶۰

گزارش «جوان» از معمای تابستانه برای انتخاب مدرسه دولتی یا غیردولتی

آموزش برای همه یا فقط برای پولدارها؟!



بیینند.»

یکی دیگر از مصادران با چهره‌ای مضطرب در این رابطه می‌گوید: «من دلم می‌خواهد بچهام در مدرسه غیردولتی و کلاس‌های خلوت درس بخواند، اما هزینه‌های سرسام‌آور مدارس خصوصی، من را از ادامه

این مسیر منصرف کرده، در عین حال، ترس از عقب ماندن او در زندگی و از هم‌سن و سالانش همیشه با من است.»

این صحبت‌ها در مکان‌های دیگر نیز بارها و بارها تکرار شده و همه‌شان تصویر واقعی از نگرانی و دغدغه‌ای را نشان می‌دهد که میلیون‌ها خانواده ایرانی هر ساله تجربه‌اش می‌کنند؛ دغدغه‌ای که گاه به سر درگمی با ناامیدی می‌انجامد.

دوگانگی میان انتخاب مدارس دولتی و خصوصی، یک داستان عمیق از بی‌عدالتی‌ای است که جامعه را از درون می‌پوساند. پرواض است که وقتی امکانات و فرصت‌ها براساس توان مالی خانواده‌ها تقسیم شود، آن وقت جامعه‌ای که باید متشکل از افراد برابر و مسئول باشد، به جامعه‌ای با طبقات و فاصله‌های عمیق تبدیل

می‌شود، بنابراین این فاصله‌ها، نه تنها شکاف آموزشی، بلکه شکاف‌هایی هستند که به سستی و ازهم‌گسستگی اجتماعی دامن می‌زنند.

■ **رشد بی‌رویه مدارس پولی، رشد نابرابری‌های عمیق‌تر**

مرضیه گرومنی، مدرس دانشگاه که تجربه سال‌ها تدریس و مدیریت مدرسه را دارد، از پنج عامل اساسی می‌گوید که تفاوت آموزش در مدارس را رقم می‌زنند؛ تجهیزات پیشرفته، برنامه‌های تخصصی متنوع، معلمان با تجربه، فرصت‌های واقعی برای کارآموزی و محیط یادگیری مثبت و انگیزشی.

این عوامل وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، نه فقط نمره، بلکه توانایی‌های واقعی زندگی را به دانش‌آموزان هدیه می‌کنند، اما او هم با امید به تلاش فردی دانش‌آموزان در مدارس دولتی اشاره می‌کند؛ تلاش‌هایی که گاه معجزه می‌کنند: «تفاوت در منابع و امکانات، تأثیر زیادی بر توانایی دانش‌آموزان در کسب مهارت‌های تخصصی دارد اما انگیزه و تلاش شخصی نیز نقش مهمی در این فرایند ایفا می‌کند. بسیاری از

جوان

روزنامه جوان | شماره ۲۳۸۰

دانش‌آموزان در مدارس دولتی نیز با تلاش و پشتکار فردی قادرند مهارت‌های تخصصی خود را توسعه دهند.»

علاوه بر آن، محمدرضا نیک‌نژاد با صدایی که شاید تلخی سال‌ها تجربه را در خود دارد، می‌گوید: «کیفیت آموزش را نباید فقط در معدل و رتبه کنکور جست‌وجو کرد، کیفیت یعنی پرورش انسان‌هایی که آماده زندگی اجتماعی هستند، نه فقط ماشین‌هایی برای آزمون دادن.»

اواز ناکامی هر دو نظام آموزشی در رسیدن به این آرمان می‌گوید و هشدار می‌دهد که رشد بی‌رویه مدارس پولی به معنای رشد نابرابری‌های عمیق‌تر است؛ نابرابری‌ای که خشم و ناامیدی اقشار ضعیف را به دنبال دارد و می‌تواند آینده جامعه را به خطر بیندازد.

همچنین رضا علیخانی، معلمی که سال‌ها در هر دو نوع مدرسه کار کرده است، با صداقت و دلوایی در رابطه با واقعیت مدارس غیردولتی می‌گوید: «مدارس خصوصی گاهی فقط پوسته‌ای زیبا هستند. بسیاری از آنها فاقد کادر آموزشی مجرب و امکانات واقعی‌اند.» او می‌گوید والدین اغلب برای فرار از مشکلات اجتماعی و شلوغی مدارس دولتی، فرزندانشان را به این مدارس می‌فرستند، غافل از اینکه کیفیت آموزشی چندان تفاوتی نکرده است. این انتخاب از دل‌نگرانی و ترس است، نه از آگاهی واقعی.

■ **آینده کشور در گرو حمایت از مدارس دولتی**

کیفیت آموزش، حق هر کودک و نوجوان در کشور است؛ حقی که نباید به دلیل مشکلات مالی یا نابرابری‌های ساختاری از دست برود. مدارس دولتی با همه محدودیت‌های‌شان، هنوز سنگر اصلی آموزش و پرورش میلیون‌ها کودک و نوجوان هستند؛ سنگری که نیازمند حمایت، سرمایه‌گذاری و توجهی عمیق‌تر است.

بی‌تردید اگر به دنبال جامعه‌ای سالم، عادل و پویا هستیم، باید برابری در آموزش را جدی بگیریم. باید بپذیریم که عدالت آموزشی، پایه و اساس عدالت اجتماعی است.

حال زمان آن رسیده‌است صدای معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌هایی که در این مسیر تلاش می‌کنند، شنیده شود و به جای گسترش بی‌رویه مدارس پولی، سرمایه‌گذاری در مدارس دولتی را اولویت اول کشور قرار دهیم چراکه آینده ایران، در گرو نوری است که از دل همان مدرسه‌های دولتی، حتی در سخت‌ترین شرایط برمی‌خیزد؛ نوری که اگر مراقبش نباشیم، خاموش خواهد شد و با خود هزاران رؤیا را به تاریکی خواهد برد.

چهارگوشه

بیماران سرطانی و زنان باردار در اولویت دریافت واکسن قرار دارند.

معاون برنامه‌ریزی اداره کل داروی سازمان غذا و دارو تأکید می‌کند: «از ۳میلیون و ۵۰۰هزار دوز وارداتی، حدود یک‌میلیون دوز به بخش بهداشت و گروه‌های هدف رایگان اختصاص یافته‌است و باقی‌بسیاری عرضه در داروخانه‌ها توزیع خواهد شد تا دسترسی عمومی به واکسن فراهم شود.»

اما اگر شما هم بنا به توصیه پزشک‌تان یا به هر دلیل دیگری می‌خواهید واکسن آنفلوآنزا بزنید و نمی‌دانید چگونه و از کجا باید این واکسن را تهیه کنید، به گفته دکتر فاطمی می‌توانید برای دسترسی به نزدیک‌ترین داروخانه عرضه‌کننده واکسن، از سامانه

تی‌تک به نشانی mobile.ttac.ir یا اپلیکیشن تی‌تک استفاده کنید.

فاصله ناچیز قیمت واکسن داخلی و خارجی در سال گذشته از رانت‌هایی حکایت دارد که موجب شده است واردات واکسن با ارز گران نسبت به تولید آن بیشتر یابازد!

■ **فقط گروه‌های حساس**

آیا همه باید واکسن آنفلوآنزا بزنند؟ این سؤالی است که احتمالاً ذهن بسیاری را ما را خود درگیر می‌کند و می‌خواهیم بدانیم برای مواجهه با موج بیماری‌های فصلی واکسن آنفلوآنزا باید چه کار کنیم.

طبق توضیحات دکتر فاطمی پاسخ به این سؤال منفی است و در عمل نیازی نیست همه افراد جامعه واکسن آنفلوآنزا بزنند.

به گفته وی افراد بالای ۶۵سال، کودکان شش‌ماهه تا پنج سال، کادر بهداشت و درمان، بیماران مبتلا به بیماری‌های زمینه‌ای، افراد با نقص سیستم ایمنی،



انجام می‌شود تا هم‌زمان با آغاز فصل تزریق، واکسن‌ها در دسترس گروه‌های هدف قرار گیرند.

وی درباره تعداد واکسن وارداتی و سهمیه‌های توزیع آن می‌افزاید: «امسال ۳میلیون و ۵۰۰هزار دوز واکسن وارد کشور شده که از این مقدار، یک‌میلیون دوز برای تزریق رایگان به گروه‌های هدف از جمله مادران باردار در معاونت بهداشت اختصاص یافته است.»

در حالی که خبرها حاکی از سهم تنها ۲۰۰هزار دوزی واکسن آنفلوآنزای داخلی در تأمین سبد نیاز به این واکسن است، فاطمی در خصوص سهم واکسن‌های داخلی از تأمین بازار واکسن آنفلوآنزای مورد نیاز اینگونه می‌گوید: «اطلاعات دقیقی درباره سهم تولید داخل ارائه نشده، اما تمرکز بر واردات با ارز نرخ بالاتر برای رفع کمبود و جلوگیری از رانت بوده است.»

وی تصریح می‌کند: «واکسن‌های وارداتی از کشورهای مختلف تأمین شده است و سازمان غذا و دارو سیاست توزیع عادلانه و دسترسی واقعی به داروهای ضروری را در دستور کار دارد.»

با وجود این علی جعفریان، مشاور عالی و جانشین وزیر بهداشت و درمان در اظهارات اخیر خود با بیان اینکه تولید واکسن داخلی آنفلوآنزا یک نکته مهم و ضروری است، گفته است: «مهم آن است که تولید واکسن آنفلوآنزا را به نتیجه برسانیم اما در این زمینه هنوز به جایگاهی که باید دست یابیم، نرسیده‌ایم. من بر این باور هستم که راهکار و راهحل اساسی برای حل مشکلات و چالش‌های واکسن آنفلوآنزا این است که تولید واکسن را در سال معمولاً در اواخر مرداد و اوایل شهریور

گزینه



درخشش تیم‌های دانشجویی و دانش‌آموزی ایران در فیرا ۲۰۲۵

نمایندگان کشورمان در سی‌امین دوره مسابقات جهانی رباتیک و هوش مصنوعی فیرا ۲۰۲۵ کره‌جنوبی موفق به کسب پنج‌عنوان قهرمانی، چهارعنوان نایب‌قهرمانی و دو عنوان سومی در لیگ‌ها و رشته‌های مختلف این رقابت‌ها شدند.

سی‌امین دوره مسابقات جهانی رباتیک و هوش مصنوعی فیرا ۲۰۲۵ با حضور برترین تیم‌های جهان در شهر بوسان کره‌جنوبی برگزار شد و تیم‌های دانشجویی و دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران با کسب افتخارات متعدد، بار دیگر توانمندی‌های علمی و فنی کشور را در عرصه بین‌المللی به نمایش گذاشتند.

در این دوره از رقابت‌ها، نمایندگان کشورمان که با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری در این مسابقات شرکت کرده بودند، موفق به کسب پنج عنوان قهرمانی، چهار عنوان نایب‌قهرمانی و دو عنوان سومی در لیگ‌ها و رشته‌های مختلف شدند که نشان از سطح بالای دانش، خلاقیت و مهارت شرکت‌کنندگان ایرانی دارد.

در میان این افتخارات می‌توان به قهرمانی تیم‌های ایرانی در لیگ ربات‌های پرند سه‌رعی دانش‌آموزی (تیم‌نگرش رستاجو)، ربات‌های ورزشی دانش‌آموزی زیر ۱۹سال (تیم رباتیک سلام دیپاچی)، بخش شهری خودروهای خودران بزرگسالان (تیم هیدس) و لیگ ناواری و کسب‌کار در دوره سنی بزرگسال و زیر ۱۴سال اشاره کرد.

همچنین تیم‌های کشورمان در بخش‌های مختلف خودروهای خودران، ناواری و کسب‌کار و لیگ‌های ورزشی دانش‌آموزی موفق به کسب مقام‌های دوم و سوم شدند.

مسابقات جهانی فیرا ۲۰۲۵ که هم‌زمان با سمپوزیوم بین‌المللی ارائه آخرین دستاوردهای علمی در حوزه رباتیک و هوش مصنوعی برگزار شد، میزبان صدها تیم از کشورهای مختلف بود و در فضایی رقابتی و علمی، تازه‌ترین نوآوری‌ها و فناوری‌های این حوزه معرفی شد.

یامحمد

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماس‌ست. دلگو به‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی با شماره ۰۹۱۹۰۹۶۵۳۰ پندار و نشو و نشینید. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.



اسکن کنید

■ **زین‌نعل – تهران** – در پی تبلیغات رسانه‌ها مبنی بر استفاده از خودروهای الکتریکی و مزیت‌های آن برای جامعه و محیط زیست، اقدام به خرید خودرویی الکتریکی نمودم اما متأسفانه با چالش‌های زیادی مواجه شدم. مثلاً دستگاه‌های شارژ این خودروها هنوز در سطح کشور فراگیر نشده و دارندگان این خودروها را به دردسر انداخته است. برای نمونه در مسیر اتوبان تهران – قم فقط دو دستگاه از این شارژرها نصب شده که یکی از آنها به طور کلی کار نمی‌کند و دیگری با رفتن برق یا قطعی اینترنت از سرویس خارج می‌شود! بنابراین از مسئولان محترم درخواست می‌کنم به این مسئله رسیدگی و نسبت به نصب دستگاه‌های بیشتر اقدام کنند.

چهارگوشه

■ **معاون پرستاری وزارت بهداشت** با اشاره به کمبود ۱۰۰هزار پرستار در کشور گفت: در حال حاضر، میزان معوقات تعرفه‌های پرستاری هفت ماه و اضافه‌کار نیز سه ماه است.

■ **رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران** گفت: در حال حاضر بیش از هزار رأی ماده ۱۰۰ مربوط به دکل‌ها و آنتن‌های غیرمجاز در تهران وجود دارد که حدود یک دهه است اپراتورهای تلفن همراه آن را اجرا نمی‌کنند.

■ **مدیر عامل جامعه خیرین مدرسه ساز** گفت: خیرین مدرسه ساز اکنون ۵۰هزار صد از پروژه‌های عمرانی مربوط به ساخت مدارس کشور را انجام می‌دهند.

■ **معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی** با اشاره به اینکه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این است که بدون توسعه یافتگی در حال رفتن به سمت سالمندی جمعیت هستیم، گفت: در ۶۰سال آینده، از هر سه ایرانی، دو نفر سالمند هستند.

■ **در حال حاضر ۱۷هزار و ۶۰۰** داروخانه در کشور وجود دارد که ۱۶هزار داروخانه خصوصی است. رئیس انجمن داروسازان می‌گوید: «این داروخانه‌ها قطعاً به سمت ورشکستگی می‌روند.»

آگهی مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای جهت خرید لایسنس آنتی ویروس و ارائه خدمات نگهداری و پشتیبانی (نوبت اول)

خدمات نگهداری و پشتیبانی (نوبت اول)

سازمان غذا و دارو به نشانی تهران – خیابان انقلاب – خیابان فخر رازی – جنب خیابان وحید نظری در نظر دارد مناقصهٔ عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای جهت خرید لایسنس آنتی ویروس و ارائهٔ خدمات نگهداری و پشتیبانی "به شمارهٔ ۰۴۶۶۶۰۰۰۲۶-۲۰۲۰ از طریق سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بر گزار نماید.
کلیهٔ مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائهٔ پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

■ **تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):** ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

■ **مهلت زمانی در یافت اسناد مناقصه از سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):** تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

■ **مهلت زمانی ارائهٔ پیشنهادات از طریق سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):** تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

■ **زمان بازگشایی پاکت ا ارزیابی کیفی از طریق سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):** ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

■ **مکان بازگشایی پاکت ها: سالن کنفرانس طبقهٔ پنجم ساختمان شمارهٔ ۵ به آدرس تهران– خیابان توحید –نیش نباش شرقی – جنب بانک ملی – ساختمان معاونت توسعهٔ مدیریت و منابع سازمان غذا و دارو.**

■ **شمارهٔ تماس جهت در یافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه:** ۰۲۷۷۹۲۷۶۶۴۲ داخلی ۲۰۶

■ **اطلاعات تماس سامانهٔ ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:** ۴۱۹۳۴-۰۲۱

■ **دفتر ثبت نام:** ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۷

سازمان در رد یا قبول پیشنهادات مختار بوده و به پیشنهادهای مشروط و یا مخدوش تر تیب اثر داده نخواهد شد. متقاضیان برای ثبت نام در پایگاه ملی مناقصات لازم است به آدرس اینتر نت آن پایگاه به نشانی (<http://iets.mporg.ir>) مراجعه نمایند.

م.الف:۱۸۴۷ نشانه آگهی:۱۹۴۲۰۹

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



شاخص تورم نگران‌کننده

میثم ظهوریان نماینده مجلس با درج این نمودار نوشت: تحولات شاخص تورم در ماه‌های اخیر به شدت نگران‌کننده است. تورم تولیدکننده که در تابستان ۱۴۰۰ به نقطه اوج ۱۰۳ درصد رسیده بود، با روند نزولی بین فروردین تا شهریور ۱۴۰۳ حدود ۲۵ درصد مهار شده بود. این شاخص با رشد قابل توجه در هفت ماه اخیر به بیش از ۴۰ درصد در تیرماه جاری رسیده است.



صهیونیست زده‌های عرب خواهند فهمید؟

زهرا ربیسی با درج این تصویر نوشت: «اسرائیل بزرگ» یعنی سلطه بر فلسطین، اردن، لبنان، کویت، بخش بزرگی از سوریه، عراق، عربستان و مصر...

ایا صهیونیست زده‌های عرب خواهند فهمید که مقاومت غزه با حماس را واقع داره از عزت و ناموس همه امتی عربی -اسلامی دفاع می کنه نه فقط از خودش؟



شجاعت کودک یمنی بیشتر از هزار رهبر عربی

محمد کارب یمنی در فضای مجازی با درج این عکس نوشت: کودک یمنی، شجاعتش به اندازه شجاعت هزار رهبر عرب است.



مبنادر روابط بین الملل فقط قدرت است

داوود مدرسیان توییت کرد: دیدار ترامپ پوتین را می بیند که رؤسای جمهور دو قدرت جهانی چگونه به تشریفات قدرت‌نمایی بها می‌دهند؟ یک طرف پوتین با امنیتی بازی و چندین جنگنده و هواپیما و طرف دیگر ترامپ با جنگنده‌ها و رژه بمب افکن‌ها! روابط بین الملل دقیقاً همین است، مینا قدرت است و لاغیر! کاش برخی بفهمند.

گایران

دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۴ صفر ۱۴۴۷|||-----|||روزنامه جوان | شماره ۲۳۸۰

نگاه کاربر فضای مجازی به پیاده کردن نسخه‌های اقتصادی نئولیبرالی که موجب سقوط حکومت بشار اسد شد

سوریه از گرایش به نئولیبرالیسم تا سقوط

از مهم‌ترین دلایل سقوط حکومت بشار اسد که کمتر درباره آن سخن به میان آمده‌است، دنیاله روی او از نسخه‌های سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. بشار بر خلاف پدرش حافظ اسد دست کم در ۱۰ سال آخر حکمرانی‌اش تن به فرمول‌های

با آغاز حکومت بشار اسد در سال ۲۰۰۰،

سیاست آزادسازی و خصوصی‌سازی در بخش بانکداری رسماً کلید خورد. با صدور فرمان ۲۸ در سال ۲۰۰۱ اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی داده شد و سپس بانک‌های اسلامی (۲۰۰۵)، بانک‌های سرمایه‌گذاری (۲۰۰۷) و بانک‌های خرد (۲۰۱۰) شکل گرفتند. این اقدامات، همراه با قانون ۲۴ (۲۰۰۶) برای ورود مؤسسات مالی غیربانکی، عملاً ساختار بانکی سوریه را از انحصار دولتی خارج کرد.

■ **فرمان شماره ۲۸ و تأسیس بانک‌های خصوصی**

تا ۲۰۱۰ تعداد بانک‌های خصوصی به ۱۴ مورد رسید که همه دارای سهامداران عمده از میان بازرگانان نزدیک به حکومت و نهادهای عمومی بودند. این اصلاحات به طبقه تجاری – بورژوازی اجازه داد سرمایه‌های خود را به‌صورت رسمی و به‌راحتی به خارج منتقل کنند.

سال ۲۰۱۰ با هدف جذب سرمایه خارجی، سقف مالکیت سهامداران خارجی از ۴۹ به ۶۰ درصد افزایش یافت و تقریباً تمام بانک‌های خصوصی با شرکای استراتژیک خارجی (عمدتاً لبنانی و سپس اردنی و کشورهای حاشیه خلیج فارس) کار می‌کردند.

عمده وام‌های بانک‌های خصوصی (حدود ۸۰ درصد) به تجارت، خدمات و خرید مسکن، خودرو و املاک اختصاص داشت و سهم اندکی به تولید صنعتی یا کشاورزی رسید. در نتیجه، این بخش بیشتر به رشد بازار مصرف و مستغلات دامن زد تا توسعه تولید. این آزادسازی بانکی به تمرکز منابع در دست نخیکن سیاسی – اقتصادی انجامید، در حالی که اکثریت مردم خارج از چرخه منافع این اصلاحات ماندند. نتیجه تعمیق نابرابری و گسترش شکاف طبقاتی بود.

صندوق بین‌المللی پول در گزارش سال ۲۰۰۵ خود ادعان کرد که اصلاحات بانکی سوریه با هدایت این صندوق بوده‌است. در گزارش سال ۲۰۰۹ صندوق نیز آمده که بانک‌های خصوصی اکنون پیشرو

کانال عقل آبی در فضای مجازی نوشت:

زین دودناک خانه‌گشادند روزنی شد دود و اندر آمد خورشید روشنی آن خانه چیست؟ سینه‌و آن دود چیست؟ فکر ز اندیشه گشت عیش توشکسته گردنی بیدار شو، خلاص شو از فکر و از خیال یا رب، فرست خفته ما را دُهل زنی خفته هزار غم خورد از بهر هیچ چیز در خواب گرگ بیند یا خوف رهزنی در خواب جان بیند صد تیغ و صد سنان بیدار شد، نبیند زان جمله سوزنی (دیوان شمس، ترجمه بند ۴۳)

فکر، فکرهای پراکنده، فکرهای بسیار، اندیشه، اندیشه‌های پراکنده، اندیشه‌های بسیار، از نظر مولانا خانه وجود ما را دودناک می‌کنند. شاید بیشترین صدمه و آسیب را از پراکندگی فکر می‌بینیم. می‌گویند دودی اگر در خانه هست، دود فکر است و آنچه عیش ما را ناگوار کرده نیز فکر است. مولانا می‌گوید در هجوم فکر، شبیه خفته‌ای هستییم که خواب‌های ترسناک می‌بیند. در خواب می‌بینیم که گرگی به ما محلولور شده یا راهزنی قصد جان ما را کرده، اما بیدار که می‌شویم درمی‌یابیم همه وهم بوده، حقیقتی نداشته‌است. می‌گوید



فکرهای بی‌مهار ما را به چنین وضعیتی می‌کشاند. ما را خواب می‌کنند و در خواب، گرفتار کابوس و بیم، اما چاره چیست؟ چگونه می‌شود از این خواب وهم‌آلود بیدار شد؟ چگونه می‌شود خانه را از دودها که راه نفس را می‌بندند و راه تماشای پیراست؟ از نگاه او آنچه فکروپیی می‌کند و صفای گمشده را به خانه دل بازمی‌آورد و پنجره می‌گشاید ذکر است. یادکردن خداوند و دل دادن به خاطره ازلی، خاطره نخستین، ما پیش از همه فکرها که صحن جان ما را تیره و تار کرده‌اند، خلوت خاطره‌ای را

در مذمت پیچیدگی

نمی‌شدم. مهم این بود که واقعیات اصلی در متن باشد، مایقی بیرو قاعده «ضرری ندارد» بود، اما حالا متوجه شده بودم این عناصر نه‌تنها بی‌فایده هستند، بلکه مانع انتقال مؤثر پیام می‌شوند. این تغییر نگرش، روش کار را در گروگ کرد. در بافتم که بسیاری از کلمات و جملات نه‌تنها کمکی به فهم مطلب نمی‌کنند، بلکه شانس موفقیت پیام را کاهش می‌دهند. از آن پس، تعهدم به سادگی افزایش یافت و عناصری مانند صفات اضافی، اصطلاحات پیچیده، جزئیات غیرضروری و جملات طولانی را به عنوان موانع فهم شناسایی و حذف می‌کردم. دولت نیوزیلند نیز ظاهراً چنین دغدغه‌ای دارد. نیوزیلند در سال ۲۰۲۲ قانون زبان ساده را تصویب کرد که براساس آن، پیام‌های دولتی باید شفاف، مختصر، منظم و متناسب با مخاطب باشند.

لیندا هریس، بنیانگذار جایزه زبان ساده در نیوزیلند، توضیح می‌دهد که پیام‌های نامفهوم دولت بر زندگی مردم (مانند امور مهاجرت، طلاق، یا در یافت خدمات اجتماعی) تأثیر



اقتصادی تفکر نئولیبرال داد و از رویکردهای عدالت‌گرایانه پدرش عدول کرد تا ناخواسته و نادانسته زمینه تدریجی یک نارضایتی عمیق اجتماعی را رقم بزند. سید یاسر جبرائیلی در قالب یک رشته توییت در فضای مجازی و عمق این راهبرد غلط را تشریح کرده‌است.

آب زیرزمینی، همراه با افزایش ناگهانی

قیمت گازوئیل (از هفت به ۲۵ لیتر در سال ۲۰۰۸) و کود شیمیایی، توان تولید و آبیاری را از بسیاری از کشاورزان گرفت. تولید گندم از حدود ۹/۴ میلیون تن در ۲۰۰۶ به ۱/۲ میلیون تن در ۲۰۰۸ سقوط کرد و برداشت جود در برخی مناطق تقریباً صفر شد. دامداران نیز به دلیل کمبود خوراک و

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً

آب زیرزمینی، همراه با افزایش ناگهانی

قیمت گازوئیل (از هفت به ۲۵ لیتر در سال ۲۰۰۸) و کود شیمیایی، توان تولید و آبیاری را از بسیاری از کشاورزان گرفت. تولید گندم از حدود ۹/۴ میلیون تن در ۲۰۰۶ به ۱/۲ میلیون تن در ۲۰۰۸ سقوط کرد و برداشت جود در برخی مناطق تقریباً صفر شد. دامداران نیز به دلیل کمبود خوراک و

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً

آب زیرزمینی، همراه با افزایش ناگهانی

قیمت گازوئیل (از هفت به ۲۵ لیتر در سال ۲۰۰۸) و کود شیمیایی، توان تولید و آبیاری را از بسیاری از کشاورزان گرفت. تولید گندم از حدود ۹/۴ میلیون تن در ۲۰۰۶ به ۱/۲ میلیون تن در ۲۰۰۸ سقوط کرد و برداشت جود در برخی مناطق تقریباً صفر شد. دامداران نیز به دلیل کمبود خوراک و

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً

آب زیرزمینی، همراه با افزایش ناگهانی

قیمت گازوئیل (از هفت به ۲۵ لیتر در سال ۲۰۰۸) و کود شیمیایی، توان تولید و آبیاری را از بسیاری از کشاورزان گرفت. تولید گندم از حدود ۹/۴ میلیون تن در ۲۰۰۶ به ۱/۲ میلیون تن در ۲۰۰۸ سقوط کرد و برداشت جود در برخی مناطق تقریباً صفر شد. دامداران نیز به دلیل کمبود خوراک و

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً

آب زیرزمینی، همراه با افزایش ناگهانی

قیمت گازوئیل (از هفت به ۲۵ لیتر در سال ۲۰۰۸) و کود شیمیایی، توان تولید و آبیاری را از بسیاری از کشاورزان گرفت. تولید گندم از حدود ۹/۴ میلیون تن در ۲۰۰۶ به ۱/۲ میلیون تن در ۲۰۰۸ سقوط کرد و برداشت جود در برخی مناطق تقریباً صفر شد. دامداران نیز به دلیل کمبود خوراک و

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً

آب زیرزمینی، همراه با افزایش ناگهانی

قیمت گازوئیل (از هفت به ۲۵ لیتر در سال ۲۰۰۸) و کود شیمیایی، توان تولید و آبیاری را از بسیاری از کشاورزان گرفت. تولید گندم از حدود ۹/۴ میلیون تن در ۲۰۰۶ به ۱/۲ میلیون تن در ۲۰۰۸ سقوط کرد و برداشت جود در برخی مناطق تقریباً صفر شد. دامداران نیز به دلیل کمبود خوراک و

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً

آب، بخش بزرگی از دام‌های خود را با قیمتی بسیار پایین فروختند یا از دست دادند. پیامد اجتماعی این تحولات مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها بود. صدها روستا به‌ویژه در استان‌های حسکه، رقه و دیرالزور خالی شدند و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر معیشت خود را کاملاً از دست دادند. مهاجران در سکونتگاه‌های

غیررسمی مستقر شدند، جایی که بیکاری، فقر و رقابت بر سر منابع محدود شهری به نارضایتی اجتماعی اامن زد. این تغییرات هم‌زمان با تمرکز سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی جدید بر حوزه‌هایی مانند بانکداری، گردشگری و ساخت‌وساز باعث شد کشاورزی و صنایع تبدیلی آن عملاً



آب دزدی اسرائیل و مواجهه با بحران آب

علی کلاهی با درج لینک مستندی درباره آب دزدی اسرائیل در منطقه نوشت: این مستند از سوی ABC استرالیا ساخته شده و نشان می‌دهد اسرائیل به رغم آب دزدی از همسایگان به شدت با بحران آب مواجه است. رود اردن تبدیل به یک باتلاق متعفن و بحرالمیت در حال خشک‌شدن و فرونشست است و تبدیل به یک چالش شده‌است. اسرائیل با سرمایه‌گذاری در اتیوپی برای ساخت سد روی سرچشمه‌های نیل مصر را با خطر فروپاشی محیط‌زیستی و دو کشور اتیوپی و مصر را تا آستانه جنگ برده‌است. شک‌نکنید که این نسنس‌ها به دنبال تجزیه و نابودی کل کشورهای خاورمیانه هستند تا هژمونی خودشان تثبیت شود و بتوانند بلامنازع از طریق دولت‌های کوچک درگیر جنگ منطقه را تاراج کنند.

تغییر پارادایم دقیقاً یعنی چی؟

سپهر خلجی توییت کرد: شعار ضرورت «تغییر پارادایم» می‌دهند: چرا؟ ۱) زیرا این جماعت باور دارند مشکل از جمهوری اسلامی است نه قلندرانی که از هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر منافع خود را در منطقه ما تعریف کرده‌اند.

۲) چون معتقدند اساساً «پارادایم انقلاب اسلامی» مشکل دارد و هر چه از شعارها و اهداف انقلاب و امام دور شویم به جامعه جهانی نزدیک‌تر خواهیم شد.

۳) زیرا تغییر پارادایم از لحاظ واژه از تسلیم، تجدیدنظرطلبی، تبدیل شدن به گاو شیر ده و هضم در نظام سلطه شکیب‌تر از ابرومندانه‌تر است

۴) شاید هم از ایستادگی در برابر پارادایم تحمیلی ناتوان و البته ناامیدند.

شما در برابر دوربین‌های مخفی اینستاگرام و فیس‌بوک قرار دارید!

کانال ژئوپلیتیک رسانه نوشت: «فلیکس کراوس» کارمند سابق گوگل در تحقیقات خود متوجه شده که اینستاگرام و فیس‌بوک حرکات مشتریان خود را هنگامی که داخل این دو اپلیکیشن هستند، «به‌صورت کامل» رصد می‌کنند کراوس می‌گوید: «این دو برنامه رمزهای رهایی را درون هر وبگاهی که نمایش می‌دهند، قرار داده‌اند. اگر هر لینک دیگری، از جمله تبلیغ‌ها را باز کنید، متوجه می‌شووند و کلمه عبور، اطلاعات کارت‌بانکی، نشانی مکان و هر اطلاعات دیگری که در این دو برنامه تایپ کنید، ذخیره می‌شود.»

التماس در عین خفت

عبدالله گنجی نوشت: بعد از جنگ -روحانی: مذاکره با امریکا لازم است استراتژی نوین -آخوندی: مذاکره جامع با امریکا تغییر پارادایم -اصغرزاده: مذاکره جامع با امریکا تغییر در سیاست خارجی -جبهه اصلاحات: مذاکره فراگیر با امریکا -حزب مشارکت ۲:مذاکره جامع با امریکا -ظریف: پارادایم نوین -پرنشکیان: مذاکره نکنیم میاد دوباره می‌زند. -حالا عارف میاد جمع می‌کند و ریاکاری را الو می‌دهد. عارف: به امریکا گفتیم حاضریم اعتمادسازی کنیم، اما انگار خود را به خواب زده است. التماس در عین خفت! طلبکاری از داخل. معاف کردن دشمن از خبیانت.



صهیونیستی که سودای پادشاهی

بر ملت مسلمان ایران را دارد!

سیدحسن عاملی امام جمعه اردبیل با درج تصویر فوق از فرزند شاه مخلوع در کنار دیوار ندبه نوشت: طرف رفته در بیت‌المقدس کنار دیوار ندبه اعلام کرده که من صهیونیست شدم و کلاه یهودی را بر سرش گذاشته‌ام! سید به ملت ایران می‌گوید من می‌خواهم پادشاه شما شوم! او از کجا فهمید که یک ملت مسلمان حاکمیت یک یهودی صهیونیست را قبول می‌کند؟! اگر کسی از این حماقت آن قدر بخندد که روده بر شود، جای ملامت نیست.

دولت اسلامی مسئول اخلاق و اعتقادات مردم هم هست

علی مطهری توییت کرد: استاندارد مازندران: من به حجاب و عفاف جامعه‌ای که گرسنه است اعتقاد ندارم. ما مسئول معیشت و اقتصاد مردمیم. او دولت پرشکیان را با یک دولت سکولار اشتباه گرفته‌است. دولت اسلامی علاوه بر معیشت مردم مسئول صیانت از اخلاق، رفتار و اعتقادات مردم نیز هست؛ چا دارد وزیر کشور وی را بر کنار کند.



زیگورات جغازنبیل در استان خوزستان و در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی

شهر شوش قرار دارد. این بنای زبیا که در واقع یک زیگورات باستانی است، به دستور یکی از پادشاهان قدرتمند ایلامی، «اوتاش ناپیریشا» در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد مسیح ساخته شد.



تشیع پیکر شهید سعید قره داغی

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید سعید قره‌داغی از شهدای تجاوز امریکا و اسرائیل به ایران

عاشقانه قدم به حجله شهادت گذاشت

■ علیرضا محمدی

شهید سعید قره‌داغی هنگام شهادت تنها شش ماه از عقدش می‌گذشت. قرار بود بعد از دوازده ماه و صفر از دوازده کند که روز دوم تیرماه در بمباران سازمان بسیج به شهادت رسید. در مراسم تشییع و تدفین پیکر او، مادر شهید سخنرانی غریبی کرد که مورد توجه رسانه‌ها و مردم قرار گرفت. این مادر داغ‌دیده گفته بود: «ای داماد شش ماهه‌ام که عروست منتظرت بود. کجایی عزیزترینم. بشکند، بشکند دستانی که تو و همکاران و برادران تو را! اینچنین پرپر کرد...» در گفت‌وگویی که با حامد قره‌داغی برادر شهید داشتیم، خاطرات این شهید ۲۶ ساله تجاوز رژیم صهیونیستی و امریکا را مرور کردیم. حامد و سعید همکار بودند و روز شهادت برادر، او نیز در سازمان بسیج حضور داشت. صبح هر دو با هم سر کار رفتند و غروب آفتاب او به تنهایی به خانه برگشت. سعید نامش را در لیست شهدا ثبت کرده بود.

کلیبی از مراسم تشییع و تدفین شهید قره‌داغی منتشر شده که در آن مادر شهید قاطعانه سخنانی را بیان می‌کنند. این روحیه مادر شهید از کجا نشئت می‌گیرد؟ ما یک خانواده مذهبی و انقلابی داریم و مادر هر چند داغدار فرزندش است، اما با همان روحیه انقلابی سعی کرد محکم و قاطع در خصوص آقا سعید و شهادتش صحبت کند. در کل خانواده‌های ایرانی چه در جنگ تحمیلی هشت ساله و چه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، نشان دادند در برابر دشمن تسلیم نمی‌شوند و با عزت و سربلندی یا متجاوزان برخورد می‌کنند. ما هم مثل خیلی از خانواده‌های ایرانی در دوران هشت سال دفاع مقدس رزمنده‌هایی داشتیم که به جبهه رفته بودند. پدرم یک دوره سه ماهه و داییم او چند نفر دیگر از اقوام از یادگاران آن دوران هستند.

در خانه چند فرزند هستید، آقا سعید فرزند چندم خانواده بود؟

با آقا سعید ما چهار برادر بودیم. او فرزند آخر خانواده و متولد ۱۹ دی ۱۳۷۸ بود. من سومین فرزند خانواده هستم و متولد سال ۶۹، تقریباً ۹ سال با اخوی فاصله سنی داشتم.

شهید در کودکی چطور روحیاتی داشت؟

هیچ دوستی نداشته باشد، دوستان خاص خودش را داشت که همگی از بچه هیئتی‌ها و بچه‌های مسجد و بسیج بودند.

گویا شهید قره‌داغی در شرف ازدواج بود که به شهادت رسید؟

برادرم حدود شش ماه قبل از شهادتش عقد کرده بود. قرار بود بعد از محرم و صفر سر خانه و زندگی‌اش برود. ایشان برای خانه سازمانی هم ثبت نام کرده و اسمش در لیست بود. الان که با هم گفت‌وگو می‌کنیم، حدود سه، چهار روز قبل قرار بود خانه‌ها را تحویل بدهند. برنامه آقا سعید این بود که بعد از تحویل گرفتن خانه سازمانی، شرایط را فراهم کند که بعد از ازدواج به خانه خودش برود. حتی برای سفر سه‌ماهه عسل هم ثبت‌نام کرده بود تا مهرماه همراه خانمش به کربلا بروند. البته سفر کربلا پشت قباله عقدش هم بود و به این ترتیب ایشان همه چیز را برای ازدواجش فراهم کرده بود. منتها قسمت بود به جای حجله بخت به حجله شهادت برود.

با روحیه بسیجی که داشت، پیش آمده بود از شهادتش حرفی بزند؟

مادر می گفت سعید شب قبل از شهادتش به او گفته بود دوست داری شهید شوم؟ مادرم گفته بود بله

دوست دارم، ولی الان نه. تو باید بهمانی و حالا حالاها به جامعه خدمت کنی و در سن بالا شهید شوی. بعد سعید یک عکس نشان مادرمان داده و گفته بود اگر شهید شدم این عکس را به بنرم بزنید. فردا صبح که دوشنبه دوم تیرماه بود، با هم به محل کار رفتیم و او دیگر بازنگشت.

با شهید همکار بودید؟

بله، من از اواخر سال گذشته با ایشان در سازمان بسیج همکار شده بودم. آن روز که دوشنبه دوم تیرماه بود، صبح با هم سر کار رفتیم. روزهای جنگ بود و گاهی شوخی‌هایی درباره احتمال شهادت می‌کردیم. خاطره‌ای را اینجا عرض کنم. چهارشنبه هفته قبلیش با هم سر کار رفتیم. ظهر که شد سعید به من گفت برویم خانه؟ گفتیم نه من را برای شیفت نگه داشته‌اند. او رفت و من در سازمان ماندم. آن روزها به دلیل جنگ و صدای بمباران که می‌آمد، همسرم را به خانه پدرمان فرستاده بودم. آن هفته چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه تا شنبه بعدازظهر سر کار ماندم. در این مدت سعید در خانه سر به سر خانم می‌گذاشت و به شوخی می‌گفت که حامد در محل کار مانده تا شهید شود. کی شهید می‌شود تا من بنرش را بزنم. خلاصه آن چند روز شیفتم گذشت و شنبه بعدازظهر قرار شد بعد از چند روز به خانه برگردم. به سعید گفتم بیا امروز با هم به خانه برگردیم. چون آن روز هم من ماشین آورده بودم هم سعید. به او گفتم بیا یک ماشین برویم تا کمتر بنزین مصرف کنیم. (موقع جنگ بنزین سهمیه‌بندی شده بود) اما سعید گفت یک‌شنبه شیفت نیستیم و باید ماشینم را ببرم. خلاصه من راه افتادم و به سمت خانام رفتم. در همین زمان سعید با خانه ما تماس گرفته و به خانم گفت بعد این هم شوهرت! دارد برمی‌گردد. شهید بشو نیست!

آن روز وقتی به اوآن برگشتیم من به سعید گفتم قبل از اینکه به خانه برویم، یک سری به حوزه بسیج بزنیم و خدقوتی بگوییم. به هر حال ما از قدیمی‌های بسیج بودیم و شاید حضورمان باعث دلگرمی بچه‌ها می‌شد. رفتیم و ۲۰ دقیقه‌ای آنجا بودیم. یک‌شنبه شب که شد، به سعید زنگ زدم و گفتم فردا من ماشین می‌آورم. تو دیگر ماشین نیآور با هم برویم. او پذیرفت و صبح دوشنبه با هم به سمت سازمان بسیج رفتیم. ظهر همان روز صهیونیست‌ها سازمان را بمباران کردند و سعید به شهادت رسید.

روز بمباران شما هم آنجا حضور داشتید؟

بله، من هم در سازمان بودم منتها ساختمان ما مورد هدف قرار نگرفت. به نظرم ساعت یک ربع به دوازده ظهر دوم تیرماه بود که ناگهان صدای انفجاری به گوش رسید. از موج انفجار، آسیب‌هایی به ساختمان ما رسید، بعد که بیرون آمدیم، دیدیم دود و غبار عجیبی همه جا را گرفته است طوری که تا یک دقیقه جلوی بینی‌مان را گرفته بودیم تا خفه نشویم. حتی آسمان را نمی‌توانستیم ببینیم. در همین لحظه یک نفر گفت ساختمان نمایندگی را زدند. رفتیم به سمت ساختمان و دیدیم که آن ساختمان چهار طبقه کلا ویران شده است.

ساختمان محل کار سعید با ساختمان نمایندگی فاصله داشت. با او تماس گرفتم ولی گوشی‌اش در دسترس نبود. به سمت بلوار رفتم تا از آنجا بتوانم ساختمان محل کارش را ببینم. به بلوار که رسیدم، دیدم ساختمان آنها را هم زده‌اند و کل آن ساختمان که چند معاونت داشت ویران شده است. وقتی این صحنه را دیدم، انگار آوار روی سرم خراب شد. سریع به آن طرف رفتم و دادم زدم زمین داداش... سعید... بلکه شاید صدایم را بشنود و از زیر آوار حرفی بزند، اما هیچ صدایی نیامد.

پیکر شهید چه زمانی پیدا شد؟ شما چطور از شهادتش مطلع شدید؟

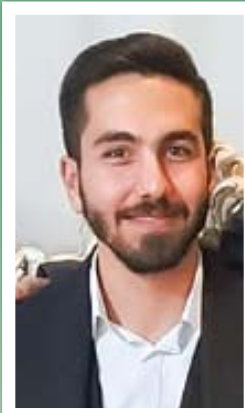
آن روز من نتوانستم او را پیدا کنم. روز بعد پیکرش را از زیر آوار خارج و به ما شهادتش را اعلام کردند. روز بمباران، من تا ساعت‌ها دنبالش گشتم. روز حادثه سعید قرار بود شش بعدازظهر به خانه برگردد، ولی من قرار بود فردا صبحش برگردم. عرض کردم بمباران ساعت حول و حوش یک ربع به دوازده اتفاق افتاد، من تا ساعت چهار عصر موضوع را به هیچ کس نگفته بودم الا فرامده هوز همان. بعد از اینکه از پیدا کردن سعید



برادرم حدود شش ماه قبل از شهادتش عقد کرده بود. قرار بود بعد از محرم و صفر سر خانه و زندگی‌اش برود. ایشان برای خانه سازمانی هم ثبت‌نام کرده و اسمش در لیست بود. حتی هماهنگ کرده بود بعد از ازدواج در مهرماه همراه همسرش به سفر کربلا بروند. همه کارها را انجام داده، ولی قسمتش شهادت بود



ساعت ۱۱:۴۵ ظهر دوم تیرماه بود که ناگهان صدای انفجاری به گوش رسید. از موج انفجار، آسیب‌هایی به ساختمان ما رسید. بیرون آمدیم. دیدیم دود و غبار عجیبی همه جا را گرفته است طوری که تا یک دقیقه جلوی بینی‌مان را گرفته بودیم تا خفه نشویم. حتی آسمان را نمی‌توانستیم ببینیم. در همین لحظه یک نفر گفت ساختمان نمایندگی را زدند



شهید قره‌داغی شش ماه قبل از شهادت عقد کرده بود

در میان ویرانه‌ها ناامید شدم، ساعت دو و نیم یا سه عصر یکی از همکاران به من گفت سعید را دیده و او زنده است. این بنده خدا که الان خاطرم نیست کدام یک از همکاران بود، می‌گفت پیکر سعید را به صورت نیمه جان از داخل آوارها خارج و به بیمارستان منتقل کرده‌اند در حالی که هنوز زنده و جراحاتی برداشته بود. با حرف آن بنده خدا تصمیم گرفتم به بیمارستان بعثت که نز دیک محل کارمان است بروم. چون نمی‌توانستم رانندگی کنم، سونئج ماشین را به یکی از همکاران دادم و با هم به بیمارستان رفتیم. خیلی گشتم ولی سعید را پیدا نکردیم. به دو بیمارستان دیگر که می‌گفتند مجروحان را آنجا برده‌اند، رفتیم ولی آنجا هم نبود. ساعت چهار به یکی از همکاران برادر دیگرم زنگ زدم و موضوع را گفتم. بعد خانم زنگ زد و گفت نامزد سعید مرتب تماس می‌گیرد و می‌گوید چرا سعید گوشی‌اش را جواب نمی‌دهد. احتمالاً حامد می‌داند او کجاست. من بهانه آوردم و گفتم شاید گوشی‌شان را خاموش کرده‌اند تا مسائل امنیتی داخل سازمان را رعایت کنند، اما چند دقیقه بعد دوباره خانم تماس گرفت و من دیگر نتوانستم بهانه‌ای جور کنم. گفتم اینجا را زده‌اند و من سعید را پیدا نمی‌کنم، اما شما به نامزدش بگو که یادگان بغلی را زده‌اند و سعید هم رفته کمک. آنجا آنتن نمی‌کردم، این بود تا از وضعیت سعید اطلاع دقیقی پیدا نکردم، موضوع را به کسی گویم، اما پدرخانم سعید دنبال پدرم آمده و با هم به سازمان آمده بودند. تقریباً ساعت هشت شب بود که آمدند سازمان و آنجا مطلع شدند که ساختمان محل کار سعید بمباران شده است. صبح روز بعد که پیکر سعید از زیر آوارها پیدا و شهادتش به ما اعلام شد.

غیر از آقا سعید، همکاران دیگر تان هم به شهادت رسیدند؟

یکسری از دوستان را می‌شناختم که آن روز به شهادت رسیدند. در چهار روزی که سازمان شیفت بودم، شهید مرصاد مومنی با من بود. آن چند روز خیلی با هم صحبت و شوخی می‌کردیم. ایشان هم روز دوم تیرماه به شهادت رسیدند. یا شهید میلاد نماینده را تنها نیم ساعت قبل از بمباران دیدم. این بنده خدا فکر کنم پیکرش بعد از ۳۴ روز پیدا شد. آخرین شهید هم اسماعیل پاشایی بود که پیکرش بعد از ۴۵ روز پیدا شد.

سخن پایانی؟

من و آقا سعید اواخر سال پیش همکار شده بودیم. شهید در چند سال اخیر به سفر اربعین می‌رفت. امسال از اوایل سال مشخص بود تابستان گرمی داریم و اربعین هم که وسط تابستان افتاده است. با خودم گفتم اگر امسال بخواهم اربعین بروم، واقعا در گرما سخت می‌شود، اما دلم به این خوش بود که سعید یک نیروی محرک‌ای برایم می‌شود و من را با خودش می‌کشاند و به اربعین می‌رویم. متأسفانه قسمت نشد با هم برویم. او به جای حرم به دیدار صاحب حرم رفت و نامش را در دفتر شهدا به ثبت رساند.

سخنان مادر شهید سعید قره‌داغی در مراسم تشییع و تدفین شهید

■ سلام بر ابا عبدالله(ع)...

من با کمال افتخار مادر شهید سعید قره‌داغی هستم. پسرم سرباز ولایت بود. پسرم پل اسلام بود. پسرم شیرمراد ایران بود. من به او اقتضار می‌کنم و به او می‌گویم مادر شهادت مبارک. ای جان جانانم. ای عزیزترین نور چشمم. ای داماد شش ماهه‌ام که عروست منتظرت بود. کجایی عزیزترینم؟ بشکند، بشکند دستانی که تو و همکاران و برادران تو را اینچنین پرپر کرد... عزیزان همه شما قدم بر چشمان من گذاشتید و عزیز من را همراهی کردید، از همه شما کمال تشکر دارم.

الهی به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین، فرج مولای‌مان را برسان. الهی رهبرم سید علی‌چانم را در پناهگاه محکم خود قرار بده و محافظت بفرما. الهی به آه مادران شهید و به آه دل‌سوخته‌ها، رژیم منحوس صهیونی و ترامپ ملعون و همه جنایتکاران عالم را از صحنه روزگار محو کن. ما اهل کوفه نیستیم علی تنه‌بماند...

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

▶ پاسخ جدول شماره ۷۳۷۹

۱	۲		۸		۳
۵	۷		۱		
		۷	۳		
			۱		۹
			۴		
				۹	۳
			۵		
			۳		۸

۷	۸	۵	۳	۴	۱	۶	۲
۵	۳	۸	۱	۶	۷	۲	۴
۱	۶	۳	۷	۸	۲	۵	۴
۷	۱	۶	۲	۳	۵	۸	۴
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۵	۴	۱	۲	۷	۸	۶
۱	۲	۷	۴	۳	۵	۸	۶
۴	۱	۳	۷	۲	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۵	۴	۱	۲	۷	۸	۶
۱	۲	۷	۴	۳	۵	۸	۶
۴	۱	۳	۷	۲	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱	۸	۲	۵	۴	۶
۴	۲	۷	۱	۳	۵	۸	۶
۶	۳	۵	۲	۸	۷	۱	۴
۲	۴	۸	۷	۱	۳	۵	۶
۸	۶	۲	۵	۳	۷	۴	۱
۳	۷	۱					

دیوار به دیوار باواقعۀ عاشورا

فاطمه قربانی

در بدو ورود به نمایشگاه «به بلندی تاریخ»، بوی رنگ در فضا موج می‌زد؛ عطری آشنا که هم‌زمان حس تازگی، خلاقیت و جان گرفتن هنر را تداعی می‌کرد. این بو، همراه با سکوت و نور ملایم سالن، فضایی ساختن مخاطب را پیش از دیدن نخستین تابلو، به درون جهان آثار می‌کشاند.

چیدمان تابلوها با نظم و هدفمندی انجام شده بود. دیوار ها بر اساس موضوع بخش‌بندی شده و هر بخش به یکی از نمادها یا شخصیت‌های واقعه عاشورا اختصاص یافته بود. مجموعه‌ای از آثار با محوریت ذوالجناح بر یک دیوار، بخشی دیگر به حضرت عباس (ع) و علمداری او، و بخش‌هایی دیگر به صحنه‌هایی از خیمه‌گاه، میدان نبرد و اسنده اهل بیت اختصاص داشت. این تفکیک موضوعی، امکان تمرکز بیشتر بر هر محور را فراهم می‌کرد و هر بخش، فضایی خاص با حس و حال متمایز داشت. پس از آمدن، تصور می‌کردم نمایشگاه محدود به چند طرح آشنا و تکراری از واقعه عاشورا باشد، اما تنوع سبک‌ها تکنیک‌ها مرا غافلگیر کرد. برخی آثار در قالب مدرن غربی خلق شده بودند، با بهره‌گیری از ساختارهای زاویه‌دار، رنگ‌های شارب و کنتراست‌های شدید که به صحنه‌ها، بعدی پر تنش و حماسی می‌دادند. در مقابل، آثاری به شیوه نگارگری و مینیاتور ایرانی نیز دیده می‌شد که با خطوط نرم، رنگ‌های اصیل و جزئیات ظریف، لحظات عاشورا را در قالبی آشنا و سنتی بازنمایی می‌کردند.

در نگاه من یکی از آثار شاخص نمایشگاه، اثر کامیار کوبیسم و اکسپرسیونیسم، به‌ویژه استفاده از مثلث‌ها در ساختار تصویر و رنگ‌های تند چون



تصویر شده است. ترکیب هم‌زمان المان‌های کوبیسم و اکسپرسیونیسم، به‌ویژه استفاده از مثلث‌ها در ساختار تصویر و رنگ‌های تند چون



قرمز، فضایی پر از انرژی، اسنوده و مقاومت ایجاد کرده بود. استفاده از این رویکرد، حادثه را از سطح بازنمایی صرف به تجربه حسی و عاطفی می‌کشاند.

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۰۸۸۵۲۳

دیوارها بر اساس موضوع بخش‌بندی شده و هر بخش به یکی از نمادها یا شخصیت‌های واقعه عاشورا اختصاص یافته بود. مجموعه‌ای از آثار با محوریت ذوالجناح بر یک دیوار، بخشی دیگر به حضرت عباس (ع) و علمداری او، و بخش‌هایی دیگر به صحنه‌هایی از خیمه‌گاه، میدان نبرد و اسنوده اهل بیت

نمایشگاه روایت خطی و پیوسته‌ای از عاشورا ارائه نمی‌داد. آثار به گونه‌ای کنار هم قرار گرفته بودند که هر کدام روایتی مستقل داشتند. برخی بر جنبه حماسی واقعه تمرکز کرده بودند، برخی بر اسنوده و غربت و برخی بر بعد معنوی و ایمانی آن. نتیجه، مجموعه‌ای چندصدایی بود که در عین تنوع، بر محور واحد عاشورا می‌چرخید.

در بخش‌هایی از سالن، روایت‌هایی مکتوب بر دیوار نصب شده بود؛ هنرمندانی که با قلم نوشتار خود، زبان تابلوهای نقاشی شده بودند. گویی رای نامرئی قدم به قدم مخاطب را در دل تابلوها و لحظات عاشورا پیش می‌برد.

علاوه بر سبک و طرح‌ها، موضوعات انتخابی هنرمندان نیز از تنوع چشمگیری بر خور دار بود. تابلویی، صحرای سوزان و نيزه‌های برافراشته را به تصویر کشیده بود، اثری دیگر لحظه افتادن علمدار

مروری بر آثار سورهمهر با محوریت خاطرات اسارت آزادگان ایرانی

روزی که زنجیرها شکستند

راوی در «روزهای بی‌آینه» بیش از آنکه از ضربه‌ها و تاز یانه‌ها بگوید، از سکوت‌های سنگین آسایشگاه، از دلنگنی‌های بی‌پایان و از تلاش برای نگه‌داشتن جرقه‌ای کوچک از امید سخن می‌گوید. این اثر، با پرداختن به جزئیات زندگی روزمره در اردوگاه و رابطه‌های میان اسیران، فضایی صمیمی و در عین حال تلخ می‌سازد.

گلستان جعفریان در این کتاب خاطرات منبزه‌لشکری، همسر سرلشکر خلیان شهید آزاده حسین لشکری را مستند کرده است. «روزهای بی‌آینه» به ما یادآور می‌شود اسارت، فقط زندانی کردن جسم نیست؛ گاه، بریدن انسان از خاطرات، از گذشته و حتی از خودش، سخت‌تر و سنگین‌تر از زنجیر است.

خواندن این کتاب برای هر کسی که می‌خواهد عمق انسانی و روانی تجربه اسارت را بفهمد، ضروری است. این اثر به‌خوبی نشان می‌دهد

مقاومت، همیشه با شعار و فریاد همراه نیست؛ گاهی، در سکوت و درونی‌ترین لایه‌های جان شکل می‌گیرد.

■ من زنده‌ام – ثبت خاطرات برای نسل‌ها

«من زنده‌ام» اثر معصومه آباد، کتابی است که در سال انتشارش موجی بزرگ در میان مخاطبان ایجاد کرد. این کتاب، نه‌فقط روایت اسارت یک زن جوان ایرانی، بلکه تجربه‌گر بخشی کمتر دیده‌شده از جنگ است؛ زنان اسیر ایرانی در عراق.

روایت، صریح و پر جزئیات است؛ از لحظه اسارت تا انتقال به اردوگاه، از بازجویی‌ها تا شرایط طاقت‌فرسای زندان. اما در دل همه این تلخی‌ها، نوری از امید و ایمان می‌درخشد. معصومه‌آباد با قلمی روان و تصویری روشن، به ما نشان می‌دهد چگونه باور قلبی به آرمان‌ها می‌تواند انسان را در سخت‌ترین شرایط سرپا نگه دارد.

«من زنده‌ام» برای دختران و پسران امروز، درسی مهم دارد: عزت نفس و باور، ارزش‌هایی‌اند که حتی در تاریک‌ترین روزها نمی‌توان از دست‌شان داد.

■ آن بیست و سه نفر «داستان جوانانی که حماسه شدند

احمد یوسف‌زاده در کتاب «آن بیست و سه نفر» داستان واقعی گروهی از نوجوانان ایرانی نبروهای عراقی در آمدن. این روایت، سرشار از لحظات شگفت‌انگیز شجاعت و بازیگوشی نوجوانان در دل شرایط هولناک است. «۲۳ نفر» نشان می‌دهد حتی در اردوگاه، روحیه جوانی و امید می‌تواند به مقاومتی سرسختانه تبدیل شود. نوجوانان اسیر، با وجود کم‌تجربگی، با رفتارها و تصمیم‌هایشان نه‌تنها دشمنان را غافلگیر می‌کنند، بلکه به الهام‌بخش سایر اسیران نیز می‌شوند.

را با رنگ‌های ملایم و خطوط شکسته نشان می‌داد و نمونه‌ای دیگر، با زبان نگارگری، یک لحظه را در چند بُعد هم‌زمان به نمایش گذاشته بود. این زاویه‌های دید متفاوت، نشان می‌داد، عاشورا همچنان منبع الهام هنری است و می‌تواند بارها از نگاه‌های تازه بازآفرینی شود.

نمایشگاه «به بلندی تاریخ» نه‌تنها در مضمون که در زبان بصری نیز گستره‌ای وسیع داشت. از سبک‌های کلاسیک و سنتی تا رویکردهای مدرن و تجربی، هر اثر بخشی از واقعه را روایت می‌کرد و در کنار دیگر آثار، تصویری کلی اما چندلایه‌از عاشورا شکل می‌گرفت. این تنوع، از تکراری‌شدن آثار جلوگیری کرده و هر تابلو را به کشف تازم‌ای بدل ساخته بود. در پایان بازدید، آنچه در ذهن باقی می‌ماند، نه تنها تصاویر و رنگ‌ها، بلکه این جمله است که گویی در میان تابلوها شنیده می‌شد: «ما را حسین دور خودش جمع می‌کند».

این نمایشگاه همچون پلی میان تاریخ و هنر، پذیرای نگاه‌ها و سلیقه‌های گوناگون است. چه شیفته آثار کلاسیک و سنتی باشید، چه مجذوب زبان‌های مدرن و تجربه‌گرانه هنر، در «به بلندی تاریخ» برای هر ذائقه هنری و فرهنگی، چیزی برای کشف و تجربه وجود دارد. گام گذاشتن در این فضا، فرصتی است برای دیدن عاشورا از منظره‌هایی تازه و لمس تنوعی که تنها در کنار هم معنا پیدا می‌کند.

نمایشگاه به توانسته در عین وفاداری به یک واقعه تاریخی- مذهبی، زبان‌های گوناگون هنری را در کنار هم بنشاند و مخاطب را به تجربه‌ای حسی، فکری و معنوی دعوت کند؛ نمایشگاهی که به معنای واقعی کلمه، هم به تاریخ متصل بود و هم به بلندی هنر.

این کتاب بعدها الهام‌بخش فیلم سینمایی شد اما متن آن همچنان بی‌رقیب است؛ زیرا نویسنده با قلمی صمیمی و بی‌تکلّف، لحظات را ن تلاش روایت می‌کند که خواننده گویی یکی از همان ۲۳ نفر است.

■ پاسیاد پسر خاک – قصه بازگشت به زندگی

این کتاب به‌دعا الهام‌بخش فیلم سینمایی شد اما متن آن همچنان بی‌رقیب است؛ زیرا نویسنده با قلمی صمیمی و بی‌تکلّف، لحظات را ن تلاش روایت می‌کند که خواننده گویی یکی از همان ۲۳ نفر است.

■ پاسیاد پسر خاک – قصه بازگشت به زندگی

روایتی است از روزهای اسارت و سال‌های پس از آزادی. به قلم آزادهای که نه‌فقط از رنج‌های جسمی و روانی آن دوران می‌گوید، بلکه از مسیر دشوار بازگشت به زندگی پس از اسارت نیز سخن می‌گوید. این کتاب که با زبانی صمیمی و گاه شاعرانه نوشته شده، به ما نشان می‌دهد، آزادی، پایان ماجرا نیست؛ بازگشت به خانه، آغازی تازه است؛ با چالش‌هایی که گاه کمتر دیده یا گفته شده‌اند.

راوی «پاسیاد پسر خاک» با جزئیات از نخستین روزهای ورود به اردوگاه، تلاش برای حفظ کرامت انسانی در برابر تحقیر دشمن و ابتکارهایی که اسیران برای زنده ماندن و زنده نگه‌داشتن امید به کار می‌بردند، سخن می‌گوید. اما آنچه این اثر

را متمایز می‌کند، بخش‌هایی است که به زندگی پس از آزادی اختصاص دارد؛ جایی که آزاده باید دوباره با جامعه، خانواده و حتی خودش کنار بیاید.

این کتاب، پلی است میان دو فصل مهم در زندگی آزادگان: «اسارت» و «آزادی».

خواننده درمی‌یابد مقاومت، تنها در اردوگاه شکل نمی‌گیرد، بلکه در مواجهه با دنیایی که پس از سال‌ها تغییر کرده نیز ادامه می‌یابد. «پاسیاد پسر خاک» سندی است بر این حقیقت که آزادی، انتخابی است که هر روز و در هر شرایطی باید آن را از نو برگزید.

■ روایت‌هایی که باید زنده بمانند

پنج کتاب معرفی شده، تنها بخشی از مجموعه بزرگ آثار سورهمهر در حوزه ادبیات اسارت‌اند. «پایی که جا ماند» با صراحت و بی‌واسطگی، «روزهای بی‌آینه» با بُعد خانوادگی و عاطفی، «من زنده‌ام» با روایت زنانه و تاریخی، و «آن بیست و سه نفر» با انرژی و شور جوانانی «پاسیاد، پسر خاک» با معرفی سید علی‌اکبر ترابی‌فر در یک و یک و این تاریخ مشترک را ثبت کرده‌اند.

این آثار، فقط خاطره‌نگاری نیستند؛ کلاس‌های درس عزت، ایمان و پایداری‌اند. روز ۲۶ مرداد، فرصتی است برای بازخوانی این کتاب‌ها و زنده نگه‌داشتن یاد و نام کسانی که سال‌ها در بند دشمن، آزادگی را معنا کردند. برای نسل امروز و فردا، این روایت‌ها چراغ راهی هستند که نشان می‌دهد حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌توان ایستاد و سر بلند ماند.

مستند

نگاهی به مستند «بمب‌های آیند»

دفاع هوایی از تهران

به روایت تصویر

مرضیه پکان

بامداد ۲۴ خرداد ۱۴۰۴، وقتی اولین موج حملات هوایی رژیم صهیونیستی بر فراز ایران شروع شد، پدافند هوایی کشور وارد یکی از مهم‌ترین آزمون‌های تاریخ خود شد. موجی از موشک‌های کروز، پهپادهای انتحاری و جنگ‌الکترونیک، با هدف فلج کردن دفاع هوایی ایران به پرواز در آمده بود. اما آنچه دشمن با آن روبه‌رو شد، سیستمی چندلایه و آماده بود که سال‌ها زیر فشار تحریرها و در میدان‌های واقعی جنگ، آبدیده شده بود.

در حالی که حافظه تاریخی ملت ایران به خوبی به یاد دارد که در دوران جنگ تحمیلی در حالی‌که ایران بعد از یک تغییر سیستم حاکمیتی به اراده مردم، با شدیدترین تحریم‌ها مواجه شده بود، رژیم بعث این نهال نو پا را طعمه مناسبی برای بروز قدرت‌نمایی خود می‌دید و جنگ ناچوانمرانه‌ای را علیه ملت و دولت ایران آغاز کرده بود.

اوج وحشیگری این رژیم، بمباران شهرها و مناطق مسکونی و مردم نظامی بود. در این اثنائیزوهای ارتش جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی برای مقابله با حملات دشمن دریغ نکردند.

اوج وحشیگری این رژیم، بمباران شهرها و مناطق مسکونی و مردم نظامی بود. در این اثنائیزوهای ارتش جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی برای مقابله با حملات دشمن دریغ نکردند.

اوج وحشیگری این رژیم، بمباران شهرها و مناطق مسکونی و مردم نظامی بود. در این اثنائیزوهای ارتش جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی برای مقابله با حملات دشمن دریغ نکردند.

اوج وحشیگری این رژیم، بمباران شهرها و مناطق مسکونی و مردم نظامی بود. در این اثنائیزوهای ارتش جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی برای مقابله با حملات دشمن دریغ نکردند.



در پایتخت از موشک‌باران رژیم بعث در امان نیستند.

نیروهای غیور نظامی و ارتشی وارد عمل می‌شوند. آنها تنها ۲۰ روز فرصت دارند تا به تأسیس سایت پدافندی برای مقابله با هواپیمای میگ بمب‌افکن رژیم بعث برسند. این چالش بزرگ با امکانات در دسترس، فقط با معجزه حل می‌شود. امیرسریتب عطالله بازرگان این مسئولیت را بر عهده می‌گیرد و پروژه «شباهنگ» آغاز می‌شود. این داستان، دستمایه ساخت مستندی نیمه‌بلند است که مهدی ملکی ساخت آن را کلید زد.

مستند «بمب‌ها می‌آیند» به کارگردانی مهدی ملکی، اثری ۳۳ دقیقه‌ای است که در هشتمین جشنواره تلویزیونی مستند و پانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش در آمد و جایزه بهترین مستند نیمه بلند از نگاه مردم را در جشنواره عمار کسب کرد. موضوع این مستند به پروژه پدافندی «شباهنگ» در سال ۱۳۶۴ مربوط می‌شود؛ پروژه‌ای که با هدف حفاظت از تهران در برابر حملات هوایی رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی شکل گرفت. مسئول این کارگاه پدافندی بر عهده امیرسریتب عطالله بازرگان بود.

این مستند به یکی از نقاط کمترروایت شده تاریخ دفاع مقدس می‌پردازد و در عین حال از زبان روایتگران اصلی و تصاویر آرشیوی، حس واقعی و ملموسی از شرایط بحرانی آن دوران ارائه می‌دهد.

■ ساختار و روایت مستند

در «بمب‌ها می‌آیند»، روایتگر به صورت بیرونی و با استفاده از مصاحبه‌های افراد کلیدی پروژه، مانند امیرسریتب عطالله، بازرگان و تیم و وی و همچنین نیروهای میدانی پای کار، داستان را پیش می‌برد. روایت خطی و منظم مستند که با ترکیب تصاویر آرشیویی همراه است، کمک می‌کند تا مخاطب حتی بدون آشنایی قبلی با مباحث نظامی، به خوبی مراحل شکلگیری و کارکرد پروژه «شباهنگ» و پدافند هوایی را درک کند.

روایت مستند، علاوه بر پرداخت به جنبه فنی پروژه، وجه انسانی و اراده نیروهای غیور ارتش جمهوری اسلامی ایران را نیز برجسته می‌کند. این امر باعث می‌شود، مستند به اثری فراتر از گزارش صرف

تبدیل شود و حس همدلی و همراهی با نیروهایی که در شرایط دشوار، با توکل دانش فنی از امنیت شهر دفاع کردند را منتقل کند. دقیقاً نکته‌ای که در جنگ ۱۲ روزه نیز به آن نیاز داریم.

استفاده دقیق و هوشمندانه از تصاویر آرشیوی، به‌ویژه فیلم‌های هوایی، فیلم‌های استقرار سامانه پدافندی و صحنه‌های مرتبط با تهدیدات هوایی عراق، به مستند اعتبار تاریخی قابل توجهی می‌بخشد. تصاویر واقعی بمباران‌ها، لحظات آمادبیش نیروهای پدافند و نمایش سامانه‌های دفاع هوایی، مخاطب را درگیر و همراه می‌کنند. این تصاویر سباقا در هیچ مستندی به کار گرفته نشده بود.

■ نیاز به پیوند تاریخی با وضعیت امروز

پیشنهاد می‌شود این ایده برای وضعیت فعلی سامانه‌های پدافندی به‌خصوص در جنگ ۱۲ روزه اخیر نیز اجرا شود. در این جنگ تحمیلی میان ایران و رژیم اسرائیل که به درگیری‌های منطقه‌ای پیچیده‌ای انجامید، اهمیت سامانه‌های دفاع هوایی به شدت برجسته شد. این مقایسه نشان می‌دهد، تلاش و توکل نیروهای نظامی در هر دو دوره (جنگ تحمیلی و امروز) پیوسته و ریشه‌دار است.

اگرچه فناوری و تجهیزات دفاعی در این چند دهه پیشرفت چشمگیری داشته‌اند، روحیه ایثار، دانش فنی و استقامت نیروهای نظامی همچنان جزء مؤلفه‌های اصلی حفظ امنیت کشور به شمار می‌رود. مستند به طور غیرمستقیم به این نکته می‌پردازد که دانش و تجربه، روحیه تعهد، وطن‌دوستی و ایثار نیروهای حافظ امنیت کشور، ستون مهمی برای حفظ امنیت ملی کشور است.

از سنوی دیگر، حس اعتماد مردم به نیروهای نظامی که در مستند از زبان شاهدان، فرماندهان و مسئولان نظام مقدس بازتاب یافته، در شرایط امروز نیز همچنان یک عنصر کلیدی امنیت ملی است. این اعتماد، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات پیچیده و چندوجهی منطقه‌ای، به شکلگیری یک جبهه ملی دفاعی کمک می‌کند.

■ نقش مستند در حفظ حافظه تاریخی

«بمب‌ها می‌آیند» تنها یک روایت از یک پروژه نظامی نیست، بلکه بخشی از حافظه جمعی دفاع مقدس ملت ایران است. در سال‌هایی که بخش عمده‌ای از تولیدات رسانه‌ای به روایت‌های عمومی‌تر یا فیلم‌های داستانی جنگ اختصاص یافته، این مستند با تمرکز بر یک بخش فنی و کمتر شناخته شده، با یک روایت صحیح، گام مهمی در ثبت و انتقال دقیق تاریخ رشادت‌های ملت ایران علیه نیروهای متخاصم بیرونی برداشته است.

این مستند به نسل جدید فرصتی می‌دهد تا با گوشه‌ای از فداکاری‌ها و هوشمندیهای نیروهای نظامی آشنا شوند، موضوعی که در جنگ رسانه‌ای امروز ممکن است کمتر مورد توجه قرار گیرد. در عین حال، این اثر نمونه‌ای از اهمیت استفاده درست از منابع آرشیوی و روایت‌های دست‌اول است که به مستندسازان آینده مسیر روشنی نشان می‌دهد.

■ نیاز جدید

مستند «بمب‌ها می‌آیند» به خوبی توانسته است یکی از بخش‌های کلیدی دفاع هوایی ایران در جنگ تحمیلی را به تصویر بکشد و اهمیت پروژه «شباهنگ» را به عنوان یک نقطه عطف امنیت ملی در بحبوحه جنگ نشان دهد. ساختار روایت، استفاده مؤثر از آرشیو و مصاحبه‌ها، تدوین مناسب، همگی به ایجاد اثری معتبر و تأثیرگذار کمک کرده‌اند. پیوند این مستند با شرایط امروز و تأکید بر تدوام دانش فنی، روحیه توکل و تلاش نیروهای نظامی، آن را از صرف یک روایت تاریخی فراتر برده و به یک درس مهم برای نسل‌های امروز و فردا تبدیل کرده است. این مستند نه تنها تاریخ را ثبت می‌کند، بلکه الهام‌بخش ادامه راهی است که برای حفظ امنیت ملی باید پیموده شود. پیشنهاد می‌شود از ظرفیت روایی جنگ ۱۲ روزه استفاده شود تا جنگ ترمنند پدافندی بین ایران با رژیم منحوس صهیونیستی در قالب مستندهای متعدد و متنوع تولید شده تا ن این برهه از تاریخ درخشان فداکاری‌ها و توانمندی‌های نیروهای جان‌فک دفاع پدافندی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ثبت شود.

حسین فصیحی

در حالی که آمار مرگ عابران پیاده و موتورسواران در تصادفات شهری پایتخت رو به افزایش است، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بر ضرورت «افزایش درک خطر» و تغییر نگاه عمومی نسبت به حوادث رانندگی تأکید می‌کند. سرهنگ رابعه جوانبخت می‌گوید: بسیاری از خانواده‌ها هنوز تصور می‌کنند حادثه فقط عزیزان بر اثر تصادف، واقعیتی است که در اطراف همه ما وجود دارد. به گفته وی، نقاط پر حادثه عابران پیاده در پایتخت شناسایی شده و لازم است در این مناطق بیلبوردهای هشداردهنده و خطوط عابر افزایش یابد و حتی آموزش‌های ویژه به موتورسواران ارائه شود. او بازآموزی مستمر قوانین برای رانندگان و عابران، تکرار پیام‌های ایمنی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و اجرای طرح‌های نظارتی پلیس را نخستین گام‌های جدی برای کاهش طرد می‌داند و تأکید دارد رعایت قوانین و استفاده از گذرگاه‌های ایمن باید به یک عادت همگانی تبدیل شود.



جناب سرهنگ، آنگونه که می‌دانید، راکبان موتورسیکلت و عابران پیاده دو کاربر در معرض خطر راه در جریان سوانح رانندگی هستند که در آن کشته، مجروح یا معلول می‌شوند. باینکه هشدارهای بسیاری درباره فراوانی سوانح برای این دو گروه در معرض خطر داده می‌شود، اما نگرانی‌ها همچنان به قوت خود باقی است. به عنوان رئیس اداره تصادفات پلیس راهور پایتخت، عمده ترین عوامل مؤثر این فراوانی را چه می‌دانید؟

تحلیل‌های سه ماهه امسال ما نشان می‌دهد روند روبه‌افزایش است و این افزایش در هر سه دسته گروه کاربران ترافیکی، یعنی موتورسواران، عابران و خودروسواران مشاهده می‌شود. در سه‌ماهه امسال ۱۰۱ موتورسوار و ۸۱ رهگذر در جریان سوانح رانندگی فوت شدند که ۴۷ درصد موتورسوار و ۳۷ درصد رهگذر بودند. از ۱۰۱ موتورسوار، ۱۶ نفر تر کشین و ۸۵ نفر راکب بودند. عمده رهگذران در مناطق بزرگراهی از جمله بزرگراه آزادگان و مناطقی مثل منطقه ۱۲ که تمرکز بیشتری از جمعیت را شامل می‌شود، فوت می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ۵۶ درصد تصادف‌های فوتی شهر در ساعت‌های تاریک اتفاق می‌افتد که اهمیت روشنایی را نشان می‌دهد و رتبه اول را جمعیت جوان ۲۰ تا ۳۰ سال شامل می‌شود. بخش زیادی از این موضوع به فرهنگ رانندگی بازمی‌گردد که احتیاط‌های لازم در این باره صورت نمی‌گیرد و کاربران راه را مسیرهای امن عبور نمی‌کنند. در مورد عابران پیاده، استفاده از خطوط یا پل‌های عابر پیاده برای کمک به صیانت از جان آنهاست، اما شاهد هستیم که به این موضوع توجه نمی‌شود. بسیاری از عابران تصورشان این است که باید از سوی رانندگان و راکبان دیده شوند، اما حقیقت این است که در بسیاری از موارد دیده نمی‌شوند. بررسی‌های صورت گرفته ما در محته تصادف نشان می‌دهد عمده عابران پیاده لباس تیره به تن دارند و از سوی رانندگان دیده نمی‌شوند؛ از همین‌رو توصیه به استفاده از لباس روشن است یا حداقل بخشی از لباس آنها شبرنگ و انعکس نور وجود داشته باشد. این موضوع‌ها مواردی است که شاید ساده به نظر برسد، اما در تحلیل‌ها منوجه اثر گذاری آن هستیم، به گونه‌ای که رانندگان اعلام می‌کنند اصلا متوجه حضور عابر نشده‌اند و رهگذر به یکباره مقابل خودرو یا موتورسیکلت ظاهر شده و حادثه اتفاق افتاده است. باور نادرست دیگر برخی رهگذران این است که تصور می‌کنند از هر معبری می‌توانند عبور کنند. بسیاری از رهگذران هنگام عبور از عرض بزرگراه‌ها دچار حادثه می‌شوند، در حالی که براساس قانون عبور از عرض این مسیرها ممنوع است. بزرگراه‌ها برای عبور تند طراحی شده‌است و خودروها اجازه دارند در این مسیرها با سرعت بیشتری حرکت کنند، اما بی‌توجهی رهگذران را که از مسیر نرده ای فضای سبز به ناگهان خود را به پستر مسیر می‌رسانند، امکان بروز حادثه را شدت می‌بخشد. روشن است راننده در بزرگراه انتظار حضور عابر را ندارد، از همین‌رو در موقعیت پرخطر قرار می‌گیرد. همچنین شاهد عبور بسیاری از عابران زیر پل‌های عابران پیاده و پل‌های عبورده هستیم. در این موارد، عبور امن برای عابران سخت به نظر می‌رسد و این بی‌توجهی منجر به بروز سانحه می‌شود. اینها موارد پر تکرار از سوی عابران است که امکان تصادف‌ها را افزایش می‌دهد.

این آسیب‌نسیبت به موتورسیکلت‌سواران چگونه است؟

استفاده از موتورسیکلت در پایتخت به‌شدت افزایش پیدا کرده است، خصوصا در شش ماه اول سال که گرمای هوا بیشتر است و استقبال بیشتری از موتور صورت می‌گیرد و به همین نسبت رابطه معکوسی نسبت به استفاده از کلاه ایمنی انجام می‌گیرد. بسیاری از راکبان به‌دلیل گرمای هوا از کلاه ایمنی استفاده نمی‌کنند. براساس گزارش سازمان پزشکی قانونی که به تازگی منتشر شد. ۷۴ درصد از علت فوت قربانیان سوانح رانندگی تهران به‌دلیل ضربه مستقیم به سر است. کالبد شکافی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد بدن‌ها سالم است، اما از ناحیه سر دچار جرحات و خون‌ریزی‌های شدید شده‌اند. براساس این آمار، رتبه اول قربانیان سوانح رانندگی تهران در اختیار موتورسواران است. گروه سنی قربانیان هم بین ۱۷ تا ۲۵ سال است که مهارت‌های لازم رانندگی را کسب نکرده‌اند، اما تا دل‌تان بخواهد از هیجان زیادی برخوردار هستند و مرکب انواع تخلف می‌شوند. بیشترین تصادفات فوتی هم در بزرگراه‌ها در ساعت‌های شب اتفاق می‌افتد که این موضوع برای کل کاربران راه است که از ساعت هشت شب تا حدود ساعت چهار صبح ادامه دارد. در این ساعات کاربران راه با سرعت مطمئنه حرکت نمی‌کنند، خصوصا از ساعت ۱۲ شب به بعد که سرعت‌ها سرسام‌آور می‌شود و هر تصادفی رقم بخورد، تصادف خسارتی یا جرحی ساده نیست. در چنین شرایطی، شدت بر خودروها افزایش چشمگیری پیدا می‌کند و منجر به تصادف فوتی می‌شود. موتورسوارها اکثرا با سرعت‌های خیلی بالا تردد می‌کنند، تغییر مسیرهای ناگهانی می‌دهند، انگار یک بی‌قراری در تردد آنها وجود دارد، به گونه‌ای که دیگر کاربران راه باید مسیر را برای عبور آنها باز کنند و این فرهنگ اشتباهی است که شیوع پیدا کرده است؛ در این گروه بر خطر متأسفانه اصلا درک درستی از واقعیت استفاده از موتورسیکلت وجود ندارد و با ساده‌انگاشتن این موضوع و فقدان مهارت، راهی خیابان می‌شوند و مجموع این تخلفات را انجام می‌دهند. خانواده‌ها باید برابر خواسته فرزندان‌شان برای خرید موتورسیکلت با دقت و مسئولیت بیشتری بر‌خورد کنند. متأسفانه این روزها شاهدیم برخی خانواده‌ها، موتورسیکلت را به‌عنوان هدیه توله برای فرزندان دبیرستانی خود تهیه می‌کنند. این کار بسیار خطرناک است و در حقیقت به معنای آن است که والدین با دادن خود، فرزندان را به سمت خطر سوق می‌دهند. تا زمانی که نوجوانان گواهینامه معتبر نگرفته و مهارت کافی کسب نکرده‌اند، نباید به آنها وسیله‌ای داده شود که نیازمند توانایی کنترل و رعایت دقیق قوانین است. اهدای موتورسیکلت به یک نوجوان کم‌تجربه، در واقع پیش‌قدم شدن برای فرستادن او به سمت سرعت‌های غیرمجاز، حرکات مارپیچ و خطرات جدی خیابان است.

خواهش می‌کنم خانواده‌ها این موضوع را جدی بگیرند و از تکرار چنین اقداماتی پرهیز کنند، چرا که هر لحظه هیجان می‌تواند به بهایی سنگین و غیرقابل جبران تمام شود.

به هر حال بخشی از سوانح مرگبار به‌دلیل خطای محیطی مثل نقص راه یا روشنایی رقم می‌خورد. در این باره هم توضیح دهید.

موضوع مورد اشاره هم از عوامل اثر گذار است. در بسیاری از بزرگراه‌ها از



حمله در مقطعی از بزرگراه آزادگان، خاموشی وجود دارد و تردد رهگذران به هر شکلی که صورت گیرد، از سوی رانندگان دیده نمی‌شود. طبیعی است این روشنایی روی دین و دیدشدن اثر مستقیم دارد و تصادف را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما داریم محل‌هایی که روشنایی و پل در نظر گرفته شده، اما انتخاب کاربران اشتباه است.

این انتخاب اشتباه را ناشی از چه می‌دانید؟

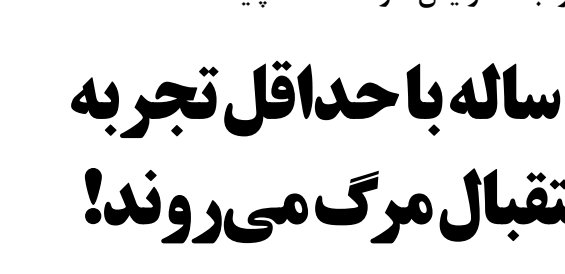
بحث درک خطر در جامعه پایین است. متأسفانه درک خطر، فرآیندی است که روزبه‌روز در جامعه کمرنگ‌تر می‌شود و مردم خطر را هر لحظه به خودشان دورتر و دورتر می‌بینند و سبب می‌شود فرد نتواند در لحظه تصمیم درست بگیرد و فرصت طلایی برای تصمیم‌گیری از دست می‌رود و حادثه اتفاق می‌افتد.

شما همچنین به وجود نقاطی اشاره دارید که احتمال بروز خطر در آن وجود دارد. از جمله بزرگراه آزادگان که به نظر من پر ترددترین و بزرگ‌ترین بزرگراه درون شهری کشور است. روشن است در صورتی که دلایلی محیطی در بروز سانحه مرگبار دخالت داشته باشد، پلیس آن را به نهادهای متولی گزارش می‌دهد. با این حال، برقرار ماندن این نقاط پرخطر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا نهادهای مسئول در این باره هم به همان میزان پاسخگو هستند؟

ما در حوزه اختیارات قانونی‌مان اگر در جایی به این نتیجه برسیم، حادثه پر تکرار است و نقص محیطی موجود اثر گذار است، برای سازمان مورد نظر سهم تقصیر در نظر می‌گیریم و در تعیین علت نامه، دلیل آن متوجه عوامل دیگری غیر از راننده می‌شود و از آنجا به بعد وارد مرحله قضایی می‌شود. تصور می‌کنم پلیس به‌عنوان حاضر در میدان، پاسخ‌ممنظر شما را همواره مطالبه دارد. خیابان‌ها و معابر شهر برای بنده به‌عنوان رئیس اداره تصادفات تهران با دیگر شهر وندان متفاوت است. ما بسیاری از نقاط شهر با تصویر

گفت‌وگوی «جوان» با سرهنگ رابعه جوانبخت، رئیس اداره تصادفات پایتخت

موتورسواران ۱۷ تا ۲۵ ساله با حداقل تجربه و حداکثر هیجان به استقبال مرگ می‌روند!



حوادث دلخراشی که رقم خورده است به یاد می‌آوریم و این یادآوری حکایت از این دارد که اگر موفق شدیم محلی را به گونه‌ای رفع خطر کنیم که دیگر حادثه‌ای در آن تکرار نشود، برای‌مان مطلوب است، ولی به‌رغم تمام تلاش‌هایی که انجام می‌دهیم و انرژی که صرف می‌کنیم، متأسفانه نقاط خطر حاده‌تری وجود دارد که رفع نشده است و همچنان تصادف‌های فوت و جرحی سنگین را در آن شاهد هستیم که این موضوع نازاحت‌کننده است. ای کاش همه سازمان‌ها در قبال مسئولیتی که دارند، به‌درستی به وظایفشان عمل کنند تا از سرمایه انسانی جامعه صیانت شود.

شما به عنوان متخصص امر تصادف به آسیب‌هایی که مدام در حال بروز است، اشاره دارید و به نظر من تا زمانی که اصلاح‌های ساختاری در این زمینه صورت نگیرد، این آسیب‌ها هم به قوت خود باقی است. اصلاحاتی که بر اساس آن موتورسیکلت‌های پرخطر امکان تردد نداشته باشند، از تردد در محل‌های پر تر اکم جلوگیری شود و موضوع‌هایی که امکان بروز خطر را شدت می‌بخشد مورد توجه قرار گیرد، شما این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما در حال حاضر با حجم زیادی از موتورسیکلت مواجه هستیم که رسوبی‌اند و باید اسقاط شوند، ولی شاهد هستیم این اتفاق نمی‌افتد. روشن است اگر قانون در این حوزه اجرایی شود و این آمار از سطح شهر کسر شود، از میزان آسیب‌ها هم کاسته می‌شود.

روشن است پلیس در میدان ایستاده است و نگاه‌های جامعه متوجه پلیس است، نه متوجه ساختاری که در پس ماجرا وجود دارد. به نظر شما در چنین اصلاحات ساختاری، پلیس در کجای ماجرا مسئول است؟

دو میحث در این باره وجود دارد؛ اول اینکه این موضوع یک شبهه اتفاق نمی‌افتد و به یک بازه زمانی نیاز دارد. موضوع دیگر اینکه قائل به شخص نیست. فرهنگ رانندگی، مقوله‌ای پیچیده است که در کشور ما ۲۲ سازمان در آن دخل هستند، اما چهار یا پنج سازمان است که بیشترین تعامل ما با آنها وجود دارد، با این حال آنها هم باید مسئولیت‌های خودشان را انجام دهند. این درست است که پلیس در معرض دآوری جامعه قرار دارد و توقع دارند با هر تخلفی برخورد کنیم. پلیس بنا به وظیفه ذاتی خود مسئول برخورد با تخلف‌هایی است که صورت می‌گیرد و اینس موضوع یکی از مهم‌ترین اقدامات ما شامل می‌شود، اما با یک نگاه عمیق‌تر به این نتیجه می‌رسیم که بحث اعمال قانون برای تذکر و توجه است و قرار نیست یک رویه ثابت، یک روش برخورد و تنها روش برخورد باشد، بلکه جریمه در کل جهان یکی از روش‌های برخورد است. منتها باید ببینیم آیا این بازدارندگی برای افراد مختلف چقدر اثر گذار است. متأسفانه خیلی‌ها می‌گویند اصلا چرا جریمه صورت می‌گیرد؟ روشن است وقتی تخلفی صورت نگیرد، جریمه‌ای هم انجام نمی‌شود. بنابراین ما باید به این سمت حرکت کنیم. حال این موضوع باشد که نباید تخلف عادی‌سازی شود، به گونه‌ای که قبح آن ریخته شود. باید در نظر داشته باشیم که در پس هر تخلف، یک تصمیم و اراده‌ای برای انجام آن وجود دارد. اگر آنگونه عمیق به این موضوع فکر کنیم، شرایط برای اصلاح بهتر می‌شود، اما در جامعه شاهد هستیم که رفتارها، رفتارهای قانونمند نیست، ما اعمال قانون را صورت می‌دهیم و حجم اعمال قانون هم فراینده است، ولی اینکه توقع داشته باشیم پلیس با همه تخلفات برخورد کند، امری محال است. تصور می‌کنم سهم سازمان‌های دیگر این است که از فناوری‌ها و به‌روزرسانی تجهیزاتشان برای فرهنگسازی استفاده کنند. ما سال قبل طرحی اجرا کردیم که در جریان آن سازمان‌ها موظف شدند رفتار ترافیکی کارکنان‌شان را مدیریت کنند. روشن است براینده عمل کردن درست به این رفتارها منجر به بهبود ترافیکی می‌شود، اما دامن این فرایندها رها شود و بار مسئولیت آن تنها

به‌دوش پلیس گذاشته شود، پلیس هم به‌دلیل حجم زیاد مأموریت‌هایش به‌تنهایی نمی‌تواند این موضوع را مدیریت کند. وظیفه آموزش هم مستقیما متوجه پلیس نیست. باید سؤال شود نهادهای آموزشی در این فرایند چه می‌کنند؟ باید برنامه‌ریزی مدونی وجود داشته باشد و هر کس خطر را حس کند و سهم خودش را ادا کند و بازخواست از آنها هم وجود داشته باشد. قرار نیست ما همیشه پاسخگو باشیم که چرا تصادف زیاد شده است؟ چرا اعمال قانون به این شکل صورت می‌گیرد؟ اگر سازمانی باید روشنایی را برقرار کند و نکرده باشد، باید مورد بازخواست قرار گیرد.

شما به برنامه‌ریزی مدون اشاره می‌کنید، بازخواست کردن و ترک عمل‌هایی که مدام در این حوزه صورت می‌گیرد. مشخصا این برنامه‌ریزی و این بازخواست‌ها باید از سوی چه سازمان‌هایی صورت بگیرد؟

من تصور می‌کنم ساختار قضایی می‌تواند در این باره کمک‌کننده باشد، چرا که این بخش مربوط به قانون است و همه ملزم به پاسخگویی مقابل قانون هستند. زمانی که مدبری به‌دلیل ترک عمل احضار می‌شود، این اوج بازدارندگی است. در سایر موارد این روند را به‌صورت تعاملی با برگزاری نشست یا جلسات، فرایند رسیدگی برای حل مشکلات را دنبال می‌کنیم، اما برای درصدی که کار به بن‌بست می‌رسد و هیچ اقدامی برای رفع آن صورت نیست، بحث قضایی و معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه می‌تواند نهادهای افراد را ملزم به اجرای وظایفی کند که شاید آن را فراموش کرده‌اند یا کمتر به آن توجه می‌کنند.

شما همچنین به عادی‌شدن ارتکاب تخلف و ریختن قبح تخلف اشاره دارید. آیا به نظر تان با مشاهده آنچه در خیابان‌ها شاهد هستیم، در حال حاضر در چنین وضعیتی قرار نداریم؟

ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که همه تپیه‌های شخصیتی در آن حضور دارند. برای تپش شخصیت ضداجتماعی، قانون شکن و هنجارشکن که قانون را پذیرا نیستند و زمانی که قانون شکنی می‌کنند لذت می‌برند و دیگران را هم به قانون شکنی تشویق می‌کنند، قبح احترام به قانون ریخته شده است و تخلف یک رفتار مثبت تلقی می‌شود، اما اکثریت جامعه در این زمره قرار نمی‌گیرند. افراد زیادی را داریم که با یک تذکر مرتکب تخلف نمی‌شوند، به نظر ما باید روی این جامعه هدف سرمایه‌گذاری صورت گیرد. در همه جای جهان توجه به اقدام‌های فرهنگی در صدر تلاش‌های صورت گرفته قرار دارد. قبل از اقدامات فرهنگی، ضمانت اجرایی قوانین، یعنی همین بخش اعمال قانون قرار دارد. وقتی متخلف مجبور می‌شود نیچی از درد کم ماهش را برای یک تخلف حادثه‌ساز پرداخت کند، طبیعی است تلاش می‌کند دیگر مرتکب تخلف نشود، چرا که هزینه ارتکاب تخلف بالاست. به نظر من با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، هنوز هزینه بسیاری از تخلفات برای برخی متخلفان پایین است و این هزینه پایین به متخلف تلنگری وارد نمی‌کند که بخواهد به قانون احترام بگذارد و مرتکب تخلف نشود. بر این باورم ما باید نگاه‌مان عمیق و فرهنگی باشد و به این فکر کنیم در پس همه اعدادی که در قبض جریمه در می‌شود، تذکری نهفته باشد و به متخلفان این هشدار را بدهد که تخلف بعدی ممکن است به قیمت جانش تمام شود. این تلنگرها هست، ولی احساس می‌کنم اقدامات فرهنگی‌مان به همان نسبت قوی نبوده است. آنگونه که شاهد بودیم بعد از سال‌ها افزایش بیابغ جریمه‌ها صورت گرفت، ولی شاهد اثر گذاری زیادی که انتظار را داشتیم نبودیم. بنابراین ضرورت دارد این دو موضوع باید با هم رشد کنند، یعنی هم اعمال قانون به‌روزرسانی شود و همزمان اقدام‌های فرهنگی صورت گیرد و به سمت مجازات‌های جایگزین حرکت کنیم، به گونه‌ای که رانندگان متخلف قانون‌گریز را با محرومیت خدمات اجتماعی جریمه‌گرد، ولی تازمانی که این اتفاق صورت نمی‌گیرد و مجازات‌های جایگزین نیست، افراد پاسخگو نیستند و خیلی از تخلفات ارزش تلقی می‌شود.

پلیس در این حوزه طرح پلیس بار را به عنوان یک مجازات جایگزین اجرا کرده است، ارزیابی تان از فرایند صورت گرفته چیست؟

بله این موضوع از موارد مجازات جایگزین بود و جامعه هدف ما موتورسواران جوان بودند که مرتکب تخلف می‌شدند. این دسته از متخلفان با پوشیدن کاور پلیس کابل پلیس قرار می‌گرفتند تا نحوه رفتار پلیس با متخلفان را تجربه کنند. نظرسنجی‌های صورت گرفته حکایت از تأثیرپذیری از رفتار مورد نظر دارد. بسیاری از آنها اعلام کرده‌اند با دشواری‌های پلیس در اجرای مأموریت‌ها آشنا شده‌اند و تصمیم به احترام به قانون گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد دیگر شاهد اجرای این طرح نیستیم.

این طرح در مقطعی اجرا می‌شود، اما به‌صورت گسترده نیست، به هر حال طرح‌های پلیس به‌صورت مستمر با توجه به شرایط جامعه و در فصل‌های متفاوت به‌روزرسانی می‌شود و اثر گذاری خود را هم دارند؛ از همین‌رو باید به سمتی حرکت کنیم که افراد را به تفکر واداریم. اگر پشت هر تصمیمی، تفکری باشد، آن تصمیم درست است.

با توجه به موضوعاتی که مطرح شد، برای کاهش تلفات عابران و موتورسواران چه پیشنهادی دارید که نیاز به همکاری فرابخشی یا شهرداری و رسانه‌ها و وزارت راه و دستگاه‌های مسئول باشد؟

موضوع مورد تأکید بنده، ضرورت افزایش درک خطر در جامعه است. در برخی مناطق شهری سهم بالایی در تصادفات عابران پیاده دارند. در چنین نقاطی لازم است تعداد بیلبوردهای هشداردهنده و خطوط عابر پیاده افزایش یابد. اطلاعات این نقاط تهیه شده و گمان می‌کنم این نیاز است با همکاری پلیس راهور، موتورسواران نیز در آن مناطق آموزش و تذکرهای لازم را دریافت کنند. دین بیلبورد و پیام‌های هشدار، تأثیر زیادی در یادآوری و توجه دارد. فضای مجازی و رسانه‌های جمعی نیز می‌توانند نقش مهمی در این آگاهی‌بخشی ایفا کنند. حتی تیزوینس‌های کوتاه تلویزیونی می‌تواند پیام‌های مؤثری منتقل کند. باید این موضوع در هر خانواده جدی گرفته شود. به هر حال، بسیاری از ما با عزیزی را در اثر تصادف از دست یا به نوعی از این موضوع آسیب دیده‌ایم. زمان آن رسیده که خطر تصادفات را نزدیک به خودمان ببینیم و از تصور اینکه «حادثه» فقط برای دیگران اتفاق می‌افتد، فاصله بگیریم. گام نخست، افزایش درک خطر و آگاهی بخشی عمومی است؛ پس از آن، گام‌های بعدی نیز به‌طور طبیعی شکل خواهد گرفت. در بحث عابران پیاده، باید بازتعریفی از آموزش‌ها انجام شود. مشکل اینجاست که در جامعه ما گمان می‌کنیم یک‌بار آموزش دادن کافی است، در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا، آموزش‌ها و بازآموزی‌ها بارها و به‌شکل مستمر از سوی اجن، ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر نهادهای انجام می‌شود. ما باید این آموزش را در مقاطع مختلف زندگی تکرار کنیم، چرا که شرایط شهری، رفتار رانندگان و عابران و حتی شکل معابر در گذر زمان تغییر می‌کند. اکنون در برخی خیابان‌ها مشاهده می‌کنیم که عابران وسط خیابان تردد می‌کنند، در حالی که پیاده‌روها خالی است. اولین گام، استفاده از مسیرهای ایمن و گذرگاه‌های مشخص است. در تقاطع‌ها، زمانی که چراغ قرمز برای عابر روشن است، عبور بدون توجه به آن می‌تواند منجر به حادثه شود. به‌طور طبیعی، عابران انتظار دارند به قوانین پایبند باشند، عابران نیز باید به قوانین احترام بگذارند. به نظر می‌رسد نیاز جدی به بازآموزی قوانین برای همه وجود دارد. این آموزش‌ها می‌تواند از طریق تلویزیون، رادیو، شبکه‌های اجتماعی و سایر رسانه‌ها به‌شکل مستمر انجام شود. همچنین اجرای طرح‌های نظارتی از سوی پلیس برای اطمینان از رعایت قوانین می‌تواند در کاهش حوادث نقش مؤثری داشته باشد.

«صلابت» حتی در اسارت

به مناسبت سالگرد بازگشت آزادگان به آغوش میهن نگاهی به اسارت زنان در جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ایران داشته‌ایم



شاید شبیه آنچه در «شیار ۱۴۳» اتفاق افتاد و دوربین را از جبهه‌های جنگ و زیر باران توپ و گلوله و آری چی به سمت و سوی خانه‌ها و خانواده‌ها چرخاند تا رنجی را که خانواده شهیدا کشیده‌اند به تصویر بکشد، بخشی از رنج خانواده آزادگان را هم باید فراتر از اردوگاه‌های اسرای ایرانی در عراق به تصویر کشید و پای رنج کسانی نشست که شاید هر روز و هر ثانیه می‌م‌رند و زنده می‌شدند وقتی خبر اسارت عزیزان‌شان را می‌شنیدند؛ آنهایی که انتظارشان اگر چه با امید همراه بود و لاف‌لق خیر داشتند عزیزان‌شان زنده‌اند اما وقتی خبر شهادت برخی از اسرا در اردوگاه‌ها زیر شکنجه نیروهای بعثی منتشر می‌شد، سبیلی از رنج و اضطراب را به وجودشان می‌ریخت. مادران و همسرانی که سال‌ها چشم‌انتظار چند خط نامه تنها فرزندان‌شان را بزرگ کردند و با مصیبت نبود عزیزان‌شان کنار آمدند تا اینکه سرانجام در ۲۶ مرداد ماه سال ۱۳۶۹ نخستین گروه از اسرای کشورمان پس از سال‌ها اسارت در زندان‌ها و اسارت‌نگاه‌های رژیم بعث عراق، قدم به خاک پاک ایران گذاشتند، اما حکایت اسرا و زنان تنها به همسران و مادران، خواهران و دختران اسرای مرد کشورمان منتهی نمی‌شد. در میان افراد اسیر شدگان ایرانی در زندان‌ها و اردوگاه‌های رژیم بعث عراق زنان و دختران ایرانی هم بودند؛ اسرایی که شاید تعدادشان به اندازه تعداد اسرای مرد زیاد نبود اما روایت رنج و عذاب‌شان در اردوگاه‌های رژیم بعثی روایتی دیگر از صلابت و نجابت شیر زنان ایران زمین است.

روز ۲۶ مرداد در تقویم ایران به عنوان «روز بازگشت آزادگان» شناخته می‌شود. این روز یادآور بازگشت اولین گروه از اسرای ایرانی از جنگ تحمیلی به کشور در سال ۱۳۶۹ است.

ایران در سه مقطع، اقدام به بازگرداندن اسرای عراقی کرد. در سال ۱۳۶۰ تادی ۱۳۶۸، در ۲۳ مردحله،هزارو ۳۴۲ اسیر نظامی عراقی بازگردانده شدند. در تبادل بزرگ، از ۲۷ مرداد تا ۲۶ شهریور ۱۳۶۹، ایران ۳۷هزارو ۹۰۰ اسیر عراقی را در ۴۲ مرحله تحویل داد.

بازگشت آزادگان ایرانی در سه مرحله از ۲۶ خرداد ۱۳۶۰ آغاز تا ۲۶ اسفند ۱۳۸۱ ادامه یافت و طی آن، ۳۹هزارو ۱۴۰ نفر در ۷۸ مرحله به کشور بازگشتند، اما نقطه عطف این روند، تبادل بزرگ اسرا در مرداد ۱۳۶۹ بود؛ زمانی که صدام طی شش نامه پیاپی، اعلام کرد شرایط ایران برای صلح را پذیرفته و قصد دارد اسرای ایرانی را آزاد کند.

در روز ۲۶ مرداد، مقامات ایرانی به قصر شیرین اعزام شدند و در جلسه‌ای با حضور نمایندگان سپاه، ارتش، وزارت اطلاعات و هلال احمر، جزئیات تبادل بررسی شد. ۳۶ دستگاه اتوبوس برای انتقال آزادگان تدارک دیده شد. پس از عبور از منطقه مین‌گذاری شده پل خیر ناصر خان و حضور نمایندگان صلیب سرخ، اولین گروه از آزاداه ایرانی تحویل گرفته شد. این افراد در شرایط بسیار سختی، زیر آفتاب سوزان، منتظر آزادی بودند. نمایندگان صلیب سرخ مطابق روال، با هر فرد بدون حضور ناظر عراقی گفت‌وگو کردند تا از رضایت آنان برای بازگشت اطمینان حاصل شود.

در مجموع، از ۲۶ مرداد تا ۲۴ شهریور ۱۳۶۹ در ۴۲ مرحله، ۳۷هزارو ۵۳۲ نفر آزادگان شدند. از این تعداد، فقط ۱۷هزارو ۲۱۹ نفر از سوی صلیب سرخ ثبت شده بودند و بیش از ۲۰هزار نفر دیگر تا آن زمان مفقودالائز محسوب می‌شدند.

در مجموع، ایران در طول جنگ ۳۹هزارو ۱۴۰ اسیر داشت که ۸هزارو ۵۲۴ نفر از آنان از سوی صلیب سرخ ثبت شده بودند و ۲۰هزارو ۶۰۴ نفر مفقود محسوب می‌شدند. در میان آزادگان، ۲۳ زن نیز حضور داشتند که در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۲ آزاد شدند.

طبق آمار بنیاد شهید شمار شهدای زن ایرانی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) ۴هزارو ۴۲۰ نفر بوده است. همچنین تعداد زنان معلول جنگی را ۷۱۰ تن و تعداد زنانی که به اسارت نیروهای عراقی درآمده‌اند ۷۱ نفر بوده است.

روایت اسارت زنان در جنگ روایت سختی است، همچنانکه می‌توان در کتاب «من زنده‌ام» خاطرات اسارت معصومه آباد این سختی را با تمام وجود لمس کرد. سختی اسارت نه فقط برای زنان اسیر که برای مردانی که با آنها در یک اردوگاه بوده‌اند نیز شاید حتی سخت‌تر بوده است؛ مردانی که می‌دیدند خواهران هموطن‌شان در دست دژخیمان بعثی اسیر شده‌اند و هزارویک دل‌نگرانی داشتند، آن هم در شرایطی که خودشان هم دست‌شان بسته و پای‌شان زنجیر بود.

علی‌محمد احدی از آزادگان دوران دفاع مقدس درباره زنان اسیر توضیح می‌دهد: زنانی که در اسارت عراقی‌ها بودند به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول افرادی هستند که ساکن مرزها بودند. زنانی از خانواده‌های روستائیشان مرزی که عراقی‌ها برخی از آنها را به پشت خط منتقل کردند و تا پایان جنگ در روستاهای امنی در مناطق مرزی عراق با ایران بودند و عراقی‌ها مراقب آنها بودند. برخی از این مرزنشینان نیز جابه‌جا نشدند یا اگر جابه‌جا شدند به روستاهایی امن در همان حوالی رفتند، اما هیچ‌گاه به اردوگاه‌های نظامی منتقل نشدند.

اوایل جنگ، ساکنان شهرهایی که اشغال شدند، در جاده

خرمشهر- آبادان و خرمشهر- اهواز، سوسنگرد و نیز سایر مناطق مرزی کشور، به‌صورت خانوادگی و در حال کوچ از محل سکونت خود، اسیر شدند، اما به دلیل اینکه دوران اسارت آنها کمتر از شش ماه بود، طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی، آزاده تلقی نشدند. این افراد در همان سال ۱۳۵۹ نیز آزاد شدند. صلیب سرخ نیز اقدام به مبادله آنها کرد و مقامات عالی‌رتبه نظامی از آنها استقبال کردند. برخی از این اسرای خانوادگی را در اردوگاه موصل ۱ نگه داشتند و بعد از مدتی آزاد شدند. این گروه حدود ۹۲ نفر بودند. گروه سوم نیز شمسی بهرامی، معصومه آباد، حلیمه از موده و فاطمه ناهیدی چهار زن اسیر ایرانی بودند که به دست نیروهای عراقی اسیر شدند. خدیجه میرشکار نیز به همراه همسرش به اسارت درآمد. این افراد مدتی در استخبارات عراق، ایوغریب و موصل بودند که جزئیات آن در خاطرات آنها آمده است. چهار زن اسیر ایرانی ابتدا در اردوگاه موصل ۱ بودند و بعد به اردوگاه‌البتار رفتند و بعد از حدود چهار سال به ایران منتقل شدند.



روایت اسارت زنان در جنگ روایت سختی است، همچنانکه می‌توان در کتاب «من زنده‌ام» خاطرات اسارت معصومه آباد این سختی را با تمام وجود لمس کرد. سختی اسارت نه فقط برای زنان اسیر که برای مردانی که با آنها در یک اردوگاه بوده‌اند نیز شاید حتی سخت‌تر بوده است؛ مردانی که می‌دیدند خواهران هموطن‌شان در دست دژخیمان بعثی اسیر شده‌اند و هزارویک دل‌نگرانی داشتند، آن هم در شرایطی که خودشان هم دست‌شان بسته و پای‌شان زنجیر بود

■ **فاطمه ناهیدی** «از امدادگری تا اسارت



فاطمه ناهیدی تنها زنی بود که نیروهای عراقی او را در خط مقدم به اسارت در آوردند. او اولین زنی بود که با شروع جنگ تحمیلی در قالب یک گروه امدادی داوطلبانه به جبهه‌های جنوب اعزام شد. ایلام سرپل ذهاب، گیلان غرب و خرمشهر از جمله مناطقی بود که او در اوایل روزهای جنگ در آنجاها حضور داشت و اسور درمانی و امدادی مردم جنگ‌زده و زخمندگان را انجام می‌داد.

خانم ناهیدی ۲۰مهر ۱۳۵۹ در یکی از خطوط مقدم خرمشهر

نزدیک شلمچه حین انتقال مجروحان و شهدا به همراه یک تیم پزشکی به دست نیروهای بعث اسیر می‌شود و حدود چهار سال در عراق بوده است.

خانم ناهیدی خودش درباره اینکه چطور شد از جبهه و خط مقدم سردر آورد، اینگونه توضیح می‌دهد: «زمانی که جنگ شد، به تهران آمدم و به پدرم گفتم که می‌خواهم به مناطق جنگی بروم. سعی کردم توجیه‌شان کنم. گفتم که پسران به کردستان رفته و جوانان مردم هم در آن مناطق هستند. در همان جلسه دایام به من گفت: تو چه کار داری به مناطق جنگی؟ در بیمارستان‌ها خیلی مشکلات بیشتر است. تو یک ماما هستی و با زنان باردار سروکار داری. گفتم: من هیچ کاری نتوانم بکنم، حداقل می‌توانم یک ترکش را پاستمان کنم و بخیه بزنم و کمترین کاری که می‌توانم بکنم تی کشیدن است. بعد از اینکه خیلی با آنها صحبت کردم، در نهایت پدرم گفتم: من تنها به خدا می‌سپارم. این کلام پدرم بعدها در تمام طول مدت اسارت، در گوش من بود و هر جا که اتفاقی می‌خواست بیفتد بلافاصله این پشتوانه دعای پدر را داشتم.»

وی همچنین می‌گوید: «من زمانی که اسیر شدم حدود ۲۳سال داشتم. ما چهار دختر اسیر نگرانی بسیاری داشتیم. نگرانی ما تنها مرگ و شهادت- که نگرانی یک اسیر مرد است- نبود. زمانی که مرا در خط مقدم گرفتند، در چاله زباله‌ای انداختند که تنها جای نشستن یک نفر بود و می‌خواستند با ایجاد ترس و وحشت از من اطلاعات بگیرند.»

خاطرات فاطمه ناهیدی از دوران اسارت در سال ۱۳۸۱ در مؤسسه روایت فتح به قلم مریم میرادان گردآوری و در مجموعه دوره درهای بسته، کتاب دوم به چاپ رسید. «چشم در چشم آنان» کتاب دیگری است که با قلم مریم شاکتی به خاطرات دوران اسارت خانم ناهیدی پرداخته است. این کتاب در سال ۱۳۷۵ در انتشارات حوزه هنری چاپ و راهی بازار کتاب شده است.

■ **معصومه آباد** «هنوز زنده است!



معصومه آباد، یکی از زنان آزاده است که بیشتر به واسطه انتشار کتاب زندگی‌نامه‌اش در دوران اسارت با عنوان «من زنده‌ام» و بعدها حضور در شورای شهر تهران شناخته شده است. او ۱۴شهریور ۱۳۴۱ در محله کارگری پیروزآباد آبادان به دنیا آمد. پدرش، طالب، کارگر شرکت نفت بود. تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان مهستی، دوره راهنمایی را در مدرسه شهرزاد و دوران دبیرستان خود را در دبیرستان دکتر مصدق آبادان گذراند. در تاریخ ۲۳مهر ۱۳۵۹، هنگام بازگشت از شیراز، در جاده ماهشهر- آبادان همراه با شمسی بهرامی به اسارت نیروهای عراقی درآمد. روز بعد، آن دو را به تنومه بردند و در اتاقی زندانی کردند. فاطمه ناهیدی دیگر اسیر ایرانی در آن اتاق زندانی بود. روز ۲۶مهر حلیمه از موده هم به جمع سه نفری

آنها اضافه شد. آنها را به زندان الرشید بغداد بردند و مورد بازجویی قرار دادند. معصومه آباد بعد از سه سال و چهار ماه اسارت در بهمن ۱۳۶۲ به همراه سه زن دیگر، از طریق صلیب سرخ جهانی به ایران برگردانده شد. آباد درباره شرایطش در اسارت می‌گوید: «به یاد دارم نامه‌هایی که سریع به ایران اعزام می‌شد، نامه‌هایی بود که عراقی‌ها بالای سرمان می‌ایستادند و می‌گفتند فقط دو کلام. بعد از ۲۱روز اعتصاب غذا نامه‌ها را داده بودند و من نمی‌دانستم مفهوم دو کلمه نوشتند چیست و چه باید بنویسم! صلیب سرخ هم بالای سرم تکرار می‌کرد دو کلمه و من باید با دو کلمه تمام روزهای سخت و ماجرا را بگویم. پرسیدم این نامه‌ها با دست چه کسی می‌رسد؟ گفتند خانواده، ولی من خانه نداشتم، گفتم خانه‌ای ندارم و در جنگ آن را از دست داده‌ام، بعد فکر کردم نامه باید به دست کسی برسد که مطمئن شود که این من هستم که نامه را نوشتم، بنابراین رمزی که بین من و برادرم بود، یعنی «من زنده‌ام» را روی کاغذ نوشتم.»

خاطرات خانم آباد از دوران اسارت در قالب کتاب «من زنده‌ام» از سوی انتشارات بروج راهی بازار نشر شده است.

■ **شمسی بهرامی** «اسارت در جاده ماهشهر - آبادان



شمسی بهرامی، از دیگر زنان آزاده دوران دفاع مقدس است. خانم بهرامی که در زمان اسارت هنوز ۲۰ سالش هم نبود، در ۲۵ آذر ۱۳۳۸ در محله کارگری در آبادان به دنیا آمد. بین پنج برادر و چهار خواهر، او فرزند هفتم خانواده بود. پدرش، امید بهرامی، کارگر شرکت نفت بود. دوره تحصیلی ابتدایی را در دبستان بهمن و راهنمایی و دبیرستان را در دبیرستان فردوسی آبادان گذراند. سال سوم دبیرستان بود که زمزمه‌های انقلاب را شنید و همپای معترضان در تجمعات و تظاهرات‌ها شرکت کرد. بعد از انقلاب هم از فعالان اجتماعی بود.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به‌عنوان نماینده فرماندار آبادان، مسئول تهیه گزارش و برآورد میزان خسارات وارده به مناطق بمباران شده شد. در ۲۳مهرماه ۱۳۵۹، بعد از خرمی سه‌روزه، هنگام عزیمت از شیراز به آبادان، در جاده ماهشهر- آبادان، همراه معصومه آباد به اسارت نیروهای دشمن درآمد. خانم بهرامی از حال و هوای روزهای اسارت اینگونه روایت می‌کند: «اینطور نبود که ما یک گوشه نشسته باشیم و زانوی غم بغل گرفته باشیم، فقط در لحظات سختی بود که بی‌تاب می‌شدیم. نوری که خداوند در دل‌های‌مان به ودیعه گذاشته بود و احساسی که به خداوند داشتیم در این لحظات آرام‌بخش دل‌های‌مان و دعا و نماز، انیس تنهایی‌مان بود و تا می‌توانستیم خود را از نظر روحی تقویت می‌کردیم و یاد خداوند و احساس مسئولیتی که در قبال عهدمان با امام داشتیم به ما روحیه می‌داد و با خود می‌گفتم ما با امام عهد بسته‌ایم و باید به این عهد وفادار باشیم.»

او در بهمن ۱۳۶۲ به همراه سه دختر دیگر از طریق صلیب سرخ جهانی به ایران بازگردانده شد.

■ **خدیجه میرشکار** «اسیر شماره ۰۳۳۹»



داستان زندگی خدیجه میرشکار، یکی دیگر از اسرای زن در دوران دفاع مقدس هم شنیدنی است. او اول فروردین ۱۳۳۷ در خیابان فرهنگ شهر پستان در خوزستان به دنیا آمد. در دوران انقلاب اسلامی، میرشکار مسئول فرهنگی واحد خواهران حسینیه حاجی میرشکار شد. خبر تحرکات عراق را در مرز از همسرش شنید. در روزهایی که به علت بحرانی شدن شرایط جنگی، بسیاری از شهرهای استان خوزستان یکی پس از دیگری خالی از سکنه می‌شدند، خدیجه میرشکار که نمی‌خواست همسرش را در دفاع از خاک میهن تنها بگذارد، در شهر سوسنگرد می‌ماند و در برابر دشمن مقاومت می‌کند؛ مقاومتی که در نهایت برای این بانو اسارت و برای همسرش شهادت را رقم می‌زند.

او به همراه همسرش، حبیب شریفی (فرمانده وقت سپاه سوسنگرد)، هفتم مهرماه ۱۳۵۹ سوسنگرد را به قصد اهواز ترک کردند. اما حدود پنج کیلومتر در جاده سوسنگرد- اهواز پیش رفته بودند که به دست نیروهای عراقی به اسارت درآمدند. وقتی آمبولانس به بیمارستان العماره رسید، حبیب شهید شد، بعد از سه ماه، در اواخر دی‌ماه ۱۳۵۹ او را به اردوگاه موصل ۱ بردند که با تعدادی از زن‌های ایرانی هم‌بند شد. حدود ۲۰ زن خرمشهری آنجا بودند. سرانجام بعد از مدت‌ها اسارت، خدیجه میرشکار در فروردین ۱۳۶۱ به ایران برمی‌گردد. خاطرات خدیجه میرشکار در کتاب‌های «اسیر شماره ۰۳۳۹» و «تا نیمه راه» منتشر شده است.

آداب تربیت کودک در دنیای امروز

تربیت واژه‌ای است نیازمند بازتولید و نگاهی عمیق، اگر بخواهیم این کلمه را درست معنا کنیم، باید بدانیم ریشه آن چیست و چگونه می‌توان به حقیقت آن پی برد؟

ریشه این کلمه رب و معنای آن بزرگ کردن، رشد دادن و مستقر و پایدار کردن است.

خداوند نیز به صفت رب خوانده می‌شود چراکه در حال پرورش و خدایی کردن بر عالم هستی است.

تربیت کودک، یعنی مربی بتواند کودک را به روشی کودکانه رشد و نمو دهد و استعدادهای ذاتی او را خداگونه بارور کند.

ابتدا باید سراغ این مسئله رفت که تربیت در دنیای امروز با گذشته چه تفاوتی پیدا کرده است؟ این تفاوت از کجا نشئت می‌گیرد؟ و چگونه می‌توان در عصر حاضر با وجود تفاوت‌ها تربیت درست و اصولی داشت؟

در گذشته درست‌زمان مکتبخانه‌ها پدر کودک را به دست استادی می‌سپرد و آن کودک به کمک استاد خود قرآن، نهج‌البلاغه، حافظ و شاهنامه و دیگر کتب اصیل دینی را کسب می‌کرد. کودک از همان ابتدا مرید استاد خود می‌شد و طی طریق می‌کرد.

اینگونه بود که خواجه نصیر‌ها، بوعلی سینا، شهریار و اخوان ثالث و دیگر اندیشمندان عرصه علم و هنر تربیت شدند و آوازه آنها در جهان پیچید.

این شیوه تربیتی ادامه داشت تا حکومت قاجار و پهلوی، نظام مکتبخانه‌ای تغییر کرد و راه توسعه و ترقی با الگوگیری از نظریه‌های غربی طی شد.

نظام آموزشی تغییر و تحول پیدا کرد سبک زندگی غربی جایگزین شد.

مربی دیروز که می‌توانست از کودک دانشمند و فرهیخته‌ای جهانی بسازد، حال با کست و کراوات نظریه‌های غربی را به زبان کود کانه به او آموزش می‌داد!

با روی کار آمدن انقلاب اسلامی این نظام آموزشی تا حدودی تغییر کرد اما نه به صورت زیرساخت منسجم و اصولی بر اساس مبانی و ارزش‌های ایرانی- اسلامی.

چند سال بعد از انقلاب سیستم آموزش از نظر سطحی دینی شد اما قالب همان بود؛ قالبی بر اساس مفاهیم غربی. در این میان نباید تلاش جبهه فرهنگی یادیده گرفت، وجود دغدغه‌مندان تربیت و علوم انسانی توانسته بود قسمتی از این مشکل را حل کند.

اما باز هم این حقیقت را نمی‌توان نادیده گرفت که تدوین کتب درسی و آموزشی و قالب محتوای دانشگاهی برای دانش‌آموز و دانشجوی امروز هنوز رنگ و بوی اندیشمندان غربی را دارد و با وجود مطالبه رهبری این مهم به قوت خود باقی است.

حال برویم سراغ مربی عصر حاضر؛ مربی‌ای که با دانش‌آموزی متفاوت از سال‌های ۵۰ و ۶۰ روبه‌رو است.

با رنسانس و انقلاب صنعتی در غرب نظریات اندیشمندان و فلاسفه غربی در کشورهای در حال توسعه روز به روز بیشتر نمود پیدا کرد، به طوری که توانست رنگ و سبک زندگی کشورهای مسلمان را در خود حل کند و رنگ غربی به آنها بدهد.

کشور ما هم از این توطئه و فریب‌ایمن نبوده و تغییر سبک زندگی در خانواده‌امروزی کاملاً مشهود است.

کودک امروزی از بدو تولد با تکنولوژی یا به دنیا می‌گذارد، با مشکلات جدید این عصر آشنا می‌شود، طعم تنهایی را بیشتر از کودک گذشته می‌چشد و همبازی‌های مجازی او دنیایش را پر می‌کنند. بماند که تغییر شکل خانواده‌ها به مشکلی بیشتر بر دوش کودک قرار می‌دهد؛ طعم نبود یکی از والدین کودکی که با مادر یا پدر مجرد خود متفاوت از همسالانش بزرگ می‌شود، از خواهر و برادر محروم است و با مهد و مدرسه خوی می‌گیرد و تربیت می‌شود.

انواع فرهنگ‌های کرای، اروپایی و شکل زندگی آنها بسر زندگی‌اش اثر می‌گذارد.

این کودک همان امکانات را دارد و اگر نداشته باشد می‌داند که باید کار کند و پولدار شود تا به رفاه محض در دنیا برسد. انواع لذت‌ها را می‌چشد و روحتش با موسیقی عجیب شده است.

چنین کودکی که در مادیّت و فردیت بزرگ می‌شود، حال مربی می‌خواهد مفاهیم دینی و انسان‌شناسی را به او بیاموزد؛ مفاهیمی که غالباً به جمع‌گرایی و معنا اشاره دارد.

مربی حقیقی می‌داند در این برهه اصل تربیت ایمان اوست، از این جهت باید خود را به سیر تقوا و قلبی مؤمن مجهز کند تا بتواند بار امانت الهی را به دوش کشد.

او با مدد الهی در این راه پرفراز و نشیب گام برمی‌دارد و می‌داند باید سلاح علم به همراه داشته باشد تا فطرت متربیان خود را بیدار کند.

مربی، کودک زندگی ماشینی را می‌شناسد که چگونه تشنه معنویت است.

می‌داند سؤالات حیاتی که در نوجوانی با آن روبه‌رو خواهد شد باید از کودکی چیدمان ذهن و قلبش را شکل دهد تا بتواند در بزرگسالی از دنیای پرنرج به این معنویت پناهنده شود.

مربی دنیای امروز کاری بس شگرف و بزرگ در پیش دارد؛ باید پیامبر گونه عمل کند و با عبادی موسای خود معجزه‌ها کند.

سلاح او چیست؟ چگونه می‌تواند به جنگ طواغیت برود که حتی کودکان را به بردگی خود درآورده‌اند؟

جداى از ایمان و تقوا باید به علم روز مجهز شود، به قلم و فن سخنوری. باید قصه، بازی و شعر، همه مفاهیم فطری را با قالب هنری بیان کند.

دنیای زیبای دیگری را برای کودک نمایش دهد تا کودک بداند تمام نمایش‌ها، انیمیشن‌ها و بازی‌ها همه برای سرگرم کردن او برای به بردگی کشیدنش هستند، بفهمد باید به دامن مساجد و هیئات و خانه‌های فرهنگی پناه ببرد.

از ابلیس، آن دشمن قسم‌خورده ابدی و دست‌نشانده‌هایش، اسرائیل و امریکا با لحن کودکانه، کودک را ششیر فهم کند که دشمن درست پشت درهای خانات است و همچون گرگ قصه شنگول و منگول تور را با دندان‌های برهنه‌اش می‌رد، البته مرسى می‌داند قلب کودک ملامالاً از عشق است و ناباور از کینه دشمن، با بازی‌های کوچک به او جنگیدن را بیاموزد.

در مدارس نیز همین شیوه را معلم باید اجرایی کند. متأسفانه ما تعلیم را از پرورش جدا و چه بد کرده‌ایم؟!

چگونه می‌شود این دو را از هم جدا کرد، در صورتی که پیامبر خاتم(ص) رسالتش همین دو بوده است.

یعلّمهم الکتاب و الحکمه که در آیه دوم سوره جمعه و همینطور در آیات دیگر هم آمده نشان از لازم و ملزوم بودن این دو باهم است.

معلم هم آموزش می‌دهد و هم مربی است، نمی‌شود معلم پرورشی را با معلم آموزشی جدا کرد و این نیز یکی از اشکالات سیستم آموزشی ماست.

در آخر کودک امروز را در پاییم که او همچون زمینی تشنه دنبال آب حیات می‌گردد.



دور همی با هم فکران پشت در های بسته!

آنچه «سی و پنجمین نشست هماهنگی ارکان اطلاع رسانی دولت» نامیده می‌شود، شنبه ۲۵ دامادما به حضور معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور برگزار شد، این نشست اگرچه به ظاهر فرصتی برای تبیین اقدامات دولت چهاردهم با استناد به شاخص‌های کلان در یک سال گذشته محسوب می‌شد، در عمل تصویری روشن از ضعف‌ها و محدودیت‌های اطلاع‌رسانی این سازمان ارائه کرد. رویدادی که می‌توانست نقطه عطفی در مسیر شفافیت و تعامل با رسانه و افکار عمومی باشد اما بیش از آنکه محملی برای پاسخگویی و انتشار اطلاعات باشد، به دور همی محدود میان مدیران و هم‌فکران تبدیل شد. سخنرانی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، با تمرکز بر پروژه‌های عمرانی و طرح‌های پیشران، بار دیگر نشان داد نگاه غالب در این سازمان هنوز سنتی و بسته است، نگاهی که داده‌ها را برای ارائه به جمع محدودی از مسئولان آماده می‌کند و نه برای تحلیل مستقل عمومی.

یکی از مشکلات اساسی، فقدان تعامل واقعی با رسانه‌ها بود. حضور چند مدیر رسانه‌ای و دست‌اندر کار اطلاع‌رسانی اگرچه ظاهراً نشانه تلاش برای شفافیت است اما واقعیت این است که سازمان برنامه و بودجه فاقد راهبرد مدون و حرفه‌ای برای ارتباط مستمر و دوسویه با افکار عمومی است. داده‌ها و شاخص‌های کلان، حتی اگر موجود باشند، پیش از نشست در دسترس رسانه‌ها و تحلیلگران قرار نگرفته بود و این محدودیت باعث شد نشست بیشتر شبیه جلسه داخلی مدیران شود تا فضایی برای اطلاع‌رسانی عمومی و تحلیل مستقل.

در حوزه تخصصی نیز ضعف‌ها مشهود است. پروژه‌های عمرانی و طرح‌های کلان که در یک سال گذشته در دستور کار بوده‌اند، از نظر شفافیت در دسترس عموم نیستند. گزارش‌ها و داده‌های مرتبط با روند پیشرفت، تخصیص بودجه و زمان‌بندی پروژه‌ها نه در سایت رسمی سازمان و نه در قالب گزارش‌های قابل استاندارد رسانه‌ای منتشر نمی‌شوند و این موجب می‌شود تحلیلگران اقتصادی و کارشناسان نتوانند تصویر واقعی از اثرگذاری پروژه‌ها بر اقتصاد کلان و زندگی مردم ارائه کنند. این خلأها نشان می‌دهد، سازمان برنامه و بودجه در اطلاع‌رسانی، هنوز محدود به گزارش‌های داخلی و یک‌سویه است و جریان آزاد و شفاف اطلاعات برقرار نشده است.

مشکل دیگر نشست، تمرکز صرف بر دستوردهای کمی و نادیده گرفتن تحلیل کیفیتی اقدامات بود. ارائه شاخص‌ها و آمار بدون توضیح درباره چالش‌ها، موانع اجرایی، نقاط قوت و ضعف سیاست‌ها، گزارش سازمان را نیمه‌کاره و یک‌طرفه جلوه می‌دهد. در شرایطی که افکار عمومی و رسانه‌ها به تحلیل دقیق و داده‌محور نیاز دارند، ارائه صرفاً دستوردهای عددی نه تنها شفافیت ایجاد نمی‌کند، بلکه بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد.

از منظر فنی، سازمانی که مسئول طراحی و اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی و بودجه‌ای کشور است، باید زیرساخت‌های مستحکمی برای انتشار داده‌های رسمی داشته باشد، از پایگاه داده‌های قابل جست‌وجو گرفته تا داشبوردهای شاخص‌های کلان و گزارش‌های دوره‌ای با استانداردهای روز. نبود چنین زیرساختی، به ویژه در مواجهه با رسانه‌ها و پژوهشگران مستقل، موجب می‌شود اطلاع‌رسانی جزیره‌ای و محدود باشد و اطلاعات تنها در اختیار افراد خاص باقی بماند، در حالی که نقد و ارزیابی عمومی جای خود را به شایعه و برداشت‌های غیررسمی می‌دهد.

ضعف دیگر نشست، نبود شفافیت درباره اقدامات پیش‌رو و پروژه‌های در دست اجرا بود. گزارش ارائه‌شده عمدتاً به مرور یک سال گذشته محدود شد و تنها به شکل گزاره‌ها بر پروژه‌های آینده اشاره شد. برای سازمانی که باید پاسخگوی پیشرفت آینده‌نگر و پی‌بشی‌شده یک نقص جدی است؛ رسانه و افکار عمومی حق دارند بدانند چه پروژه‌هایی در دست اجرا هستند و چگونه بودجه و منابع تخصیص یافته با اهداف و اثرگذاری آنها تناسب دارد.

در نگاه رسانه‌ای و تحلیلی، نحوه برگزاری نشست و محتوای ارائه‌شده رهنده فقدان فرهنگ تعامل دوسویه است. جلسات اطلاع‌رسانی نباید محدود به ارائه گزارش به مدیران و سخنرانان اصلی باشد، بلکه باید شامل پرسش و پاسخ، تحلیل مستقل داده‌ها و تعامل واقعی با خبرنگاران و کارشناسان باشد. محدودیت‌های ایجاد شده در این نشست، چه از نظر زمان و چه دسترسی به داده‌ها، این هدف را ناکام گذاشت و نشان داد سازمان برنامه و بودجه هنوز به یک نهاد پاسخگو و شفاف تبدیل نشده است.

اگرچه سازمان برنامه و بودجه مسئولیت حیاتی در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی و عمرانی کشور دارد، ضعف‌های ساختاری در اطلاع‌رسانی، عدم انتشار داده‌های مستند و قابل استناد و تمرکز بر ارائه گزارش‌های عددی بدون تحلیل کیفی، نشان می‌دهد این نهاد هنوز فاصله زیادی تا شفافیت واقعی دارد. نشست‌هایی مانند سی و پنجمین نشست هماهنگی ارکان اطلاع‌رسانی دولت، به جای اینکه پلی برای تعامل با رسانه و افکار عمومی باشند، بیشتر به دور همی پشت درهای بسته میان مدیران و هم‌فکران محدود شبیه هستند و افکار عمومی را در انتظار اطلاعات می‌گذارند. تنها با ایجاد زیرساخت‌های انتشار داده‌ها، گزارش‌های تحلیل‌محور و تعامل واقعی با رسانه‌ها و کارشناسان مستقل است که سازمان برنامه و بودجه می‌تواند به شفافیت و اعتماد عمومی دست یابد.

جهان اقتصاد، این روزها صحنه تقابل دور وایت است؛ روایتی از کاهش شتاب تورم و روایتی دیگر از تداوم گرانی در سبید تولیدکننده و در نهایت مصرف‌کننده. تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران درباره شاخص قیمت تولیدکننده بخش «زراعت، باغداری و دامداری سنتی» در خرداد ۱۴۰۴ پرده از این تناقض ظاهری برمی‌دارد. این گزارش نشان می‌دهد اگرچه تورم سالانه این بخش نسبت به ماه قبل اندکی فروکش کرده و از ۳۰/۱ به ۲۹/۴ درصد رسیده است اما تورم نقطه به نقطه همچنان پر قدرت پیش می‌رود و با ثبت رقم ۲۵/۲ درصد، نسبت به ماه پیش خود حتی افزایش نیز نشان داده است. به بیان ساده، هزینه تولید محصولات کشاورزی و دامی در خرداد امسال همچنان بالاتر از خرداد پارسال است، هرچند سرعت رشد سالانه آن اندکی آرام گرفته باشد. در میان گروه‌های مختلف، سبزیجات و حبوبات رکورددار گرانی سالانه و سایر محصولات زراعی رکورددار گرانی نقطه‌ای بوده‌اند. در حالی که غلات و پرورش گوسفند و بره سنتی کمترین افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند. این تفاوت‌ها، همزمان چهره پیچیده تورم در کشاورزی را به نمایش می‌گذارند و چشم‌اندازی از مسیر آینده قیمت‌ها ترسیم می‌کنند.

■ ■ ■

تورم در کشورمان سال‌هاست میهمان ناخوانده اقتصاد است؛ میهمانی که سفره همه را کوچک‌تر و سهم نان و گوشت و سبزی را کمرمق‌تر از گذشته کرده است، اگر بخواهیم گرانی‌های روزمره را بهتر بفهمیم، یکی از شاخص‌های مهم، «شاخص قیمت تولیدکننده» است؛ معیاری که نشان می‌دهد، تولیدکننده‌ها محصولات خود را نسبت به قبل با چه قیمتی می‌فروشند و چه هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند. تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران درباره بخش «زراعت، باغداری و دامداری سنتی» برای خردادماه ۱۴۰۴، تصویری روشن اما چندلایه از وضعیت قیمت‌ها در این بخش به دست می‌دهد.

عدد شاخص کل در خردادماه به ۱۸۰۳/۷ رسیده است؛ رقمی که معنای ساده آن یعنی قیمت‌ها نسبت به سال ۱۳۹۵ بیش از ۱۸۰ برابر شده‌اند. اما اهمیت این تغییرات این شاخص است، نه خود عدد. بر اساس گزارش، تورم نقطه به نقطه –یعنی مقایسه خرداد ۱۴۰۴ با خرداد ۱۴۰۳– معادل ۲۵/۲ درصد بوده است. به عبارت ساده‌تر، محصولات کشاورزی و دامی در خرداد امسال به طور میانگین یک چهارم گران‌تر از خرداد پارسال فروخته شده‌اند. این در حالی است که همین شاخص در اردیبهشت ۲۳/۵ درصد بود و بنابراین این خرداد شاهد افزایش ۱/۷ واحد درصدی بوده است.

گزارش ۲

زینب زرين

با وجود کاهش شاخص قیمت تولیدکننده اما گرانی همچنان ادامه دارد

باغ تورم، سبز و شاخه‌های ارزانی خشک!

شاخص قیمت تولیدکننده در بخش زراعت، باغداری و دامداری سنتی با وجود افزایش ۲۵درصدی نسبت به سال گذشته، در تورم سالانه اندکی کاهش یافته

و الگوی متفاوتی در گروه‌های محصولی ثبت کرده است



علی قنبرلو امهر

نشان می‌دهد، سیاست‌های حمایتی و قیمت‌گذاری در بخش غلات تا حدودی جلوی جهش قیمت‌ها را گرفته، اما در بخش سبزیجات و حبوبات بازار مسیر دیگری را پیموده است. این رقم در اردیبهشت ۳۰/۱ درصد بود، بنابراین اندکی کاهش یافته است. کاهش تورم سالانه اگرچه نشانه‌ای مثبت برای سیاست‌گذاران است، اما افزایش تورم نقطه به قیمت در یک سال گذشته بوده‌اند. این یعنی اگر یک سبزی دیگر، «پرورش گوسفند و بره سنتی» فقط ۷/۱ درصد افزایش داشته باشد، تورم سالانه –یعنی مقایسه خرداد ۱۴۰۴ با خرداد ۱۴۰۳– معادل ۲۵/۲ درصد بوده است. به عبارت ساده‌تر، محصولات کشاورزی و دامی در خرداد امسال به طور میانگین یک چهارم گران‌تر از خرداد پارسال فروخته شده‌اند. این در حالی است که همین شاخص در اردیبهشت ۲۳/۵ درصد بود و بنابراین این خرداد شاهد افزایش ۱/۷ واحد درصدی بوده است.

رغمی که معنای ساده آن یعنی قیمت‌ها نسبت به سال ۱۳۹۵ بیش از ۱۸۰ برابر شده‌اند. اما اهمیت این تغییرات این شاخص است، نه خود عدد. بر اساس گزارش، تورم نقطه به نقطه –یعنی مقایسه خرداد ۱۴۰۴ با خرداد ۱۴۰۳– معادل ۲۵/۲ درصد بوده است. به عبارت ساده‌تر، محصولات کشاورزی و دامی در خرداد امسال به طور میانگین یک چهارم گران‌تر از خرداد پارسال فروخته شده‌اند. این در حالی است که همین شاخص در اردیبهشت ۲۳/۵ درصد بود و بنابراین این خرداد شاهد افزایش ۱/۷ واحد درصدی بوده است.

تورم نقطه‌ای ۱۵۴درصدی در خردادماه به زبان ساده یعنی سفره مردم هنوز با گرانی دست‌به‌گریبان است؛ محصولاتی چون سبزیجات، حبوبات و دیگر کالاهای اساسی همچنان گران‌تر از سال گذشته به فروش می‌رسند



جنبه حیاتی، صرفاً بر بازکردن فضا برای سرمایه‌گذاران خصوصی تأکید می‌کند. چنین رویکردی بیش از آنکه بر دانش و پژوهش استوار باشد، بر یک نگاه خاص یعنی کوچک‌سازی دولت و وانهادن مسئولیت‌ها تمرکز دارد! روش تحلیلی که مرکز پژوهش‌ها بر آن تکیه کرده است، یک ابزار مدیریتی برای ارزیابی نقاط قوت، فرصت‌ها، چشم‌انداز و نتایج است. اما هنگامی که این روش صرفاً برای توجیه سیاست‌های مسبوق به ذهن سیاسی به کار رود، به جای ابزار پژوهشی، به ابزار تبلیغی بدل می‌شود. در گزارش مورد نظر، روش، بیش از اندازه‌روی فرصت‌های مشارکت بخش خصوصی تمرکز دارد و حتی ضعف‌های نظام حکمرانی آب، ناکارآمدی ساختارهای مالی و کمبود شفافیت داده‌ها را نادیده می‌گیرد. نتیجه این نوع تحلیل، روایت دلخواه سیاست‌گذاران است. مردم در این میان به جای دریافت اطلاعات علمی، تنها با داستانی مواجه می‌شوند که مسئولیت بحران آب را از دولت می‌زاید و بر دوش سرمایه‌گذار خصوصی می‌اندازد.

می‌شود. وقتی کشاورز با دامدار محصولش را گران‌تر می‌فروشد، طبیعی است که مصرف‌کننده نهایی نیز باید هزینه بیشتری بپردازد. بنابراین افزایش ۲۵درصدی تورم نقطه‌ای در خردادماه به معنای آن است که بسیاری از محصولات غذایی در بازار، نسبت به سال گذشته به‌طور ملموسی گران‌تر شده‌اند. همین امر فشار مضاعفی بر معیشت خانوارها وارد می‌کند، به‌ویژه خانواده‌هایی که سهم عمده‌ای از درآمدشان صرف خوراک‌ها می‌شود.

ریشه‌های گرانی

کارشناسان عوامل متعددی را برای تداوم تورم در بخش کشاورزی برمی‌شمارند از جمله هزینه بالای نهاده‌های تولید، تغییرات نرخ ارز، خشکسالی و تغییرات اقلیمی، مشکلات حمل‌ونقل و توزیع و البته سیاست‌های حمایتی ناکافی. به عنوان مثال، در بخش سبزیجات و حبوبات، کمبود بارندگی و افزایش هزینه‌های بذر و کود موجب جهش قیمت‌ها شده است. در دامداری نیز گرچه پرورش گوسفند و بره تورم کمتری داشته است اما این به معنای نبود مشکل نیست؛ بسیاری از دامداران از هزینه‌های خوراک دام و کمبود مراتع شکایت دارند.

از نگاه کارشناسان اقتصادی، مدیریت تورم در بخش کشاورزی نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌هاست؛ تأمین نهاده‌ها با قیمت مناسب، حمایت از کشاورزان در برابر خسارت‌های اقلیمی، اصلاح نظام توزیع و کاهش واسطه‌گری و همچنین بهبود دسترسی به بازارهای صادراتی. کاهش تورم سالانه به ۲۹/۴ درصد اگرچه نشانه‌ای امیدوارکننده است، اما بدون بازسازی‌های ساختاری ممکن است این روند پایدار نماند و دوباره شاهد جهش قیمت‌ها باشیم.

بهبود در وضعیت آینده

پیش‌بینی مسیر آینده قیمت‌ها همواره دشوار است اما برخی شاخص‌ها می‌توانند راهنما باشند. اگر تورم نقطه‌ای همچنان روند صعودی داشته باشد، به تدریج اثر آن بر تورم سالانه نیز آشکار خواهد شد. بنابراین، کاهش اخیر در تورم سالانه نباید سیاست‌گذاران را فریب دهد. از سوی دیگر، اگر شرایط اقلیمی مساعدتر شود و دولت بتواند در تأمین نهاده‌ها نقش فعال‌تری ایفا کند، شاید در بهشت دوم سال شاهد آرامش نسبی در بازار باشیم. شاید این آمار و درصدها در نگاه نخست خشک و بی‌روح به نظر برسند اما در واقع روایتگر زندگی روزمره میلیون‌ها ایرانی‌اند. هر درصد افزایش در سرفه خرداد، کمتر تولیدکننده، معنای مستقیم‌تر در سرفه مردم دارد؛ کمتر شدن سهم گوشت، کمرنگ‌تر شدن جای سبزی، یا تغییر ذائقه ناخوانسته از سراجبار اقتصادی. گزارش خردادماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد اگرچه سرعت تورم اندکی کند شده اما گرانی همچنان میهمان ناخوانده خانه‌هاست.

مرکز پژوهش‌ها سرمایه‌گذاری را بر دوش مردم می‌گذارد و می‌گریزد

گزارش آب مرکز پژوهش‌ها عطش نقد دارد!

مرکز پژوهش‌های مجلس در تازه‌ترین گزارش خود، ظرفیت بخش آب را تنها از منظر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تحلیل کرده است؛ نهاد پژوهشی پارلمان در این مسیر

یا غفلت کرده یا عامدانه نادیده گرفته که ایران از منابع عظیم طبیعی برخوردار است و دولت نمی‌تواند از مسئولیت شانه خالی کند

می‌شود و مردم نمی‌توانند نظارت واقعی بر سیاست‌ها و عملکردها داشته باشند. علاوه بر این، توجه ناکافی به ذخایر طبیعی و ظرفیت‌های بالقوه ملی، بحران را تشدید می‌کند. ایران‌مان با دارا بودن منابع عظیم نفت، گاز، معادن، زمین‌های کشاورزی مستعد و منابع زیرزمینی ارزشمند، می‌تواند پشتوانه مالی پروژه‌های زیرساختی زیرساخت‌ها را تأمین کند. اما به دلیل ناهنجاری‌های ساختاری و فقدان شفافیت داده‌ها و استفاده ناکافی از منابع ملی، موجب شده بحران آب به یک مسئله ساختاری تبدیل شود که راه حل آن تنها تخصیص بودجه نیست، بلکه نیازمند بازنگری اساسی در حکمرانی منابع، شفافیت، برنامه‌ریزی علمی و استفاده هوشمندانه از سرمایه‌های ملی است تا بتوانیم تأمین پایدار و عادلانه آب را برای نسل حاضر و آینده تضمین کنیم، واگذاری کامل مدیریت آب به بخش خصوصی، تنها یک بحران اقتصادی ایجاد نمی‌کند بلکه تهدیدی برای امنیت اجتماعی و عدالت در کشور است. دهک‌های ضعیف جامعه، کشاورزان و صنایع حیاتی بیشترین آسیب را خواهند دید. این درحالی است که گزارش مرکز پژوهش‌ها از چنین تبعاتی سخنی به میان نمی‌آورد و صرفاً سود و فرصت‌های بخش خصوصی را برجسته می‌کند.

گزارش مرکز پژوهش‌ها اگرچه با ادعای تحلیل علمی منتشر شده است اما در واقع بیشتر بر رویکرد سیاسی ایدئولوژیک تأکید دارد. نادیده گرفتن منابع طبیعی عظیم کشور، کم‌اهمیت جلوه دادن ظرفیت ملی دولت و برجسته کردن نقش بخش خصوصی، تصویری نادرست و ناقص از بحران آب ارائه می‌دهد. آیا کشور زیرساخت‌های حیاتی مانند آب را به عهده بگیرد؟ آیا فلسفه وجودی دولت تنها سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است؟ پاسخ روشن است و طبیعاً دولت همچنان نقش کلیدی و غیرقابل انکار در مدیریت منابع عمومی دارد و سیاست‌گذاری‌های غلطی را داده‌محور باید جایگزین نسخه‌های سیاسی و محدودکننده شود.



سورپرایز لیست نهایی پیاتزا

یک جوان جایگزین بر دیاسعدت شد

لیست نهایی پیاتزا برای اردوی دوحه و قهرمانی جهان دو سورپرایز بزرگ داشت.

مسابقات والیبال قهرمانی مردان جهان از ۲۱ شهریور تا ششم مهرماه در فلیپین بر گزار می شود و ایران در مرحله مقدماتی آن با فیلیپین، مبر و تونس در گروه نخست قرار دارد. در همین راستا طبق برنامه ریزی پیاتزا، اردوی آمادسازی تیم ملی برای حضور شایسته در این رقابت ها از ۱۵ مردادماه با حضور ۲۰ بازیکن آغاز شد که در ادامه با نظر سرمربی تیم، نیما باطنی از تیم نوجوانان به اردوی بزرگسالان اضافه شد. بعد از پنج جلسه تمرین، پیاتزا سرانجام شاگردانش را غربال کرد، آن هم بعد از تمرینات پر فشار شنبه که بازیکنان تمام توان خود را برای حضور در لیست نهایی گذاشتند. با وجود این، وقتی سرمربی تیم ملی نام ۱۶ نفر نهایی را اعلام کرد، عدم حضور بردیا سعادت همه را متعجب و شوکه کرد.

در پایان جلسه تمرینی روز شنبه بود که پیاتزا ضمن تشکر از بردیا سعادت و امیرضا آفتاب آذری اعلام کرد ادامه تمرینات از صبح دوشنبه با حضور ۱۶ بازیکن بر گزار می شود. مرتضی شریفی (کاپیتان)، جواد کریمی، عرشیا مهناد، علی رمضانی، محمدولی زاده، سیدعباسی ناصری، یوسف کاظمی، امیر حسین اسفندیار، پوریا حسین خانداده، علی حق پرست، احسان دانش دوست، امین اسماعیل نژاد، علی حاجی پور، آرمان صالحی، محمد رضا حضرت پور و نیما باطنی ۱۶ بازیکنی هستند که توانستند نظر سرمربی تیم را برای حضور در لیست نهایی جلب کنند. در واقع این ۱۶ بازیکن نفراتی هستند که قرار است در اردوی آمادسازی تیم ملی در اردوی دوحه حضور پیدا کنند. با توجه به لیست منتشر شده، نیما باطنی نوجوان خوش آتیبه والیبال ایران که نظر پیاتزا را به خود جلب کرده با وجود آنکه نامش در لیست ۲۵ نفره ایران از قهرمانی جهان نیست، در اردوی دوحه حضور دارد و تمرینات خود را از بر نظر این مربی ایتالیایی بر گزار خواهد کرد. در حالی که نبود نام بردیا سعادت در لیست ۱۶ نفره تیم ملی باعث تعجب و شگفتی شده بود، ستاره والیبال ایران در لیگ ملت ها مدعی شده از لیست پیاتزا خط نخورده است: «بعد از تمرین آخر با روبرتو پیاتزا صحبت کردم و او به من گفت که تو از تیم ملی خط نخورده ای و همه با هم یک تیم هستیم. او گفت من یک هدف دارم که با تیم ملی والیبال ایران در المپیک ۲۰۲۸ نتیجه بگیرم، چون به این تیم بازم دارم. پیاتزا همچنین گفت که قصد از این فصل محک زدن اکثر بازیکنان است. سرمربی تیم ملی همچنین به من گفت که تمرینات خود را ادامه بده و آماده باش، چراکه امکان دارد در روزهای آینده هر اتفاقی بیفتد. من با روی باز از صحبت های او استقبال کردم و به تصمیم پیاتزا احترام گذاشتم و بنا بر صحبت های سرمربی تمریناتم را ادامه می دهم تا مشکلی رخ ندهد».



پیروزی بارسا در بازی جنجالی با مایورکا

همه از این بردشاکي بودند

کاتالان ها اولین پیروزی فصل خود را در یک بازی جنجالی به دست آوردند. مایورکا با اینکه در ورزشگاه خانگی خود سون موکس بازی می کرد، اما با دریافت سه گل، دادن دو اخراجی و البته قضاوت پر حاشیه داور مسابقه در هفته نخست لاگیا تن به شکست داد. گل اول شاگردان فلیک در حالی توسط رافینا به ثمر رسید که بازیکن زمین بود، اما نه داور بازی را متوقف کرد و نه بازیکن بارسا توب را به بیرون زدند!

در ادامه دو بازیکن میزبان به فاصله شش دقیقه از زمین اخراج شدند، در حالی که داور با بازیکنان بارسا مهربان بود و حتی به رافینا بابت تکل خشن خود کارت قرمز نشان نداد. باخت سنگین به بارسا و داوری پر حرف و حدیث بازی خشم اعضای تیم مایورکا و هوادارانش را به همراه داشت. باگویا آراسانه، سرمربی این تیم از رفتار عجیب داور شوکه بود: «آن صحنه را همه جا دیده ایم و هفته گذشته هم در جلسه توجیهی به ما توضیح دادند اگر ضربه ای به سر باشد، بازی متوقف می شود». داور چهارم درست جلوی من به داور گفت بازی را متوقف کند، چون ضربه به سر بود. او هم سوت را به دهان برد. همه فکر کردیم سوت زده و در کمال تعجب، گل را اعلام کرد. واقعا نمی فهمم. داور به من گفت بازیکن گنج نشده بود. بیشتر از همه از نحوه مدیریت بازی گلایه داریم. مدیریت بازی یکسان نبود. این روی اعصاب می رود و را عصبانی می کند. بین دو نیمه شرایط پیچیده ای بود. همه مان عصبانی بودیم، اما تلاش کردیم آرام شویم و بازیکنان تازه نفس بیاوریم. گل آخر من نتیجه را برای کافان آسان به نظر برسد. با توجه به اینکه مایورکا عملکرد بازیکنانش به شدت انتقاد کرد. «بازی را دوست نداشتم. ۵۰ درصد توانمان بازی کردیم که نباید اینطور باشد. باید با بازیکنان در این مورد صحبت کنم. در نیمه دوم بد بودیم و اصلا راضی نیستیم. باید روی استفاده صد درصدی توان مان تمرکز کنیم. اگر صاحب موقعیت های گزنی می شویم، باید از آنها استفاده کنیم. همیشه به بازیکنان می گویم تا زمانی که داور سوت پایان بازی را نزده است باید بازی کنیم. باید پارتی تر بازی کنیم و نشان دهیم می خواهیم برنده بازی باشیم، حتی اگر بازی روی کاغذ آسان به نظر برسد. با توجه به اینکه مایورکا در خط دفاعی فرو رفته بود، رشورد نتوانست خیلی آزادانه بازی کند و در کنار این تیم هم انطوری که باید به حریف فشار نیاورد که از این موضوع ناراحتم. خوان گراسیا (دروازه بان جدید بارسا) عالی بود. به یامال گتمت به تیم کمک کند و او هم پاس گل اول را داد. لامين بازیکنی خاص است و همه در دنیا در حال نمایش بازی او هستند. او در بازی های منجنگ و دفاع می کند. برای او خوشحالم».

گزارش یک شبودنوروی

۲۰۲۵ را به گردن آویختند. پرونده سی و یکمین

دوره رقابت های بسکتبال کاپ آسیا در جده بسته شد و تیم ملی کشورمان با ارائه یک

بازی برتر مقابل نیوزیلند و کسب پیروزی ۷۹ بر ۷۲ روی سکوی سوم قاره کهن ایستاد.

عنوان سومی آسیا در حالی به شاگردان سوتیریس مانولوپولوس رسید که ایران یکی از

بهترین بازی هایش را مقابل نیوزیلند انجام داد و این تیم چاره ای نداشت جز زانو زدن در برابر

تیم کشورمان. آخرین مدال بسکتبال ایران در این رقابت ها در سال ۲۰۱۷ به دست آمده بود.

در فینال آن دوره ایران با شکست برابر استرالیا نایب قهرمان آسیا شد. تیم های ملی استرالیا و

چین نیز دیشب فینال رقابت ها را بر گزار کردند. بعد از جدال سخت و شکست سرمربی برابر

استرالیا و در شرایطی که فشار و خستگی آن

بازی هنوز روی تیم بود، کادرفنی به خوبی از پس

ریکاریوری روحی، ذهنی و فیزیکی تیم برآمد، تا

جایی که بازیکنان ما با انگیزه بالا و حس برتری

نسبت به نیوزیلند وارد میدان شدند و برایشان

مهم نبود که حریف در رنکینگ قیفا در رده ۲۲

جهان است و ایران در رده ۲۸. تیم ملی بسکتبال

ایران با سه برتری متوالی مقابل گوام، ژاپن و سوریه،

در یک چهارم نهایی چین تایپه را نیز مغلوب کرد،

اما مقابل تیم هفتم جهان (استرالیا) ۹۲ بر ۴۸ تن

به شکست داد و راهی دیدار رده بندی شد.

در روزی که محمد امینی، ستاره تیم ملی به

دلیل آسیب دیدگی نتوانست به میدان برود،

دیگر ستاره های جوان و باتجربه کشورمان جای

خالی او را پر کردند و پروژه کسب مدال در آسیا

را به سرانجام رساندند. ذهنیت برنده و انگیزه

برای کسب مدال برنز باعث شد در همان لحظات

نخست کاپیتان ارسلان کاظمی دو امتیاز برای

ایران بگیرد. ملی پوشان به دستور سرمربی یونانی

کار را پر قدرت و با جتکندگی بالا شروع کردند

و به رغم اینکه نیوزیلند پر تاب های سه امتیازی

خوبی داشت، اما عملکرد بازیکنان ایران اجازه

نداد آنها به هدفشان برسند. در آخرین ثانیه های

کوارتر نخست مبین شیخی یک پر تاب ۳ امتیازی

با بازیترت (شوت موفق در آخرین ثانیه کوارتر)

برای ایران انجام داد تا کوارتر نخست ۲۸ بر ۲۰ به

سود تیم کشورمان به پایان برسد. همانطور که در

کوارتر نخست بازیکنان ایران هرگز دست از تلاش

نکشیدند و هر حمله حریف را با یک حمله دیگر

پاسخ دادند، در زمان دوم نیز همین رویه ادامه

پیدا کرد. با اینکه تیم حریف در ثانیه های ابتدایی

چهار امتیاز گرفت، ولی دفاع قوی، حملات

برنامه ریزی شده و همکاری تیمی باعث شد روند

امتیاز گیری تیم ملی ایران سریع تر شود و حتی

اختلاف به ۱۲ امتیاز هم رسید. درخشش های

سید مهدی جعفری، سینا واحدی و دیگران باز

کارایی ۳۱ بهترین بازیکن ایران در این بازی لقب

گرفت و جعفری و پیروزی هم دیگر ستاره ها مادر

به سود ایران به ثبت رسید.

برتری تیم ملی کشورمان در نیمه دوم نیز تلاوم

آسمانخراش ها با هدایت مانولوپولوس در جده روی سکو رفتند

برنر آسیا برازنده بسکتبال ایران



داشت. شاگردان مانولوپولوس نبض بازی را در

اختیار داشتند و اجازه عرض اندام به نیوزیلند

ندادند. بازیکنان حریف حملات سرعتی را در

نیمه دوم در دستور کار داشتند تا با سخت کردن

شرایط بازیکنان ایران را به اشتباه بیندازند، ولی

با وجود این شوت های موفق سه امتیازی این

حربه نیوزیلند را خنثی کرد. تمرکز بالای تیم در

کوارتر سوم تعداد پر تاب های موفق سه امتیازی

را افزایش داد. در کوارتر پایانی بازیکنان حریف

که چیزی برای از دست دادن نداشتند برای

گرفتن امتیاز بی گذار به آب می زدند و اختلاف

امتیاز را به حداقل رساندند. اما خوشبختانه

بازیکنان ما با حفظ آرامش و تمرکز به هدفشان

رسیدند و با ثبت پیروزی ارزشمند ۷۹ بر ۷۲،

سومی آسیا را جشن گرفتند.

ارسال کاظمی با کسب ۱۶ امتیاز، ۱۶ ریابند و

کارایی ۳۱ بهترین بازیکن ایران در این بازی لقب

گرفت و جعفری و پیروزی هم دیگر ستاره ها مادر

مصاف دیروز بودند.

رویارویی پرسپولیس با قهرمان لیگ یک در گام نخست

آغاز مار اتن لیگ بیست و پنجم



این تیم شده کم رنگ کند یانه هوادارانی که شنبه بار دیگر در اعتراض

به عملکرد درویش و حضورش در پرسپولیس مقابل ساختمان باشگاه

تجمع کردند و بی تردید تنها کسب نتیجه در بازی نخست لیگ است

که می تواند اندکی از حجم عصبانیت آنها را کاهش دهد تا عرصه را

بیش از این برای مدیر عامل تیم تنگ نکنند.

در دیگر بازی های امروز، ذوب آهن میزبان پیکان است. دو تیمی

که در تابستان تغییرات زیادی داشتند تا کار سرمربیان دو تیم در

تحلیل حریف دشوار باشد و همین مسئله نودیک بازی متفاوت را

می دهد. در ادامه آلومینیوم ارک به میهمانی گل گهر در سیرجان

می رود. سیرجان ها که طی سال های گذشته تلاش و هزینه زیادی

برای معرفی خود به عنوان یکی از مدعیان لیگ کردند، امسال نیز

و فنی مانع از رسیدن این تیم به اهدافش شده، اما باید دید امسال

سیرجان ها می توانند خواسته های خود را محقق کنند. بی شک اما

گل گهر در هفته نخست به رغم در اختیار داشتن امتیاز میزبانی این

سادهای مقابل آلومینیوم ارک ندارد. تیمی که همواره با حداقل

بودجه به حداکثر نتیجه می اندیشد و طی سال های اخیر توانسته

خود را به عنوان گربه سیاه پرسپولیس معرفی کند و اگر چه زیبا

بازی نمی کند، اما توانایی خوبی در کسب نتیجه و امتیاز دارد. در

خرم آباد هم خیبر میزبان مس رفسنجان است. تیمی که با وجود

داشتن هواداران پر شمار هنوز نتوانسته عملکرد قابل قبولی از خود

به نمایش بگذارد و در پنج روبرویی اخیر خود مقابل مس رفسنجان

دو مرتبه بازنده میدان بوده، در دو بازی به تساوی رضایت داده و تنها

یک بار با موفق به کسب پیروزی شده است.



ایران آماده میزبانی از تیم های بزرگ آسیا

ورزشی زورخانه ای باید خانوادگی شود

نشست خبری محمودرضا امیاری، سرپرست فدراسیون

زورخانه ای و کشتی پهلوانی، صبح دیروز با حضور اهالی رسانه

در محل این فدراسیون برگزار شد.

برنامه های فدراسیون زورخانه ای و برگزاری مسابقات داخلی و

بین المللی طی ماه های آینده، برگزاری مجمع انتخابات ریاست

فدراسیون و توسعه ورزش زورخانه ای محورهای اصلی حرف های

امیاری بود. او در این نشست اظهار کرد: «حدود دو ماه است که

افتخار سرپرستی این فدراسیون را برعهده دارم. تمام رؤسای

فدراسیون زورخانه ای تلاش کردند و ما نیز برنامه ها را ادامه

دادیم. طبق مصوبه هیئت رئیسه قرار است پنجم مهرماه انتخابات

فدراسیون برگزار شود.»

سرپرست فدراسیون ورزش های زورخانه ای با اشاره به برنامه ریزی

برای برگزاری مسابقات قهرمانی آسیا گفت: «در حال برنامه ریزی

هشتم تا مسابقات آسیایی ورزش های زورخانه ای را مهرماه در

ارومیه برگزار کنیم. قرار است ۲۲ کشور از آسیا در این مسابقات

شرکت کنند و تلاش می کنیم این رقابت ها با توجه به تأکید وزیر

ورزش در بهترین شرایط برگزار شود. جلسات مربوط به برگزاری

این مسابقات در بهترین شرایط کیفی با مسئولان وزارت ورزش

در حال برگزاری است و قطعاً این رقابت ها در موعد مقرر برگزار

خواهند شد.»

وی با اشاره به حمایت های وزارت ورزش از این فدراسیون خاطرنشان

کرد: «امیدوارم بتوانیم این ورزش تاریخی را در آسیا بیشتر توسعه

دهیم. در داخل کشور نیز اتفاقات خوبی رخ داده و در استان ها

استقبال بی نظیر است، همین لزوم توجه به مراکز استانی را به

عنوان پایگاه های اصلی توسعه ورزش به ما یادآور می شود. ورزش

زورخانه ای باید در خانواده ها جا بیفتد. از رسانه ها انتظار داریم

همانطور که تاکنون کمک حال ما بوده اند با کار درست پای خانواده ها

و به این ورزش باز کنند.»

امیاری درباره ارتباط با فدراسیون جهانی هم گفت: «من ارتباط

خوبی دارم. فدراسیون جهانی با وزارت ورزش تعامل بسیار خوبی

دارد و ما نیز به عنوان فدراسیون ملی وظیفه داریم با فدراسیون

جهانی همکاری داشته باشیم.»

در ادامه مسعود ملکی، دبیر فدراسیون زورخانه ای نیز درباره تعداد

زورخانه ای که تغییر کاربری داده اند، گفت: «برلین ورزشی که به

صورت خصوصی اداره شد، ورزش زورخانه ای بود. این زورخانه ها در

ایام قدیم در حاشیه شهرها بودند، اما در سال های اخیر در مراکز

شهرها قرار گرفته اند که یکسری از آنها توسط ورته به اماکن تجاری

یا مسکونی تبدیل شده اند. در توان فدراسیون نیست که این اماکن

را خریداری کند و به ورته هم نمی توان فشار آورد که چرا این کار را

می کنند. به نظرم وزارت ورزش باید جلوی تغییر کاربری ها را بگیرد.

این موضوع دفعه ما نیز هست. امیدوارم مجلس و دولت با ارائه

طرحی از تغییر کاربری زورخانه های قدیمی جلوگیری کنند.»

ملکی با اشاره به اینکه فدراسیون ورزش های زورخانه ای یکی از معدود

فدراسیون هایی بود که در طول دفاع مقدس ۱۲ روزه به قدرت به کار

خود ادامه داد، به برنامه فشرده این فدراسیون در شهر یورماه اشاره کرد

و گفت: «در دهه اول شهرپور ماه همایش «پدران گود» را خواهیم

داشت. در ۱۲ شهریورماه مسابقات نونهالان در اصفهان را پیش رو

داریم و متعاقب آن در ۲۰ شهریور لیگ «مستعدین» را آغاز می کنیم.

در خصوص این لیگ باید بگویم که سال بسیار پرباری بود و کمک شایان

توجهی به رقابت های لیگ کرد. در ادامه برنامه های شهر یورماه، اعزام

تیم ملی به مسابقات ورزش های سنتی در کره جنوبی را داریم که برای

این رقابت ها کار سختی پیش رویمان است. بنابراین تلاش می کنیم

بهترین نفرات در میل و چرخ را به این مسابقات اعزام کنیم.»

■ ■ ■

دبیر فدراسیون ورزش های زورخانه ای با اشاره به اینکه سطح

مسابقات آسیایی به میزبانی ایران باید بالا باشد، تصریح کرد: «باید

کوشه های به این مسابقات بیایند که عیار کشتی پهلوانی ما را بالا

ببرند. بنابراین درصدد هستیم بهترین ها و برترین ها را دعوت کنیم و

اگر لازم باشد مسابقات را تا تحقق این امر به تعویق می اندازیم.»

ملکی به موضوع عدم اعزام ورزشکار به مسابقات ترکیه هم گفت:

«این مسابقات را به اشتباه مسابقات جهانی اعلام کرده اند، در حالی

که کشتی سنتی ترکیه است. ما طی سه سال گذشته در آن شرکت

کردیم و عناوین خوبی هم به دست آوردیم، اما امسال تصمیم گرفتیم

شرکت نکنیم.»

نوبت دوم

منافسه عمومی دو مرحله ای با ارزیابی کیفی

- **موضوع مناقسه:** خرید ۶۰ کیلومتر انواع کابل فشار متوسط.
- **دستگاه مناقسه گزرا و آدرس:** شرکت توزیع نیروی برق تبریز
- **واقع در:** تبریز کوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول خیابان قطران، شرکت توزیع نیروی برق تبریز
- **مدت زمان تحویل:** ۶ ماه
- **مهلت دریافت استاذ از طریق سامانه ستاد ایران:** از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ لغایت ۱۴۰۴/۰۶/۰۴
- **مهلت باز گذاری پیشنهادات در سامانه ستاد:** پیشنهاد دهندگان می بایست ضمن باز گذاری استناد ارزیابی کیفی و کلیه مدارک پاکات الف، ب و ج در سامانه ستاد تا ساعت ۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲، نسبت به ارسال اصل پاکت الف به صورت لاک و مهر شده و نمونه کالا ظرف همان مهلت به دبیر خانه این شرکت اقدام نمایند.
- **تذکر:** به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- **مبلغ تضمین شرکت در مناقسه:** برابر ۱۴،۵۰۶،۰۰۰ ریال بوده و پیشنهادهای فاقد تضمین، تضمین مخدوش، تضمین کمتر از میزان مقرر بلا اثر می باشند.
- **شرایط خاص برای ورود به ارزیابی کیفی و مناقسه:**
- **راانه گواهی** مطابقت با استاندارد تولید از شرکت توانیر یا تایپ تست معتبر

شناسه آگهی: ۱۹۸۳۱۹۴



ساعت: ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ طبقه ششم (سالن جلسات)

■ **زمان و محل افتتاح پاکتهای الف و ب به شرط کسب حداقل امتیاز لازم (حداقل ۶۵) از ارزیابی کیفی:**

دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۴ صفر ۱۴۴۷

گزارش یک

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، هفته قبل با وعده آب، ایرانی‌ها را به اعتراض به خیابان فراخواند ولی حالا خود در خیابان‌ها و بزرگ‌راه‌های تل آویو و بیت‌المقدس با صحنه گسترده‌ترین اعتراضات و اعتصاب‌ها علیه سیاست‌های جنگی کابینه‌اش رویه‌روست؛ معترضانی که با شعار «روز پایان جنگ» به خیابان آمده و خواستار پایان جنگ و آزادی اسیرانی هستند که ۶۸۲روز است اسیر توه‌مات تانیاهو برای نابودی حماس هستند.

■ ■ ■

رسانه‌های عبری دیروز از برگزاری تظاهرات در بیش از ۲۵۰ مکان و ده‌ها جاده بسته شده برای درخواست بازگشت زندانیان در غزه و پایان جنگ خبر دادند. ساکنان شهرهای مختلف فلسطین اشغالی به‌ویژه تل آویو و قدس اشغالی دیروز به خیابان آمدند. تل آویو، معترضان با بستن خیابان‌ها و ایجاد آتش‌سوزی در بزرگ‌راه یالون، به سیاست‌های کابینه بی‌بی‌اعتراض کردند. پلیس رژیم اشغالگر برای متفرق کردن جمعیت، به خودروهای آب‌پاش و یگان اسب‌سوار متوسل شد اما این اقدامات هم نتوانست مانع از متشنج شدن جو حاکم شود و درگیری‌های فیزیکی شدیدی میان نیروهای امنیتی و معترضان رخ داد. در قدس اشغالی، پلیس با حمله به تظاهرات شهرکنشینان، شماری از آنها را بازداشت کرد. «بیش از ۶۰ هزار نفر» آماري است که در گزارش‌ها دربارهٔ افراد دستگیر شده در این اعتراضات به آن اشاره شده است. چهره‌های اپوزیسیون نیز در اعتراضات روز یک‌شنبه حضور چشمگیری داشتند. یائیر لاپید، رئیس جریان اپوزیسیون یکی از این افراد بود که ادعا کرد: «کابینه کنونی طی سال‌ها از حماس حمایت کرده و این اعتراضات امروز تجلی روح همبستگی و مسئولیت داخلی اسرائیلی‌ها است. تنها راه واقعی برای تضعیف حماس، سقوط این کابینه ناکارآمد و شرور است.» بنی گانتس، رهبر حزب «اردوگاه رسمی» نیز ضمن حمایت از معترضان گفت: «حمایت از خانواده‌های گروگان‌ها ما را تقویت و حمله به آنها ما را تضعیف می‌کند.» گادی ایزنکوت، رئیس سابق ستاد ارتش رژیم صهیونیستی و از رهبران اپوزیسیون با انتقاد شدید از نخست‌وزیر، اعلام کرد که او توان رهبری و مسئولیت‌پذیری را ندارد و تصمیمات دشوار را کنار می‌گذارد تا منافع شخصی و سیاسی خود را بر منافع اسرائیل ترجیح دهد و این اقدامات اسرائیل را به پرنگ‌ها می‌کشاند. آیزنکوت افزود: «اسرائیل با گذشت از بیش از ۶۸۰۰روز از هفتم اکتبر ۲۰۲۳، هنوز نتوانسته اهداف خود در جنگ غزه را محقق کند و بسیاری از سربازانش در تونل‌های حماس کشته شده‌اند.» او از ساکنان ارضی اشغالی

خواست که در اعتصاب سراسری دیروز شرکت کنند و به اعتراض خانواده‌های زندانیان بپیوندند، چراکه زمان در حال تمام شدن است.

■ **شروع سیل اعتراضات از مقابل خانه وزرا**

دیروز خانواده‌های زندانیان صهیونیست در غزه نیز در چندین نقطه از سرزمین‌های اشغالی، از جمله مقابل اقامتگاه‌های وزرای کابینه، تظاهرات کردند. رسانه‌های عبری گزارش دادند که حرکت اعتراضی خانواده‌های زندانیان با تجمع مقابل منزل «یسوا کیش» وزیر آموزش کابینه رژیم صهیونیستی، در شهر «هود هشارون» در حومه تل آویو آغاز شد. معترضان در این نقاط هم شماری از معترضان بازداشت شدند. سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد که صداهات از فعالان با مسدود کردن خیابان «یالون» در نزدیکی تل آویو با سر دادن شعارهایی در زمینه لزوم پایان جنگ، خواستار آن شدند که کابینه به هیچ عنوان زندانیان ا فدای اهداف سیاسی و نظامی خود نکند.

پیرالمملک

سرورس بین‌الملل ۲۰۶۰۸۵۵۳۳

آب اعتراضات در لانه نتانياهو



تجمع در برابر خانه «یتسحاق فاسرلاوف» وزیر امور نقب و جلیل، در تل آویو تظاهرات کردند. معترضان صهیونیست مقابل منازل شماری دیگر از وزرا از جمله یسرائیل کاتس، وزیر جنگ تجمع کردند و شعارهایی در حمایت از آزادی زندانیان صهیونیست سردادند. بر اساس گزارش شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی، شماری از تظاهرکنندگان با بستن تقاطع «رعانا» در شمال تل آویو مانع تردد خودروها شدند و در مناطق دیگر نیز مسیرهای اصلی را مسدود کردند. گزارشی که رادیو

ارتش رژیم صهیونیستی از این واقعه منتشر کرد، سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرده که به سمت تل آویو در شرق الد و چهارراه مقابل مقر وزارت جنگ رژیم صهیونیستی در تل آویو را بستند. در این نقاط هم شماری از معترضان بازداشت شدند. سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد که صداهات از فعالان با مسدود کردن خیابان «یالون» در نزدیکی تل آویو با سر دادن شعارهایی در زمینه لزوم پایان جنگ، خواستار آن شدند که کابینه به هیچ عنوان زندانیان ا فدای اهداف سیاسی و نظامی خود نکند.

■ **اعتصاب در «روز پایان»**

این تظاهرات همزمان با آغاز اعتصاب سراسری با عنوان «روز پایان» برگزار شد که به گفته بر گزار کنندگان، نقطه آغازی برای تشدید اعتراضات خواهد بود. باشگاه «هوپال» تل آویو نیز با انتشار پستی در حساب اینستاگرام اعلام کرد که امروز به عنوان بخشی از روز توقف (توقف جنگ) به نشانه همبستگی با خانواده‌های اسرا اعتصاب خواهد کرد. «یائیر گولان» رهبر حزب دموکرات‌های رژیم صهیونیستی اعلام کرد که فرصت‌ها به پایان رسیده و همه تلاش‌ها باید برای بازگرداندن قوری زندانیان به کار گرفته شود. او تأکید کرد: «زمان از دست می‌رود و ما هر کاری لازم باشد انجام خواهیم داد تا اسرا همین حالا آزاد شوند.» با این حال، نتانياهو، معترضان اسرائیلی و کسانی را که خواستار پایان جنگ بدون حذف حماس هستند، به تقویت موضع حماس متهم کرد که آزادی اسرا را به تأخیر می‌اندازد و تکرار ۱۰اکتبر را تضمین می‌کنند. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی همچنان بر موضع خود پافشاری می‌کند

نشانه نرم شدن او کراين مقابل مصالحه ارضی

زلنسکی از ترامپ تضمین می گیرد، سرزمین می دهد



■ **نشانه عبور زلنسکی از عدم مصالحه**

سرزمینی که به میزبانی ترامپ در واشینگتن دی‌سی برگزار می‌شود، قرار است امونتل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، فردریش مرس پوتین بر سر ارائه‌ی تضمین امنیتی به اوکراین، البته خارج از چارچوب ناتو به توافق برسند. نیویورک تایمز دیروز نوشت که ترامپ پیشنهاد ارائه تضمین امنیتی غیرناتویی به اوکراین را در اوایل روز شنبه، در تماسی تلفنی به ولودیمیر زلنسکی منتقل کرد و رهبران اروپایی هم که در این تماس تلفنی شرکت داشتند، جذب آن شده‌اند. چیزی که رهبران اروپایی را به آن جذب کرده، این واقعیت است که ترامپ به رغم همه تلاش‌هایش برای بیرون کشیدن امریکا از ترتیبات امنیتی اروپا، برای راضی کردن طرف‌های اروپایی و اوکراینی به توافقی که شامل مبادله ارضی هم می‌شود، قبول کرده که امریکا نیز بخشی از این توافق باشد. فردریش مرس، صدراعظم آلمان روز شنبه پس از تماس تلفنی رهبران اروپایی با ترامپ گفت: «خبر خوب این است که امریکا آماده است در چنین تضمین‌های امنیتی شرکت کند. این کشور این تضمین‌ها را تنها به اروپایی‌ها واگذار نمی‌کند.» نیویورک تایمز هم از قول دو مقام اروپایی نوشته که ترامپ در تماس با رهبران اروپایی به آنها گفته که پوتین موافقت کرده که اوکراین پس از توافق، هرچند نه تحت ناتو، تضمین‌های امنیتی قوی داشته باشد. استیوی ویتکاف، نماینده رئیس‌جمهور امریکا در مذاکرات نیز تأیید کرده که ترامپ و پوتین بر سر تضمین‌های امنیتی جامع درباره اوکراین، توافق کردند.

۱۵ جوان

شماره ۲۳۸۰

مگله

حنیف غفاری

گریز ناگزیر جلاد تل آویو

درست ۲۴ ساعت قبل از اینکه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی خواستار شورش و طغیان در ایران شود، ده‌ها هزار نفر در تل آویو علیه طرح وی برای اشغال کامل غزه تظاهرات کردند و خواستار پایان فوری این کارزار و آزادی اسرای صهیونیست شدند. میان این خیزش داخلی در اراضی اشغالی و التماس نتانياهو به شهروندان ایرانی برای حضور در خیابان‌ها ارتباط معناداری وجود دارد! واقعیت امر این است که مقامات رژیم صهیونیستی از اولمرت و باراک گرفته تا لاپید و نتانياهو همواره از «خلق فرامتن‌های جایگزین» با هدف «فرامتن اصلی» به مثابه یک فرمول مشترک در عرصه حکمرانی استفاده کرده‌اند. بر این اساس، زمانی که بحران‌های داخلی در اراضی اشغالی تشدید می‌شود و افکار عمومی علیه کابینه مستقر دست به اعتراض یا شورش می‌زند، مقامات کابینه و موساد پرونده‌ای جدید و دغدغه‌ای ناگهانی را در عرصه سیاست منطقه‌ای یا خارجی رژیم صهیونیستی گشوده و از این طریق اعتراضات داخلی در اراضی اشغالی را به حاشیه می‌برند. مقامات رژیم صهیونیستی معتقدند که خلق یک پرونده (فرامتن) جدید منجر به تمرکز دای افکار عمومی دنیا نسبت به اعتراضات داخلی در اراضی اشغالی و افزایش قدرت مانور کابینه مستقر در محدودسازی و سرکوب آن خواهد شد.

این قاعده در خصوص اعتراضات اخیر در تل آویو و حیفا نیز صادق است. تظاهرات اخیر علیه نتانياهو یکی از بزرگ‌ترین تجمعات سازمان پسا جنگ غزه محسوب می‌شود. در چنین شرایطی نتانياهو براسیمه پای دوربین‌های تلویزیونی آمده و ملتسمانه از ایرانیان خواسته است تا نظام جمهوری اسلامی را با حمایت تل آویو، سرنگون سازند. صورت مسئله گویاست: نخست‌وزیر سفاک و متوحش رژیم صهیونیستی پس از تشدید اعتراضات داخلی در اراضی اشغالی و چنین اجزای «سقوط کابینه» در تل آویو، تصمیم گرفته تصویر انحرافی جدیدی را در عرصه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی خلق کند اما هم در نوع انتخاب و هم در نحوه آن دچار خطاهای عظیم و محاسبات مضحکانه‌ای شده است! نتانياهو فراموش کرده است که در جریان دفاع مقدس ۱۲ روزه اخیر، شهروندان ایرانی ضمن همیوشانی و هم‌افزایی با نهادهای نظامی –امنیتی، هزاران عامل موساد را در دام انداخته و فراتر از آن، نفرت خود را از ماهیت و کارکرد رژیم منحوس و متجاوز صهیونیستی بیش از هر زمان دیگری بروز دادند! این نفرت عمیق اکنون به نقطه اوج خود رسیده است زیرا شهروندان ایرانی شاهد بودند چگونه صدها خانواده و نسل‌بی‌گناه هدف اصابت موشک‌ها و پهپادهای این رژیم مغفور قرار گرفته و به شهادت رسیدند! در چنین شرایطی تقاضای اخیر نتانياهو نامدای «استیمال رویه رشد تل آویو» در حوزه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. بدون شک شاتل‌های اخیر نتانياهو تنها منجر به همراهی مردم ایران با سفاک‌ترین و مغفورترین رژیم کودک‌کش در تاریخ روابط بین‌الملل نخواهد شد، بلکه خیزش‌های آغاز شده در تل آویو و حیفا علیه نتانياهو و کابینه‌اش را نیز تقویت نمی‌سازد. مواضع اخیر نتانياهو را می‌توان به مثابه نوعی قمار سیاسی – تبلیغاتی از سوی وی قلمداد کرد که البته نتیجه‌آن «شکست مطلق» است و دیگر هیچ‌اینه‌از سیاستمداری که حامی‌اش فردی مانند ترامپ باشد بیش از این انتظار نیست!

رویکرد

وزیر خارجه عراق: نمی‌توانیم بازور

سلاح حشداالشعبی را بگیریم

با وجود فشارهای امریکا برای محدودسازی سلاح گروه‌های مقاومت در عراق، عملی‌کردن چنین سناریویی بسیار دشوار به نظر می‌رسد، چنان که وزیر خارجه عراق در تازه‌ترین موضع‌گیری خود گفت: دولت بغداد توانایی خلع سلاح حشداالشعبی از طریق زور را ندارد. نمایندگان پارلمان نیز مصمم هستند قانون جدید این سازمان را تصویب کرده و هر گونه تلاش برای انحلال آن را خنثی کنند. به گزارش «جوان»، هر چند امریکا و متحان منطقه‌ای آن در ماه‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای برای تضعیف گروه‌های مقاومت عراق به کار گرفته‌اند، اما واقعیت میدانی نشان می‌دهد کنتر زدن این نیروها که نقشی کلیدی در تأمین امنیت و ثبات کشور داشته‌اند، امری پیچیده است، موضوعی که نه تنها در عرصه سیاسی و اجتماعی عراق بازتاب یافته بلکه مقامات رسمی این کشور نیز به صراحت به آن اذعان کرده‌اند.

«فداح حسین» وزیر خارجه عراق روز یکشنبه در سخنانی درباره ساختار نیروهای مسلح این کشور گفت: باید قوانینی که ضامن اجرای قانون اساسی در عراق باشند، تصویب شوند. زمان مطرح شدن قانون الحشدالشعبی اشتباه بود طبق گزارش بغدادالیوم، وزیر خارجه عراق گفت: «در لبنان تنها با مذاکره می‌توان سلاح حزب‌الله را گرفت. دولت عراق نمی‌تواند سلاح حشداالشعبی را با زور بگیرد.» حسین تأکید کرد: «طرح موضوع قانون الحشدالشعبی در وضع کنونی عسکر صحیح نیست.» همزمان با اظهارات فؤاد حسین، غرب منطقه اترک کمانی، گزارشگر پارلمان عراق روز یکشنبه تأیید کرد که ظرف چند روز آینده آی‌گیری در پارلمان عراق در مورد قانون نیروهای حشداالشعبی برگزار خواهد شد. ترکمانی گفت: «در حرکتی نمادین از وفاداری و افتخار، ما با وزیر بشیر لباس نیروهای حشداالشعبی وارد صحن پارلمان خواهیم شد و بر افتخار خود به این نهاد قهرمان و نقش تاریخی آن در حفظ سرزمین و ناموس‌مان تأکید خواهیم کرد.»

در صورتی که این قانون تصویب شود، طرح باز زلنسنگی نیروهای حشداالشعبی اجرایی شده و رئیس این سازمان دارای رتبه وزیر خواهد بود و نیروهای آن در وزارخانه‌های دفاع و کشور می‌توانند ادغام شوند که تلاش برای انحلال این گروه‌ها را عیلا خنثی می‌کند. موضع‌گیری وزیر خارجه و تلاش نمایندگان درحالی بیان می‌شود که امریکا همچنان خواستار کنترل و محدود کردن قدرت نیروهای حشداالشعبی در عراق است اما این نیروها که نقش محوری در مقابله با داعش داشتند، امروز بخشی از ساختار رسمی امنیتی عراق محسوب می‌شوند و بر خورد قهری با آنها می‌تواند به بحران داخلی منجر شود.

■ **خروج تدریجی امریکا ای‌ها**

همزمان با این تحولات، یک منبع دولتی عراقی دیروز خبر دیدار نیروهای انتلاف امریکایی در ماه سپتامبر از چند پایگاه کلیدی از جمله عین‌الاسد، فرودگاه بغداد و مقر فرماندهی عملیات مشترک عقب‌نشینی خواهند کرد و به سمت اربیل منتقل می‌شوند. این اقدام بخشی از توافق میان بغداد و واشینگتن برای کاهش تدریجی حضور نظامی امریکا در عراق ارزیابی می‌شود. هر چند مریمان نظامی امریکایی همچنان در عراق باقی خواهند ماند، اما خروج بخشی از این نیروها نشان‌دهنده تغییر رویکرد در کشور تشکیل شد.

تا همین دو سال پیش، امریکا در بخش‌های گسترده‌ای از عراق پایگاه نظامی داشت، اما فشارهای حشداالشعبی موجب شد بخشی از این مواضع تخلیه شود. اکنون نیز دولتمردان کاخ سفید به خوبی می‌دانند تا زمانی که گروه‌های مقاومت در عراق فعال هستند، اجرای طرح‌های مورد نظرشان به آسانی ممکن نخواهد بود. از همین رو واشینگتن با بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی و مالی می‌کوشد این گروه‌ها را از ساختارهای قبایله با سازمان بغداد کنار بزند. با این حال، آنچه در عمل رخ داده خروج تدریجی نیروهای امریکایی از خاک عراق است، روندی که توازن تازمای در معادلات امنیتی این کشور رقم خواهد زد و بی‌تردید نقش حشداالشعبی همچنان در آن تعیین‌کننده باقی می‌ماند.

■ **انتخاب خیر کوتاه**

■ **قبرس: رویارویی ایران و اسرائیل می‌تواند دامنگیر ما شود**

«کیوس کریستودولیدس» رئیس‌جمهور قبرس در اظهاراتی نسبت به درگیری میان ایران و رژیم صهیونیستی ابراز نگرانی کرد و هشدار داد که رویارویی میان این دو، می‌تواند به قبرس هم برسد! او که یک پادکست بریتانیایی گفت‌وگو می‌کرد با تکیه بر ادعاهای بی‌اساس غرب علیه ماهیت برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد: اگر ایران به قابلیت‌های هسته‌ای دست یابد، کشور ما نیز در خطر است. ما ۵۰ دقیقه با اسرائیل فاصله داریم. رئیس‌جمهور قبرس در ادامه رژیم صهیونیستی را نزدیک‌ترین متحد کشورش در منطقه توصیف و بر اهمیت روابط دوجانبه با تل آویو در بحبوحه بی‌ثباتی امنیتی در غرب آسیا تأکید کرد.

■ **بقای: با چشمانی باز تحولات قفقاز را رصد می‌کنیم**

«سماعیل بقای» سخنگوی وزارت خارجه ایران در گفت‌وگوی به تشریح مواضع ایران در قبال تحولات اخیر در منطقه قفقاز جنوبی پرداخت و تأکید بر اهمیت این منطقه برای ایران و کشورهای همسایه گفت: منطقه قفقاز جنوبی از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک برای ما و کشورهای منطقه، به‌ویژه روسیه، حائز اهمیت است. بقایی با اشاره به سیاست ایران نسبت به تحولات شمال غرب کشور، افزود: ما با چشمانی باز تحولات را رصد می‌کنیم و هیچ موضوعی را نه ساده‌سازی می‌کنیم و نه کوچک‌نمایی. بقایی که در مصاحبه تلفنی با برنامه «روی موج گفت‌وگو» در شبکه رادیویی گفت‌وگو شرکت کرده بود، همچنین بر لزوم پرهیز از سوءتفسیرها و انتشار اطلاعات نادرست تأکید کرد و گفت: برخی از تفسیرها بر مبنای اطلاعات نادرست است و ممکن است هدف آن ایجاد اختلال در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه قفقاز جنوبی باشد.

■ **افشاگری رسانه عبری از همکاری موساد و منافقین علیه ایران**

روزنامه «یائیز اسرائیل» گزارش داد: سازمان مجاهدین خلق (منافقین) حمایت مالی، نظامی، آموزشی مستقیمی از موساد اسرائیل در یافت کرده است. همکاری دو طرف درباره جمع‌آوری اطلاعات و اجرای فعالیت‌های خصمانه علیه امنیت ایران است. این روزنامه به نقل از مقامات امریکایی نوشت که اعضای این سازمان تروریستی به رصد محل سکونت و جایه‌جایی دانشمندان هسته‌ای ایران قبل از انتقال این اطلاعات به موساد کمک می‌کردند. این روزنامه اشاره کرد: سازمان مجاهدین خلق که فاقد پایگاه مردمی در داخل ایران است، توسط اسرائیل به عنوان یک «هیروی نیابتی میدانی» برای انجام عملیات خرابکارانه و امنیتی در داخل ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.



انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «پاسیاد پسر خاک»

بیسستمین یاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با عنوان رویداد ملی «آزادگان ایران» در قزوین برگزار می‌شود و در این مراسم، تقریظ حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بر کتاب «پاسیاد پسر خاک» منتشر خواهد شد. به گزارش «جوان»، بیستمین یاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با عنوان رویداد ملی «آزادگان ایران»، روز ۷ شهریور ۱۴۰۴ در قزوین برگزار می‌شود و در این مراسم، تقریظ حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بر کتاب «پاسیاد پسر خاک» برای نخستین‌بار منتشر خواهد شد. قزوین، پایتخت آزادگان ایران، روز هفتم شهریور ۱۴۰۴ میزبان رویداد ملی «آزادگان ایران» خواهد‌بود؛مراسمی که با هدف گرامیداشت یاد و راه آزادگان سرافراز و به‌ویژه بزرگداشت سید آزادگان، شهید سیدعلی اکبر ابوترابی‌فرد، برگزار می‌شود. از بخش‌های اصلی مراسم، انتشار تقریظ حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بر کتاب روایت زندگی و مبارزات شهید سیدعلی‌اکبر ابوترابی‌فرد با عنوان «پاسیاد پسر خاک» است. این کتاب بر فصل از زندگی و مبارزه این شهید را به تصویر کشیده است.



اعلام بخش نواحی راه‌یافتگان جشنواره موسیقی جوان

اسامی تعدادی از راه یافتگان به مرحله نهایی بخش نواحی جشنواره موسیقی جوان اعلام شد. به گزارش جوان از روابط عمومی انجمن موسیقی ایران، دبیر خانه هجدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان پس از پایان کار دوری مرحله مقدماتی در بخش موسیقی نواحی (لرستان، شرق و جنوب خراسان، کردستان و آذربایجان) اسامی راه‌یافتگان اعلام کرد. اسامی راه‌یافتگان دیگر بخش‌ها نیز پس از پایان دوری‌ها از سوی دبیر خانه بزودی اطلاع‌رسانی خواهد شد. بر این اساس، اسامی برگزیدگان بخش‌های آهنگسازی، پیانو ایرانی و ویلن ایرانی به‌دلیل تک‌مرحله‌ای بودن آن در اختتامیه هجدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان هم‌زمان با سایر بخش‌ها اعلام خواهد شد.

«بر فراز ابرها» به «بیگ کارتون» روسیه رسید

انیمیشن «بر فراز ابرها» ساخته مهدی یوزق‌نگان در بخش مسابقه جشنواره «بیگ کارتون» روسیه نمایش داده می‌شود. به گزارش جوان از روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، فیلم انیمیشن «بر فراز ابرها» ساخته مهدی برق‌زنگان به بخش مسابقه رسمی فیلم‌ها کوتاه نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی بیگ کارتون روسیه راه پیدا کرد. این جشنواره به صورت حضوری و آنلاین برگزار می‌شود. «بر فراز ابرها» بیشتر در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان برنده پرونانه زرین بهترین پویانمایی شده، این دوره از جشنواره «بیگ کارتون» از دوم تا چهاردهم آبان در مسکو و به صورت آنلاین از ۱۶ تا ۲۵ آبان برگزار می‌شود. «بیگ کارتون» بزرگ‌ترین جشنواره سلاتانه انیمیشن در روسیه است. انیمیشن کوتاه «بر فراز ابرها» توسط بخش بین‌الملل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی برای جشنواره ارسال شده است.

در روزهای پایانی مردادماه فروش سینمای ایران در حالی به هزار میلیارد تومان نزدیک شده که نیمه‌پایا بودن بلیت فیلم‌ها در روزهای سه‌شنبه بر این میزان فروش اثر گذار بوده و احتمالاً شاوور شدن قیمت بلیت در ساعات‌های مختلف روز و هفته به گزارش «جوان» پس از گذشت پنج ماه از سال، بیش از ۱۱ میلیون نفر به تماشای حدود ۳۰فیلم اکران شده در سینماها رفته‌اند که نتیجه آن تاظهر روز یکشنبه ۲۶ مردادماه، فروش ۹۰۴ میلیارد تومانی گیشه است.

مؤسسه سینماشهر با آرزایی میزان فروش فیلم‌ها و تعداد مخاطبان در این‌چند ماه گزارش کرده که برسی آمار ی روزهای سه‌شنبه نشان می‌دهد اجرای طرح فروش بلیت نیمه‌پا در این روز، نقش مهمی در میزان استقبال تماشاگران سینمای ایران از بخش‌ی از این گزارش ایفا کرده است؛ «تازه‌ترین آمارها از فروش و تعداد مخاطبان در سال جاری نشان می‌دهد که این طرح نه تنها توانسته خانواده‌های بیشتر را به تماشای سینما بکشاند،



روزنامه جوان | شماره ۲۲۸۰ | دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۴ صفر ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۰۸ | غروب آفتاب: ۱۸:۵۰ | اذان مغرب: ۱۹:۰۹ | شبه مشعر: ۲۲:۲۲ | اذان صبح فردا: ۳:۵۶ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۶ |

روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بهیقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰
فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۲۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

روزنامه جوان | شماره ۲۲۸۰ | دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۴ صفر ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۰۸ | غروب آفتاب: ۱۸:۵۰ | اذان مغرب: ۱۹:۰۹ | شبه مشعر: ۲۲:۲۲ | اذان صبح فردا: ۳:۵۶ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۶ |

روایت حقیقت در دل بحران آزمون سخت خبرنگاران در جنگ ۱۲ روزه بود

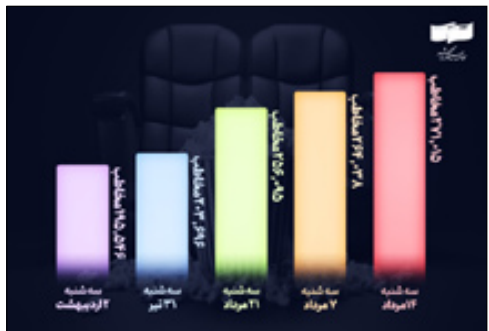


روزبه فکور
جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بار دیگر سختی‌ها و مخاطرات کار خبرنگاری و روزنامه‌نگاری را نشان داد. اهالی رسانه در این جنگ به خاطر موقعیت شغلی‌شان در معرض خطر بودند که نمونه مشهود آن را در حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما دیدیم، اما آسیب‌ها و مخاطرات کار خبرنگاری فقط به ۱۲روز جنگ معطوف نماند و بسیاری از خبرنگاران همچنان با آسیب‌ها و رنج‌های ناشی از جنگ زندگی می‌کنند. برای بسیاری از خبرنگاران، وقوع جنگ تجربه‌ای تازه بود که پیش از این تجربه مواجهه و برخورد با آن را نداشتند. اگر خبرنگاران نسل‌های پیشین، تجربه خبررسانی در جریان جنگ تحمیلی هشت ساله را داشتند، اما خبرنگاران جوان‌تر هیچ دورنما و ایده‌ای نسبت به جنگ و خبررسانی در شرایط جنگی نداشتند.

خبرنگاران همانند امدادگران در شرایط جنگی نمی‌توانستند کارشان را تعطیل کنند. آنها باید در صحنه می‌ماندند تا روایتگر آنچه به وقوع می‌پیوندد باشند. به ویژه در جنگ ۱۲ روزه که دشمن، حساب ویژه‌ای روی جنگ روانی و رسانه‌ای باز کرده بود، رسالت خبر و رسانه‌ای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بیش از همیشه احساس می‌شد و به چشم می‌آمد.

در جنگ ۱۲ روزه، ۱۲انصر از اهالی رسانه به شهادت رسیدند. در کنار این شهیدان، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران دیگری از نزدیک شاهد اتفاقات و حوادث مختلفی بودند و همچنان با تروما و آسیب‌های روحی و روانی جنگ دست به گریبان‌اند. در روانشناسی، «تروما» به آسیب روانی شدید ناشی از یک رویداد آسیب‌زا یا تجربه ناخوشایند و طولانی مدت اشاره دارد. به عبارت دیگر، تروما می‌تواند هم به آسیب فیزیکی و هم به آسیب روحی اشاره داشته باشد که هر دو می‌توانند عواقب جدی برای فرد داشته باشند. دکتر یونس شکرخواه، از استادان علوم ارتباطات بایان اینکه کار روزنامه‌نگاری در اصل تروماست می‌گوید: «به عنوان روزنامه‌نگار شهادت می‌دهم کار ما همسایگی رنج است، ما همسایه رنج هستیم و باید راوی رنج هم باشیم، باید از منظر

فروش ۹۰۰میلیاردی سینما و تأثیر بلیت نیم‌پا



دوم اردیبهشت‌ماه و با ثبت ۱۹۵ هزار و ۵۲۹فخر مخاطب رقم خورده است. در خردادماه، هم‌زمانی برخی روزها با مناسبت‌های ملی و مذهبی و همچنین وقوع جنگ در نیمه دوم این ماه، باعث کاهش نسبی تعداد مخاطبان شد، اما همچنان بیش از ۵۰۰ هزار نفر در سومین ماه سال به سینما رفتند. در روز ۱۳ خرداد آمار استقبال ۱۶۶ هزار و ۷۷۰مخاطب به ثبت رسید و بدین ترتیب این روز به لحاظ تعداد تماشاگر، در صدر سه‌شنبه‌های نیمه‌پای خردادماه قرار گرفت.

پیامبر اعظم (ص):
بخشنده ترين شما پس از من، کسی است که دانشی بیاموزد، آن گاه دانش خود را نشر دهد.
میزان الحکمه، ح ۱۳۸۲۵

از شهادت ۱۲ نفر از اهالی رسانه تا ضرورت ایجاد ستاد رسانه‌ای در بحران

روایت حقیقت در دل بحران آزمون سخت خبرنگاران در جنگ ۱۲ روزه بود

همه‌انگی اهالی رسانه نداشتیم؛ به طور طبیعی شما وقتی شرایط جنگی می‌شود یا بحرانی می‌شود، یک باید و نبایدهای خود به خود می‌آید که مربوط به شرایط است، این باید و نبایدها را باید بنویسید، منتق کنید و کارشناسان نظر بدهند و بعد ابلاغ کنید. مثل اینکه می‌گویند از اینجا عکس بگیر که دشمن نفهمد که ضربه‌اش به هدف اصابت کرده است یا نه. من دیدم بعضی از روزنامه‌نگاران اشکال کردند فلان صحنه را نباید ما اعلام می‌کردیم مثل حمله به ساختمان صدا و سیما را بعضی افراد اشکال کردند که اصلاً نباید نشان می‌دادیم، ولی نظر بعضی‌ها هم بر نمایش صحنه‌ها، این موارد جزو آسیب‌ها بوده. آن باید و نبایدهایی است که قاعدتاً باید ابلاغ شود، در چهارچوب ستاد رسانه‌ای هم به نظر من امکان پذیر است.»

مقدم ادامه می‌دهد: «نسلی از رسانه‌ها در ایران تغییر کرده است، به این معنی که نسل خیلی جوان‌تری آمده که نه تجربیات دفاع مقدس و انقلاب را دیده است و نه تجربیات بحران را دارد. در چنین شرایطی ما که دفاع مقدس را تجربه کرده‌ایم، بخشی از بایدها و نبایدهای آن موقع را به امروز آورده و در کار خود دخالت می‌دهیم؛ بنابراین یک تعدادی از افراد هستند که صاحب رسانه‌اند امروز ولی در عین حال باید و نبایدها را نمی‌دانند چون در شرایط مشابه هیچ موقع نبوده‌اند. اینکه من گفتم ستاد رسانه به این مفهوم کسانی که در این حوزه میرز هستند یا حرفه‌ای هستند یا تجربه‌ای دارند، اینها می‌توانند دور هم جمع شوند و با هم صحبت کنند.»

محمد خدادادی که تجربه مسئولیت در معاونت مطبوعاتی و خبرگزاری ایرنا را داشته، از تجربه داشتن ستاد رسانه‌ای در زمان کر ونا می‌گوید و بیان می‌کند: «شما در شرایط مثلاً جنگی که مثلاً شهر زیر بمباران است، اگر تنها ۱۰ درصد از رسانه‌های دارای مجوز فعال باشند، یعنی حداقل ۱۵۰۰ مورد رسانه می‌خواهند به دنبال اطلاعات بروند. این ستاد رسانه که در همه دنیا هست، سه کار انجام می‌دهد: نخست شناسنامه‌دار کردن افرادی که مشغول کار رسانه‌ای هستند، دوم تکنیک بین‌مسئولیت مرجع اطلاعات ونسبت آن باوقواق حادثه، سوم، فراهم کردن فرصت پوشش کار خبرنگاری است؛ به این معنی کدام خبرنگار، در کجا و به چه نحوی می‌خواهد و می‌تواند خبر را پوشش دهد. اولاً شرح وظایف دارم، دوم اینکه مسئولیت دارم، سوم اینکه بیمه دارم، چهارم اینکه آموزش می‌بیند، پنجم اینکه تجهیزات دارد.»

تمام صحبت‌ها یاد شده نشان می‌دهد، کار روزنامه‌نگاری در شرایط بحرانی و جنگی تا چه اندازه سخت و پیچیده‌است و سیاست‌های مشخصی در مورد شرایط جنگی کشور منتشر می‌کرد تا خبرنگاران، به شکلی واضح و شفاف باید و نبایدهای کار رسانه‌ای را بدانند.

بیزن مقدم، یکی دیگر از پیشکسوتان رسانه با نقد وضعیت رسانه‌ای در زمان جنگ می‌گوید: «پس رسانه باید پای کار جنگ باشد ما در همین جنگ ۱۲ روزه یک ستاد رسانه نداشتیم، یک جلسه

تیرماه، ۲۰۳ هزار و ۶۹۶مخاطب از فیلم‌ها استقبال کردند.
با شروع مرداد و آغاز اکران فیلم‌های تازه‌های همچون «زن و بچه» (ساخته سعید روستایی) و «هر د عینکی» (ساخته کریم امینی) و همچنین تداوم اکران فیلم پرمخاطب «پیر پسر» (به کارگردانی اکائی براهینی)، بار دیگر میزان استقبال مخاطبان از آثار سینمای ایران سیر صعودی به خود گرفت. با وجود اینکه هنوز یک سه‌شنبه دیگر از این ماه باقی مانده، اما تاکنون نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر در سه‌شنبه‌های مردادماه راهی سینماها شده‌اند.

نیمه‌پا» تنها یک طرح تخفیفی نیست؛ بلکه حالا به یک فرهنگ فکتنی برای سینما رفتن در ایران تبدیل شده است. بسیاری از خانواده‌ها، مذهبی و همچنین مخاطبانی که شاید در روزهای عادی کمتر به سینما می‌روند، حالا سه‌شنبه‌ها را برای تماشای فیلم‌های روز سینمای ایران انتخاب می‌کنند. کارشناسان سینما بر این باورند که ادامه این سیاست می‌تواند ضمن رونق چرخه اقتصادی سینما، به رشد فرهنگ سینما رفتن در کشور نیز کمک شایانی کند.»



مدیر گروه تولیدات تاریخی سیما فیلم:

سریال‌های «۰۲۴» و «سرباز کوچک امام» بزودی روی آنتن می‌روند

سریال نیز گفت: نقش اصلی را نیما ننادری ایفا می‌کند. همچنین هادی دیباجی، جعفر دهقان، حمیرا ریاضی، بهرام ابراهیمی، امید روحانی، حمیدرضا هدایتی، عقیل بهرامی، میلاد میرزایی، حسام خلیل نژاد، شیوا خسرومهر، فاطمه کتیقادی، سارا توکلی، فاطمه تیشابوری و عباس خاوردیان و... نیز در این سریال حضور دارند. تهیه‌کننده «۰۲۴» در پایان درباره لوکیشن‌های این مجموعه نیز تصریح کرد: لوکیشن اصلی ما در شهرک دفاع مقدس بود. در این سریال، لوکیشن‌هایی از شهرهای جنوب، مناطق جنگی، رختشویخانه، بیمارستان صحرایی و همچنین منازل و محله‌ها و فضاهای شهری دهه ۶۰ نشان داده می‌شود که در تهران بازسازی شده است.

همچنین نگارش سریال «سرباز کوچک امام» از سال‌های گذشته ادامه داشت که درباره مهدی طحانیان آزاده دوران دفاع مقدس است که ساخت آن اواخر سال ۱۴۰۳ شروع شد و این روزها بعد از گذشت پنج ماه همچنان در حال تولید است. به گفته مدیر گروه تولیدات تاریخی مرکز سیما این سریال که این روزها به کارگردانی محمدمدباقر مفیدی کیا و تهیه‌کنندگی سعید سعدی در ۳۵ قسمت در حال تولید است، سال آینده به آنتن خواهد رسید.

العاسی درباره ساخت آثار نمایشی در حوزه دفاع مقدس گذشته به پایان رسید و این روزها در مرحله پس تولید است. این سریال به تهیه‌کنندگی مجتبی خیاط احسانی و هاشم مسعودی و کارگردانی علی محمدی روزبهانی در تهیه‌کننده سریال «۰۲۴» درباره فضای این سریال گفت: این اثر کاملاً درام بوده و در حوزه دفاع مقدس روایتگر داستانی جدی است که در فضای پیشرفت، به خلایق و ابتکار جوانان در طراحی یک قایق می‌پردازد؛ قایقی که نسخه اولیه قایق‌های عاشورا بوده و در عملیات بدر مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در این فضا قصه‌های خانوادگی را هم شاهدیم که در سال‌های ۶۲ و ۶۳ روایت می‌شود.

خیاط احسانی با اشاره به ویژگی‌های این سریال و تمایزهای آن با دیگر آثار دفاع مقدسی یادآور شد: این سریال به قصه‌ای کمتر گفته‌شده درباره ساخت قایق در هور و نیز داستان «رختشوی‌خانه» درباره فعالیت زنان در پشت جبهه‌ها می‌پردازد. این فعالیت زنان تاکنون فقط در یک فیلم به طور محدود پرداخته شده و در این مجموعه نگاه پررنگ‌تری نسبت به آن وجود دارد. وی درباره بازگیران

«ژولیت و شاه» دست پر از امریکا برگشتند

مطرح بوده‌اند. جشنواره بین‌المللی انیمیشن پالم اسپرینگز یکی از معتبرترین رویدادهای مستقل در حوزه انیمیشن در امریکا است که هر ساله با تمرکز بر نمایش آثار خلاقاته و نوآورانه از سراسر جهان برگزار می‌شود. انیمیشن سینمایی «ژولیت و شاه» نخستین بازآفرینی فانتزی و شاعرانه از داستانی تاریخی است که رابطه پیچیده ناصرالدین شاه قاجار و بازیگر فرانسوی، ژولیت، را در بستری خیال‌پردازانه روایت می‌کند. این اثر پیش از اکران عمومی، در فستیوال‌های متعددی حضور دارد. اشکان رهگذر، نویسنده و کارگردان اثر، در واکنش به دریافت این جایزه اعلام کرد: «دریافت این جایزه برای ما آغاز راهی است که با امید و عشق شروع کردیم و خوشحالی‌م که «ژولیت وشاه» توانسته در دومین حضور بین‌المللی خود مورد توجه قرار بگیرد.»

روایتی تاریخی از روزنامه‌نگار مبارز در موزه سینما

سیاستمدار، روزنامه‌نگار و وزیر امور خارجه دولت دکتر محمد مصدق. فیلم با تمرکز بر تحولات دهه ۲۰ شمسی تاوقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به بررسی نقش فاطمی در رویدادهای منتهی به برکناری دولت ملی مصدق می‌پردازد. اگر آن مستند در موزه سینما، مستند تاریخی «یادی از مبارزات دکتر حسین فاطمی» ساخته محمد تهامی‌نژاد، به نمایش درمی‌آید. این رویداد امروز (دوشنبه) ساعت ۱۸ در سال فردوس موزه سینما برگزار می‌شود. این مستند که در سال ۱۳۶۰ تولید شده، یک مستند بازخوانی است از زندگی، رشد فرهنگ سینما رفتن در کشور نیز روایت‌های مطبوعاتی و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی،

مستند تاریخی «یادی از مبارزات دکتر حسین فاطمی» ساخته محمد تهامی‌نژاد، امروز ساعت ۱۸ در سالن فردوس موزه سینما برگزار می‌شود.

به گزارش «جوان» در سی و پنجمین نشست از سلسله برنامه‌های «شب‌های مستند در موزه سینما»، مستند تاریخی «یادی از مبارزات دکتر حسین فاطمی» ساخته محمد تهامی‌نژاد، به نمایش درمی‌آید. این رویداد امروز (دوشنبه) ساعت ۱۸ در سال فردوس موزه سینما برگزار می‌شود. این مستند که در سال ۱۳۶۰ تولید شده، یک مستند بازخوانی است از زندگی، رشد فرهنگ سینما رفتن در کشور نیز روایت‌های مطبوعاتی و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی،